

Süleymaniye U kütüphanesi	
Klasik	Esat ek.
Yarı	
Ek Kayıt No.	2089

سنة ١٠٠٠

[Faint, mostly illegible text in a grid pattern, likely bleed-through from the reverse side of the page.]

عهدكم ايون حضرت
 ظل الله يدك جلد ثابتي
 اعتبلا اولتكم وقت اكون سنه
 شعبان سنه ثابتي اكون سنه
 سنه من الامن كلفت النور
 حضورهم ايون جلد ثابتي
 عرض اقول حق اثار
 جلد ادر

نشر بیان نامه با اطراف دولت برای اعلان سفر هایون ۵۵	قرات خط شریف در باب عالی ۵۲	وزارت جره زاده میر میران احمد پاشا و ما موریت وزیر مقداد پاشا ۵۲
نفل هایون پادشاه آفاق بسا حلسر آینه لی قواف ۶۱	ذکر ترتیب عساکر بارو هایون و تیسیر لشکر برای محافظه قلاع منصور پادشاه ربع مکرت ۵۷	صورت بیان نامه ۵۶
ذکر بعضی از توجیهات سفر هایون ۶۶	ذکر آمدن سفرا حاکم پتن از مضاف دکن از ممالک هندوستان ۶۴	ذکر نصب خان بجانب قوبان ۶۳
وقوع محاربه جزیره در پیشگاه قلبرون ۶۹	ذکر توجیهات برای سفر هایون ۶۸	ذکر گرفتار شدن قالیون کبیر اعدا و ربط او بترسانه عامر ۶۶
دخول سفایین و نمای هایون بترسانه عامر ۷۲	ضیافت صدر اعظمی با ایلیان هند در سعد آباد ۷۱	نتمه وقایع این سال ۶۹
وفات شکر زاده استید فیض الله سرمد افند ۷۳	امداد پادشاه غیرت دستگاه برای لوزم و مهمات صنوف صا کرو سپاه ۷۳	نفل هایون بسرا میا من مروهون ۷۲
خروج مواجیب ورومالی ایلیان هندوستان بعینه پادشاه دارا در بیان ۷۴	وفات عاطف زاده احمد بک ۷۴	وقوع سلسله و توجیه قضا حلب ۷۳

رجوع رئیس کتاب سابق عطا الله افند با ستانه سعادت ۴	خروج مواجیب فتین ۴	نهضت صرته هایون از اسکدار ۴
وقوع توجیهات ۶	ختم بنای جامع قباصقال ۵	رفتن شاهینکرا بجزیره رودر ۵
ذکر بعضی از حوادث عراق و بصی ۸	مخونق شاهینکرا ۷	اعطای وزارت بمیر میران ابراهیم پاشا ۶
ذکر ترتیب و نمای هایون بجانب بحر سیاه و محاط ۱۸ سائ ۱۸	ذکر بعضی از توجیهات و ایراد بعضی از حوادث ۱۷	اجمال مکالمات رئیس کتاب سلیمان فیض افند با ایلی مسقو و ذکر بعضی از تجالیس ۱۰ مشاوره
توجیهات علما ۲۶	صورت مجلس مکالمه ۲۱	ذکر ایراد بعضی از اسباب وقوع مکالمات و بیان مکالمه بک ۱۹
صورت مجلس مذکور ۳۹	ذکر عقد مجلس شوری در سرای اصفی برای سفر هایون ۳۸	اجمال مکالمه چفناک لوند و ذکر مقدمه مشورت در باب اصفی ۲۶
صورت فرمان بعد الوالقاب ۴۱	نشر و امر با اطراف و سرحدات منصور ۴۰	وقوع مشورت واخذ و حبس ایلی مسقو ۴۸

وقوع مشورت عموم در باب آصفی و اندرون همایون برای وقوع سفر نجف ۹۰	نصب توغ بپایه نزد بان ۱۹	صورت فرمان بخان زوان محمد خان ۱۷
صورت خط ۹۴	فروج موجب وقوع دور ۹۳	صورت بیان نامه ۹۲
ذکر توجیهاث ۹۵	نصب قائم مقام و رکا همایون و ذکر بعضی از توجیهاث ۹۵	وقوع رکا ب عزل شیخ الوستوم ۹۴
ذکر فروج سردار اکرم بصرای داود پاشا ۹۶	ذکر افراج توغ نصرت مرفوع آصفی بصرای داود پاشا ۹۵	عودت ایلیان هند ۹۵

عزل شیخ الوستوم مفتی زاده احمد افندک ۷۶	صورت خط ۷۴	وقوع دور ورود خط همایون ۷۴
ورود قیودان پاشا و ذکر کیفیت رابطه نظام معمر ۷۸	ترجمه ۷۶	وفات کاتب یکپریان درگاه عالی ابوبکر بک ۷۶
عزل کتخزای صدر اعظمی حسن افندی و نصب کاتب کتخزای عبداللہ افندک ۸۰	نصب قاضی برای اردوی همایون ۸۰	مأموریت وزیر بکر پاشا بجا فتنه وارنه و نصب کاتب یکپریان درگاه عالی ۸۰
ترجمه ۸۱	وفات الحاج بکر پاشا ۸۱	توجیه وزارت با احمد واغای یکپریان درگاه عالی ۸۱
ذکر چاوشباشی شدن الحاج صالح اغا و بعضی از توجیهاث سائرہ ۸۳	ذکر رئیس کتاب شدن محمد راشد افندک و وارد بعضی از توجیهاث دیوانیہ برای سفر همایون ۸۳	توجیه رتبه وزارت برئیس کتاب سلیمان فضلی افندی و ذکر بعضی از توجیهاث ۸۲
عزل دندردار افندک ۸۴ وفات عطا اللہ بک ۸۴	وودت امینہ سلطان عمرها اللہ تعالی ۸۳	توجیه ایالت بوسنه ببکر پاشا ۸۳
ذکر متابعت خان رون بدون سنبله شامخ اورکان ۸۵	ذکر بعضی از تبدیلات مناصب وزرا و اعطای وزارت بکتخزای ملک محمد پاشا ۸۵	ذکر توجیهاث مناصب دیوانیہ ۸۵

[Faint, mostly illegible handwritten text in a rectangular frame]



67.7

[A large, faint grid or table structure on the right side of the page, with very light lines and illegible content.]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَطْرُ خَيْرِ زَكَرِيَّا قَدِيرٍ

حمد بيقصود و ثناى لا يعذر و نامحضور اول جناب نسق
فرماى حوادث لا ثناءه مخصص و مقصود در كه . برخوا
كريمه **اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ** قاطبه مكونات
نكناى عدمدن فحشتر اى وجوده سوق و تسريب . و عهد
كامله . و راف شامله . الهيه لزندن قرون ماضيه و امم
سالفه دن هر برينك مقنضاي حكمت بالغه صمدانيه . و
افتضاي مرهمت سابقه رحمانيه . لرى اوزره اسباب امر
معاش و لوازم و دواعى ابتغاشلرين . بر مضمون عنايت
مرهون **رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى** تنظيم قرئيب
بيوروب خصوصاً **وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْوَرْثَ وَالْأَرْضَ وَرَفَعَ
بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ** نظم جليلى اشارتى مقنضاسجنه
اولود بنى آدم ميانند تعيين مراتب . و تخصيص رواتب .
بر له قامت پادشاهان با عدل و داد . و بالوى سلوطين و ملوك
شهامت اعنيادى شفقت على خلق الله تشريفيله مشرف بيور
كند و لرين ذريعه پايدارى جمعيت بنى نوع انسان . و عيان
افرادى كرونداده اطاعت و از عاندرى قلى جهندن شاهان
و شهر ياران دخی اعطاي نام و شان . ايليوب **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ
الْوَهْوَ أَخَذَتْ بِهَا صِنْفًا** نص شريفى اوزر جمله نك پيشانى هم
اخيارين كه اراده فد و سنيه سند مقبوض و مضبوط .

و طوعاً و كرها هر كسك جبيناً طاعتن مقياً دامرو نهى رحمانيه
وابسته و مربوط . قلعله هر كبير و صغيرى سر پنجه فدرند
زبون و اسير . و هر مالك و مملوكى زير دست نصرف بي مشار
سند فرمان بردار و اطاعت پذير . ايلشدر **بِنَارِكَ الَّذِي
بِيَدِ الْمَلِكِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** نظم پادشاهى كه پادشاهانرا
پادشاهى ز پادشاهى اوست . عقل در معرض ثنا خوانيش
بدهان بنى زبان چوماهى اوست . و در و نامعدود .
و تسليمات منعاقبه الورود . اول تاج سلسله حوادث و
ايجاد . و منجز ما بين المبدأ و المعاد . **بَيْتِ ضَمَانِ دَارِ عَالَمِيَّه**
تاسپيد . شفاعت كن روزيم و اميند . اعنى مخاطب خاص
لَوْلَاكَ لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْنَا لَوْلَاكَ پيغمبر فرش نشين و عرش
ادراك . حضرت تدينك مرقد فرقدار نفاع . و مضع نور
التماعلرينه نثار و اهدا و لسو نكه شمشير بعشترين وجود
قروم كفاره كشيده . و كهن بنیان دوراند ايضاع وقايح
جديد . ايدركن طريقه مطارحه غزو و جهادى اخلاف
هدايت اتصافه نلقين . و روش و رفتار كيشور آرايى .
و شكر پرورى يى . توضيح و تبیین . بيور مغله نبايعه
و رايان و خوافين با تمكين . خدمتكارى شريف غرايى
بوستان عنايت و مدد لزندن كچين اولغى كند و لر مسلك
و آيين اتخاذ . و سايه راف و ايه مشفقانه لند محى و منظر
اولق اميد ليله دائر سنان و سلوكلرين سر سعادتدار
پناه و ملاوذ ايلشدر و مدد و رحمت و رضوان . و سنايم
قبول رحمان . مقابر و مضاجع ال واصحاب و توابع و ياران

هذات افتراندر نه منصب ووزان اولسونکه شاهراه شریعت
 شایعه لرین فتح وکشاد و تائید دین مؤید خصوصند من کل
 الوجوه سعی واجتهاد ایلوب شقایقستان سلو می زلوی
 زبیدلر یله شاداب وریاب و بطون جرائد آثاری فعال
 حسنه و وقایع مستحسنه لر یله ملون ایلشرد ر انا بعد
 چون ندبیر احوال د ول و نسیق امور اقالیم و ملل
 داتما هر قرنک اصحاب هوش و درایتی و هر عصرک ارباب
 عقل و کیاستی ایله پذیرای نظام و نسقیابان نظام
 اوله کلدیکی مستغین عن البیان بر امر مستبان اولوب
 پس هر د و نلکه بلکه هر خاندان و جمعیتک مدد لاری
 اذهان و قرائحی ایله صور نیاب و قوع اولون حواری
 عجیبه و نوعما فائد دن خالی و لمیان کیفیات عزیزه لر
 پامال روزگار فراموشی اولمق ایچون رحما لول خوف
 هر صنفک اصحاب هوش و ادراکی کشید سلك تحریر
 و بوسیله ایله اعقاب لرین نبیه و تذکره اتمکین نام
 نیکو لرین جرید روزگار ده اثبات و بلکه تحصیل
 دستمایه صنوف اجر و ثوابان ایلشرد رایمدی بوشیه
 شیرین میان ملوک و سلو طینک بر آیین دیرین اولغین
 دوت علیه ابدی القیام لوزالت ممتد الی پوم القیامه
 دخی کذران ایدن خوافین پیشین و سلو طین فلك تکند
 هریری بوامر لوزم الومعنا یه حسبما یساعده الویام
 اهما و اینه کلدیکی نام نیکو لر یله موشع اولون کتب تواریندن
 بدیدار و آشکار در خصوصاً کزید خوافین آل عثمان

بل زبد سلو طین جهان رحم آور و داد کستر دانادلو
 اهل پرور مدد رس ملهوفان دستگیر پائی فکذبان
 قلزم یمین و بان یسار کوه تمکین و آسمان وقار شهریار
 خسر و غلوم خاقان و الو مقام ینبوع لطف و احسان
 بحر بیکران عرفان سلطان انجم حشم خدایان فرخنده
 نظم پادشاه جهانکه فرمانش بر جهان دایم روان باشد
 پاسش از بانک بر زمانه زنده کز کن راسیث شبان
 باشد نشود کار عالمی بنظام که تراوی و در میان باشد
 دایم کیشورش بهاری باد نه چنان کز پیش خزان
 باشد شهنشاه سکندر آیین ظل الله فی الارضین
 او وهو السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان اعنی
 به السلطان عبدالحمید خان بن السلطان احمد خان
 بن السلطان محمد خان خلفا لله خلو فنه الی نهایت الزمان
 و ابد سلطنده الی اختتام الدوران و لوزال نسیم علیه
 شایعاً فی البود و ما برع ظل رافنه مبسوطاً علی مفارق
 العباد حضرتلرینک فی الوصل نزد همایون ملوکانه زنده
 فن جلیل تاریخ فون سائر دن مستثنا و تخصیص حوال
 و وقایع اوائل و اخره و قوف و طلوع شأنه لر اوسع
 و اوفی اولغین عهد بهین خلوفت رهین تا جدار لرینک
 بدایت سعد سرائلرندن بدایله غیابه قدر دن پرده
 بر انداز ظهور اولون شواهد حواریک مشاطه کاری
 قلم میا من توأم ایله پرداخت و زین و جلد واحد
 اولق اولورده نشاند مجدکاه ندوین قلمسی جانب مطام

میناقب حضرت ظل الله یلیندن ایکنی دفعه ده بواصحاب
 دانشک کمزری الحاج سعد الله انوری قولدرینه احواله ونفویض
 ومشغول نکه وپوی تسوید وبنیض بیوریلوب حسب انفرمان
 کیت مطلق عنان یعنی قلم دوزبان عرصه سخن آرای
 وادبی منقبه پیرایید غبار انکیز جولون اوله رقاون
 سنه لک مقداری حوادث واثار پی کذا رخامه شکر کار
 اولوب جسته جسته مرفوع عنبه شهریار چاکر پرور
 ومعروض عن حضور پادشاه جمشید فر اولمشیدی
 بوخلول عوارف کابنخش شهنشاهیدک دیوان معدلت
 ارکان ملوکانه لرنده نذکره اول خدمت سنیه سیله
 کامیاب بیوریلوب یاوری شوق فور انداز ایله بی تکلف
 ضبط انواع وقایع و آسان آسان ترتیب دفاتر و امواج
 مجامع اولنور ایکن بلا سببا وخدمت مستوجب الحبور
 دور و بی کسک بهانه سیله نابهنگام بلا موجب نذکره جیلک
 شغلندن دخی مجور قلوب بو تقریب ایله اوج بچوق سنه
 مقداری زمان احمد واصف افندی بو وادید جولان
 ایلدیکی ثناده مامن شیخی یثنی الا و قد یثک مفاد می اوزر
 ینه بحر زخار شهریار چاکر نواز یاره حقیق پر تقصیرده
 کف فشان وموج انداز اولوب آصف ستوده شیم کل
 مطلق پادشاه جمشید چشم معین ففرا مدد رسضعفا
 بلند بخت قوی طالع ذوالزأح الساطع اعنی صدر اعظم
 والوهم یوسف پاشایسرا لله مایروم ومایشاء حضرتلرینک
 اوان وکال کبری وصرصدارن عظامی ومفنی انونام

105

الهم

الهمام بن الهمام شیخ الواسع والمسلمین ذوالفضل
 الظاهر والعلم الباهر مولانا مفتی زاده احمد افندی جناب
 افاضل پناهلرینک زمان خیر اقترا ن فوالرند که سنه
 احدى ومائین والف رمضان شریفنک یکر می وردنخ
 کوندن عبارند رعبد قلیل المکندری باب آصفی به دعوت
 وفرمان جهان مطاع جناب ظل الله یلری وزره وقایع
 نویسلکه اکسای خلعت بیوریلوب مستمدا بعنايته الملك
 الوهاب بوندن صکره ندوین اید جکی کتاب جلد ثانی
 اعتبار اولمق اوزر مجد دانهیه فلم ودهان دواتی باز
 ومصطبه سخن پرداز می به ارتقا برله ترتیب وقایع وتحری
 ما شهریار پنجسته اثاره آغاز ایلدی ومن الله التوفیق
 وهو نعم المولی ونعم الرقیق **ذکر بعضی از وقایع**
سنه اجدید و مائین والف

8

نهضت صرته هایون از اسکار مقدم ذکر اولندیغی اوزر
 اوله دن بروسال بسال طرف هایون جناب جهانداری
 حرمین محترمین هالیسنه احسان وارسال بیوریله کل
 رواب وعطایا حضور سامی شهریارید صرع امینی طرفنه
 تسلیم و اجرای مراسم قدیمه اوله رق اسکار جانبنه
 تقدیر اولمشیدی محل مزبورده چند روز اقامت
 ولوازم وما یحتاج لرین رفیت اتملریله شهر رجی الجبله
 یکر می ایکنی خمیس کونی شهریارانام یعنی امیر المؤمنین
 وسائر خاص وعامرو کافه موحدینه دعا و ثنا فی رق
 اسکار دن نهضت وسمت مرآه توجه وغیرت ایلدیلر

خرروج مواجب قسطنطين شهر شعبانك اون طوقوزنجي كوني ترتيب
ديوان معدلث ارکان بيوريلوب طوايف عسکرته نك ^{قضا}
ايدنايكي قسط بش بيك سكرتوزيكرمي بش كيسه ديواني
مواجبري شهر يارانام حضرتلري دنيله زير قبه همايون
توزيع واعطا وخوان كرم و زولو احسان پادشاه و فير
النعمدن هر كس دل سير واروا بيورلدی بر قاج كوندن
صكرن بابا صفيد روزا ولغله طرف همايون حضرت
تاجداريدن خط همايون و تشريفان عنايمر هون ايله
صدر اعظم ستوده شيم حضرتلري لطيف و خط همايون
الفان مقرون وجوه انامد قران اولوب استماع در
الفاظيله هر كسك كوش هوش تشريف بيورلدی **رجوع**
رئيس الكتاب سابق عطا الله افندي باستانه سعادت انفا
ذكار ولد يعني وزره افندي مومحاليه بوندن بر قاج ماه
مقدم رياستدن دوزه وادرنه سرايي تعميرنه مامور
قلمشيدى سراي مذکورك في الوصل تعمير و تجديد اولونه
محلري معرفت معماران ايله كشفنا و لمنشا ولغله همان شمير
ساعدا هتمام و توفير عمله به اقدام بر له كشفندن في وافز
زياده اوله رق بر قاج ماه ظرفند امر تعميري اتمام
و خصوص مامورينك قرين حسن خانم اولديغن در عليه
اعلام ايلش ايدى بعد زين محل مذکورده اقامتي پيجا المغيز
طرف صدر اعظميدن عود وانصر افلين مشعر مکتوب
تحرير و چو فدار ثانیلری تسير يله او اخر شعبان شريفند
استانه سعادت و صول و ماذ و ناسا حلا نه لرنده اقامت

و دعای دولت ابدی لقیامه مواظبت مشغول اولدیلر
رفیق شاهینکرای مجریه روس محله بیانا ولد یعنی
اوزره طوعا و کرها بر قاج سنه مقداری روسیه لو
دیارند کشت و کذاز و اعداي دین طرفند بولمقدن ناشی
دشمن دینك قریر سربستی الفاسی دسائسند تقویت
حیل و خدعه لرینه کلی مداز اولوب کند و سنی نشانه نشانه
لوم و طعن صغار کجا رایدن شاهینکرای خانك سرحدان
منصوره دن خونین قلعه سی پیشا هند واقع نهر طور له دن
جانب حد و سلطن سینه به عبور و کند و مختاری اولون
محلله ترتیب مقدمات حضور ایلک رخصت و استجاره
اولدیغی خونین محافظی طرفندن و صدر اعظم سابق علی شاه
جانبدن غنیه علیا به انها واسترحا اولدقه مومحاليه
فی الوصل دغدغه سی جایکیر ضمائر و اعداي دین کند و سخ
ملواخ ایدک رکه انواع شورش و فنك ایقاع واجدا شه
متجا سرا ولد یعنی صحایف روزگارده مکتوب و بوضو
در علیه به النجاسی بر امر مطلوب و مرغوب اولغین همان
کشید کند تسخیر اولمه سنه اهتمام و دقت بر له میرمیرا
و درگاه عالی قیوجی باشیلرندن مره بعدا خری قوی
الوقیدار مباشر تعیین و ارسال و مراسم حرم و احیاطه
رعایت اولنه رق رمضان شریفك اون دردیجی کونی
خواه و ناخواه ادرنه به ایصال و ادرنه بوستانجی
باشیسی قوناغنه ادخال اولندی محل مذکورده بر قاج
کون آرام ایدوب طرف سلطنتدن تقدیر بیوریلون

اون بیک غروش مقداری خرچلی کند و سنه و اصل
اولد قدن صکره تعیین اولنان دیگر قیوچی باشی باشیله
ماه مزبور ک یکر می برنجی کونی یکر می نفر مقداری اباعیله
حمیه ادرندن تحریک واستعمال و محل قامت تعیین
بیوریلون رودس جزیره سنه ارسال اولندی بیت
ماکل ما یتمتی المرأ ایدر کة تجری الیریاخ بما لوتشربی لسنفر
خام بنای جامع قباصقان سلطان احمد خان جامع
جوارند واقع بین اونا نام قباصقان سینا نا غا دیکله مغروف
صاحب الخیرک بنا کرده سی اولون جامع شریف و معبد
منیفک مروی زمان و کور و ملوان ایله در و دیوارنه
و هن طریان و علویم انهدام هر طرفندن نمایان اولغین
شهر یا رانام **آدام الله ظلّه علی الانام** حضرت لردن تعمیر
و ترمیم و نمنس با عرضحال محله سی اها لیبی نیاز واسترحا
ایلد کلرندن پادشاه عالم حضرت لردنک فی الوصل والید
محترمه لری فردوس مکان و ابعده سلطان علیها رحمة
الرحمانک روح لطیف لری ثوابندن حصه مند اولوق
ثمنا سیله روحانیت نبی محترم صلی الله تعالی علیه وسلم
حضرت لردننا ستمدار معرضند عقد انجمن قرأت
منظومه مولد نبوی و محفل آرای استماع نعوت طلوع
اقتاب مصطفوی اولوق ایچون خالصا لوجه الله تعالی
ترتیب و تخصیص بیور دقلری وقف شریفک محلی جامع
شریف مذکور و وقف شریف مرقوم اول وقف پادشاه
میر و اولغله تجدیدن اراده قاطعه ملوکانه لری معلوف

۶
۱۰
تمکین وقف های یونلری قائمقامی اولون سابق ضربخانه ایسی
محمد افندی معرفتیه قلیل و کثیرا قضا ایدن مصارف منسوخه
خاصه طرف های یونلردنا عطا اولنه رق رجب شریفک
اونایکچی کونی ساسندن هدم و مجد دابنا سنه مباشرت
برله فوق الغایه متین و رصین و دلنشین اولوق اوزره
رمضان شریفک یکر می یدنجی کونی حسن خنامه قرین اولوب
ادای صلوات فمسه مداومت و وقف های یون ملوکانه لردن
و یرملک اوزره بعضار و غن زیت و شمع و قنادیلی دخی
توفیرا و نعمین دعای تکاثر خیرات و مبران امام المسلمین
پادشاه روی زمین حضرت لرینه قیام و مواظبت اولد
بالفعل روم ایلی قاضی عسکری اولون مولونا السید توفیق
افندی داعیلردنک خام بنای جامع شریف مذکور انشاد
ایلد کلری منظومه مطبوعه نکه بیت تاریخیدر **بیت**
دیدت ی تاریخ تجدیدن کینه بند سی توفیق بوزیبا مسجد
تجدید قیلد شاه عدل آیین **وقوع توجیهان شهر شوالک**
در دنجی خمیس کونی اوقات مختاره دن ساعت نهاری
اونایکی یه ایکی دقیقه قاله رق مناصب پادشاهینک
توجیهنه شروع اولنوب دیوان های یون چاوش باشلیغی
روحی سلیمان اغا عزلندن کسریه لی حفیده ارپه امینی نعمان
افندی و نشانیق کخدا ی سابق خیرای افندی و دفتر
امانی عاطف زاده احمد افندی و روزنامه اول اسما
سلطان کخدا سی محمد افندی و محاسبه اول احمد رفعت بک
افندی یه وارپه امانی قصاب باشی چل امین اغایه و اناطولی

محاسبه جیلکی طقوز ماه مرورند ن صکر ضبط اولمق اوزره
محرر حقیره و بیکری کتابتی نائلی پاشا بر اداری بکر بک افندی
وسپاه اغالغی چا قرچی باشی چاوش زاده محمد امین اغایه
وسلحدار اغالغی قره حصاری زاده احمد اغایه و باشا ^{السلطه} یغوی
یحیی پاشا زاده علی بکه و مالیه نذکره جیلکی لو محمد افندی
و کتخدا کاتبی سائینی مصطفی رشید افندی به توجیه و سائر
مناصب رفیعہ و صغیرہ دزهر بری حسب المناسبه توجیه
وابقا و هر طرفدن حق پادشاه انامده استجاب و دعوان
خیریه به سعی و فی اوضی اعطای وزارت **میر میران**
ابراهیم پاشا بوندن مقدمه و شیوز نفر میری ایله اسماعیل
اردوسنه مأمور اولون دارنده لی ابراهیم پاشا تحصیل
رضای میامن اقتضای پادشاهی به بذلتاب و فرمان
اولندیغی و جهله میری عسکرین کزیده و منتخب اولون اوزره
تجیر و استصحاب ایله یکدن بشقه قوسی خلقتن دخی
توفیر و سوادا حدشامن تکثیر ایدوب بو وجهله مأمور بتند
دلشاد و مسرور اولدیغی حاله اسکدار دن مرور و
برآن اقدم صوب مأمور نه توجیه بذل مقدور اوزره
اولدیغی معلوم شهر یار و قورا و لوب و پاشای موچی ایله
فی الوصل قدمای وزارت دن دارنده لی وزیر حسین پاشانک
حفید لیکله مشهور بر پاشای غیور و جسور و لمغین
حقنه مزید عنایت تا جداریلدی ظهور و مشتانشین
اولمق اوزره بندر باشو غلغیله شهر شوالک البخی خمیس
کونی رتبه والوی وزارتت حضوره صقیده الباس فرود

سمو رسیور یلوب بر قاج کونظر فند بعض لوازم و مقضینان
رؤیت و واسطه شوالک صوب مأموری اولون بندره توجیه
و عزیمت ایله **مخوقی شاهینکرای** آنقابیانا اولندیغی اوزره
ردوس جزیره سند قلعه بند اولون شاهینکرای خانک
دولت علیه به و عموماً اهل سلومه ایلدیکی رخنه و انکسار
بر تاریخه رقمزده اصحاب نقل و اخبار اولیوب از جمله
طقسان اوج خلوند سردار اکرم اولون عوض پاشا زاده
خلیل پاشا صداری اثنا سند سفهای فرمیدن بعضیلرله
اعدای دین طرفنه میل و قریر خاندانی زیروز بر
اند ر مکله سکنه و اهالیسی دید لرندن اجرای نهر
چگون ایلمکه بادی و بعد قریر خانلغی کندوسنه مخصوص
قلتمن صورتلرین دشمن دینه دعوا اندره رک باوخره
اقلم قریمکه ید کفاره کر فنا ز اولسی نتیجه مقدمان وجود
خباثت نهادی اولدیغی هر مجلسه داستان و هر قومک
دهاننده وردن بانا و لوب خصوصاً ایکی اوج سند
منقلد شعار کفار و اعدای یچنده کشت و کذا ز ایلوب
افواه عوام ناسه درلودر لوار اجیف القاسیله
دولت علیه بی بخصوزه و کاه فلون طرفه اقامت ایلسن
مسقولو التزام و کاه فلون طرفدن ظهور اید جکدر
کلمات بیما لن انداخته دهان هر بيشعوز ایلش اید
بودغه حسنا دهر دن اولمق اوزره باورده بیان
اولندیغی و جهله سائر دولت سنیه به البجا و بعضاً خونین
طرفدن دشت چقاد اخیار انز و ایلمسن رجواستد

ایلدی حقدند ندبیر اولنان صنایع دانافزید دولتدن
طرفه قطعاً سر رشته ویرلیه رکن عقاوی دولت ندبیر^{له}
مرامنه مساعفه صورتلرنده نه حالایسه خونین حدود^{ندن}
بروجانبه امراره و ذکر اولدیغنی وزره اهتمام ودقت
اولنه رق و صورت ظاهرده اگر امدن قصوره رخصت
ویرلیه رکن ردوس جزیره سنه تسیاز اولمشیدی
مشارایله نیچه زمان دشمن دینایله اتحاد و هر طرفی
اضرار و فساد ایلش بر فاسق عوایت نهاد اولوب حتی
اعدای دینا عانیله قریم خانی ولوق داعیه لرین نداشتند
لوحه دماغ ایلوب شرنده کفارده استنادا قریمه
دخول ایلدیکی اثناده علمای قریمدن کند و سنک
ارتداد نه حکم ایله عدم صحیح حکومتی دعوالرین بالوجاه^{هم}
الزام ایدن حق کویان صلحای ماب محمد دن قنی وافر
راست گفتار دیانت شعاری کفار خاکساره اعانت
و مظاهره معرضند ایصال درجه شهادت ایلوب
وجوه شتی ایله دینه خیانت و دشمن دینه اعانت ایلشیدی
الحاصل فضائل دولتی منکر و وجودی کافه اهل ایمانه
مضرا اولوب شرعاً و عقلاً زاله سی درجه وجوب رسید
اولمغله محل منافسی اولون جزیره مذکوریه ایصال اولندی
اثناده صدر اعظم حضرت لرنک دخی افنایه خصوصند
انتخاب و تعیین ایلدیکی مباشر و راستدن مخفیجه ارسال
اولوب واسطه شوالده لیلوقلعه قیوسن کتار برله مبعی^{یغنی}
اولون محله هجوم و اقدام و خنق ایله مارین تمام ایدوب

وجود فسادا تو دین سپرده مغایر اعدام ایلدی
بیت درانتهای بارخود از ابتدا بین زان پیشتر که
خاک شوی زیر پای بین مومی ایله بوکونه خود بخود
فکند دایم دمار و دوچار کند بوار اولمه سندن
قابطه موحدین سرکرم نشاطه و نشایا یا نبساط اولوب
پادشاه روی زمین دعاری رسید مقعرنه قباب
و بوداهیة دھیانک بو وجهله اندفاعی جناب رب
الوزباب حضرت لرنک شهریار کامیاب و سائمه اینلر^{نه}
محی اولون امت مرحومیه اخلاص نصیب حقدن بحسب
الطایف رحمانه لرنک سرزده ظهور اوله جفته مقد
اید و کن جزم بی از تیاب ایلدیلر ذکر بعضی از حوادث
عراق و بصره بغداد حوالیسی مقرعشائر و قبائل عرب
واکثریسی ذی قدرت و اصحاب حرب و ضربا و لغزین
ولوت بغداد کاه اظهار عدل و داد و کوشماللری
ضمند ترتیب اجناب برله طوائف مذکوره دن متصرف
سرد رهوا اولنلری کند ندبیر ایله بند و تسخیر و بعضیا
اولود و اقر بالرندن رهن اخذ ایله سوی خلوفه حرکت
منع و تخذیر ایدرک تحت رابطه به ادخال و دائره
اطاعتدن خروج ایلاملری سبب استصحاب لرن خالی
اولوب حتی بغداد و ایلیری طرفلرن طوائف عربانک
لحصول پذیرا وله جق امور خصوصلری تمشیتچون
بغداد و ایلیری انبا عندن بعضیلری اشیاخ عربانک
عزل و ابقا و اخذ و اعطا مثل و خصوصاً مشکله لرینه

توئی اتماری مراسم قدیمه بغداد دنا و لمغین شامی و غلی
الحاج سلیمان بنک دخی عبدالله پاشا و حسن پاشا و عمر
پاشا و حالو و الیسی اولون سلیمان پاشا زمانند بومقوله
چو کتخلوقی مثللو خد متلرده استخدا و کسب نامه اهنما
اید ر مقوله دنا و لوب لکن بغداد و الیسی تحریر اندن
معلوم اولدیغی و زره مومحالیه ذکر اولنان بغداد
و الیری یا مندن هر برینک و قنند بر کونه فساد القاء و مد
کاری دروغ و نفاقه هر زمان برد و ر لوفنه و آشوب
پیدا اید کلدیکدن مره بعد آخری ولون عراق بغداد دن
کند و سخی طرد و تبعید و اراق اراق حقه اولون
رقم غضبدرین تجدید ایدر لرایدی بود فعه بغداد و الیسی
اولون سلیمان پاشا بصره مستمی ایکن بغداد و الیلکی ایله
کامیاب و بصره دن حکومنا هلدی جانبنه رفیع لوی مسرت
نصا بایلیوب بغداد ده تقریب ایلد که مرقوم شامی و غلی
مشا ر الیهک سلفندن سایه سنه البجا و جرات گذشنه سن
استعفا اتمکین عفا الله عما سلفنا یت کریمه سی اشار تنه
امثالو ما سبقا ولون کردار مردارین سپرده سیلوب
عفو و اغماض ایدوب کما فی السابق خدمندن استخدام
و ثبیه و کوشمالی خصوصنه دخی دقت و اهتمام ایدر اید
ذکر اولدیغی و زره مزبور مرقوم طبیعی اولون نمک
بحر مایغی اجرا و اظهاره مجبور اولغله بعض خصوصلرده
بغداد و الیسی مشا ر الیه معارض و کاه کاه ر ایلر ایله
امور بلدییه دائر ترتیب ایلدیکه مقدماقی مناقض اوله ر

9
13
امور بلدییه تحت نظر نند اولوق مرتبه لرینه ابلاغ و بلکه
و الیسنک بالکلیه معطوا اسوده نشین گوشه فراغ الیسن
نقش سر لوحه دماغ ایلدیکدن بشقه عربانی دخی
تحریرک و بعض کونه فننه و فسادک جلوه کرد و ث
اولسیله اهالی بغدادی و الیدن و والی بلدییه اهالی دن
و اعیان و اشرافی بر بردن تفریق و تفکیک ایله
اعمال فکر دیکه ایلدیکه بغداد و الیسی مشا ر الیهک
معلوم و اولیابد نصح و پندک لار کرا ولیه جفی مجزومی
اولغین مقدمه بغداده متوجه ایکن حین استعفا ده
و یریلون عهد و امانه مخالف بر حرکت و قوعندن احترا
افنا و اعدا مندن اغراض برله اولدخی اسلوفی مثللو
ترتیب لوازم از عاج و اندرون بغداد دن طرف و خارج
ایلش ایدی مزبورک دماغی بخار فساد ایله مختل اولغین
اشرار عربانندن باشنه جمع ایلدیکه کوه غوا یت انبوع
انسانی سبیلک یوللرین قطعه اجتر و حیله آمیز مطالب
ایله هر طرفی تحریک و اخلوله حث و اغرا اتمکین جمعیتی
قوت بولمزدن مقدمه بغداد و الیسی طرفندن مهادری
ایله بر مقدار عسکر تعیین و اول جمله ده جمعیت شکار
پراکنده و بیخ شباتلرین برکنده ایدرک کیفیت دستبرد کونه
اید و کن کند و لره لفتین برله سواد لری تار و مار
و روی زمین کند و لر تنک و تارا اولدیغی حاله فرار
و بر طرفندن مشا ر الیهک عسکری تعقیبه ابتدا ر ایدوب
بر قاع ساعت مقدار ی و والرندن روان و کرفنا ر

دام خذون اولمیرینه اگر چه سعی فراوان ایلدیلر لکن
پویان اولد قلمی صحرالرده علف آب نایاب و شدت
حرارتله راکب و مرکوب بی تابا ولد یغندن هیئت قصبه
عودت و مشا رالیه طرفدن وروداید جک خبره انظار
محل مذکورده اقامت ایلیوب شفق مذکور دخی فنان و
خیزان خابوره کریزان و محل مذکورده همداستانلری
اولون اشقیای عربان ایله سلیمان پاشا ازعا جچون
اخلوی قطر عراقه دائر آخر کونه فننه تحریکه چاره
جویان اولدیلر بوندن صکره شقی مزبور بشا ون نفر
ادمیله مخزیا و مطر و دامنفق عشیره تی حمایتنه انجا
و مشا رالیه وزیر سلیمان پاشا اتباعدن خالد نام
کسنه ایله عشیرت مذکوره شیخی تحریک و اغوا ایدوب
وزارتله اولوبصره ایالنه نائل اولق مقدمه لرین
ترتیبه شروع و بوکونه دغدغه انداز قلوب اهالی اولور
حر کلرندن اراجیف هر طرفدن نبوع ایلدی فی الوصل
منفق عشیرتی مشایخی بصره محافظه سنه مأمور و بوخدا
مقابلی سوطین پیشین جعل الله مقامهم فی العلیین
حضراتی اکثر مقاطعان بصره یی مشایخ مذکوره یه
اعطا ایله بازوی قدار لری توفیرنه سعی موفور بیور
اولمیر یله مشایخ مذکوره بعضا طغیان و ایالت بصره یی
بماها ضبط اتمک سودالریه عصیان ایلمک و بغداد ولیری
دخی بعضا او مقوله لری قتل و اعدام و بعضا شیخلرین تبدیل
و تغییر ایله منقاد امر و نهی د و لک ابد قیام ایلملری رسوم

۱۰
۱۴
معهوده دن اولمغله بود فقه دخی مزبور شای و غلی منفق
عشیرتی شیخی اولون ثوبتی نام شیخ ایله معاخذت و بصره یی
زیارت صورندک برابرجه شهره دخول ایلد کلری اثناده
عادت بلد او زره استقبالیه مبادرت ایدن لر دن
بغداد و ایسی طرفدن متسلم اولون کسنه یی و بصره
کمر کجیسی ایله قودانلرینی اخذ و حبس و اموال و اشیا لرین
ضبط و خود بخود بصره مقام حکومندک فرش بساط
اقامت برله اظهار انواع عوایت و خیانت ایلدیلر بوندن
صکره و جوع بلد دن تحصیل و زارت معرضندک عرض و محضر
اخذ و در علیه یه تقدیر و اسکان اهالی بلد ایچون فی الوصل
شای و غلی و غلنگ در علیه یه ترددی ولد یغن و کند و سنه
وزارت و عداوت یغن سائر اکا ذیب اعمنی فریب ایله سکان
بصره یه اشاعه و نفیر برله بوندک امثالی اولق طرک موجب
اخلوی اولور نیچه مفاسد تعلیم و تصمیم ایلدیلر بو صورتلر
بغداد و ایسی مشا رالیهک بشا لقی سنه دنبر و بغداد
و بصره یه ویردیگی نظامه فحل و نفس لا مرکزک مزبور
شای و غلی و کرک منفق شیخی هر ضا و هم مضیل او یغین
در عقب شیخ مزبوری تبدیل و عشیرت ضابطلمکن بین
کند و سندن معتبر و اقوی براخر کسنه یه تقلید و تحویل
ایدوب طرف دولت ذاستمداد امیه رک کلی مصافق ایله
قهر و تنکیلر یچون لشکر وانی ترتیب و تعیین و کیفیت احوا
مره بعداخری مفصل و مشروع مکاتب ایله در علیه یه تیر
و بنیین اید و با اشقیای مزبوره ننگ غولجی ایله حقلرندن

کله جکن و مزبور شای و غلونه اکثر اولد و اعوانتک
 مشا رایله خدمت ملحق اولد قلین و وزارت تحصیلچون
 در علیه به کوند ریکی تحریران و مصلحتی تمشینیچون ارسل
 ایلدیکه بویچه نکه عدم قبول و عین تحریراتنک مشا رایله
 طرفه کوند رلمسن بغداد و ایسی مشا رایلهک بصره خوا^{لیندن}
 خوف واقع عزین اشاعه اتمه لر یله فیما بعد تحریر لری واقع
 اولور ایسه عدم اعتبار رایله معامله اولمنسی مشا رایله
 طرفدن بر قطعه قائمه ایله عنبه علیا به عرض و انها و معروض
 پایت سریرا عنو قلند قد و زیر مشا رایله مجرب و کار آموز
 و اولکوائینک حسنی داره سیله السنه انامد ستوده
 اولوب بوگونه غلبه صورتندک نزویراننا عانه سیله هر
 تحصیل مآرب و مطالبه و در شاید نلرک مطلبینه مساع^{ده}
 ایلک اولقطرک اخلولندن غیر بر شی منج اولدیغندن
 بشقه سائر بومقوله لرک طرف طرف سر زده ظهور اوله^{جفت}
 موجب بر کیفیت اولغله همان مشا رایلهک کافه ملتسانه
 مساعده و اولقطرک کافه کفایتی کند و عهد سنه حواله
 اولمنسی حاوی بر قطعه امرها بابت عنوان ایله بحاله آدیسی
 ارجاع و اعاده اولدی **اجمال مطالب رئیس کتاب سلیمان**
فیضی افندی با ایلی مسقور ذکر بعضی از مجاری مشا و ره بوندن
 مقدم کرک فیض الله افندی و کرک سید خیری افندی و خصیها
 عطا الله افندی ریاستلندک و بحاله هذ رئیس کتاب سلیمان
 فیضی افندی ریاستلندک اعدای دین یعنی مسقوروی لعینک
 آستانه ده مقیم ایلیسی و بعضی مواد مذکره سنه معین شخصی

اولون برحقاق نام ملعون دولتی طرفندن اولوق اوز ره
 اراقی اراقی نقتد بر لر تحریر یله بعضی مواد میدانه الفا و
 دلخواه لر ها و زره نظام پذیرا و لمسنی التماس صورتندک
 استدعایان خالی و لمیوب حتی کافرک ایراد ایلدیکه ماده لر
 استدیکی اوز ره فصل و حسمی و لک علیه به مضر و موجب^{شیر}
 و عدم اعتباری مستلزم ظهور عداوت جا نبین اولغین
 مومی ایهم و فکرنده بر ماده نکه قطعی میسر اولدیغندن
 اون بر ماده مقدار می تراکم و مجتمع و مسقور ایلیسی امر
 ایلدیکند نظر فینک مراد اوله رق قطعی ممنوع اولمشید
 دیوانهایون قلندک محفوظ اولون مالمه مضبوطه لری ناطق
 اولدیغی اوز ره ذکر اولنان ماده لر بونلور اولور و
 علیه نکه روسیه لوائله دوستلغی باقی و در کار میدر
 ثانیاً اوزها هالیسنک طوز ماده سی **ثالثاً** اوزی طرفندک
 اولون حدود درده سار قلم ماده سی **رابعاً** قریباً نلو طرفندن
 قریبان صوبی کجیلوبا عدا طرفنک غارت اوضیعی **خامساً**
 مصدریه و رسوم میزان و دخان و بونلرک امثالی مواد
 سادسا افوق و بغداد و یورده لرینک تبدیل و تغییر نه
 متعلق روسیه لوجا بنندن ایراد اولنان مواد **سابعاً**
 اسلامبولدن قره دکره مروری مسقور طرفندن التماس
 انان سفینه ماده سی **ثامناً** جزایر ده التماس دیواد عا
 ایلدک لری سفینه ماده سی **تاسعاً** وارنه قوشلوسلغی
 ماده سی **عاشراً** نظیس خانی و اولکاسی ماده سی **احد عشر**
 کورجی سراسی ماده سی مواد مذکره نکه مسقور طرفندک

مطلوب اولون نظامی نوجهله ایدو کی تفصیل ویریون جوابلردن
علی الیهمال منقوله اولور مقوله دنا ولغله تفصیلاتی طی اولونوب
رئیس الحاکم افندی طرفندن نذارک اولنان جوابلری علی الیهمال
بتمامها بوجهله درج ایله اکفنا اولمشدر اشبو تحریر افخ جوق
اجوبه صائبه برقاچ کون مقدم علی وجه الثانی رئیس الحاکم
سلیمان فیضی افندی همئیده فله آنوب شیخ الواسوم وقضاة عساکر
ومعزود وپایه لولرینک وسائر کتخداور رئیس مغروللری مثللو
کبرای دولتک منظورلری ولوب اتفاق آرا ایله اعدای
دین طرفنه بوجهله جواب ویرلسی مناسبتدر دیوجمله هر
طرفندن استحسان واستصواب اوضفندن صکره رئیس الحاکم
سلیمان فیضی افندی محمود پاشاده واقع کندوخانه سند اولون
اوزره روسیه ایلیسیله ماقوات ایلیوب لوازم دوستی فی
بعدا لوبراز بووجهله جوابه آغا زایدیکه بوندن برقاچ کون
مقدم بر محله جمع اولنوب مکالمه ایلدیکمزه ایلی بک دسترخ
ایراد ایلدیکی مواد اولیای نعم افندیلر مرکزک منظورلری ولغله
عهد وشروط ورسوم دوستی ومصافاه توفیق افخ رفی جوابی
استحصال اولغله بوجه آتی بیان اولنور اولود ولعینه
روسیه دولتی حقد ضمیری استظوح اولمشیدی دولت
علیه تک جلی وخفی مقصودی بین الدولین درکار اولون
بنیان ینیم وصفونک مشیدک پایدار واستوار اولسیدر
ثانیاً اوزی هالیسنه تخصیص قلنان طوز ماده سی که مجدداً
بینلرند آنوب ویریون سندده نوجهله مسطور ایدوکی و
مقتضای عبارت سند نظرگ اوزی هالیسی کندوره

مخصوص کوللردن بر موجب سند لو علی التبعین طوزالمن
اقتضا ایلدیکی معلوم بود دعوی دولت علیه تک حق
اولدیفی مجزوم ایکن ینه محلنه فرمان تحریر ونظایمچون
مخصوص مباشرتسیز ایلمشدر بر موجب سند لو علی
التبعین طوزالمن سرحد لونک حق ایدوکی ظاهر در
اکر شرط وعهده دولت روسیه رعایت ایدر ایسه
مباشر منالیوم اوزید در طرف کزدن دخی آدم تعیینی
ایله نظامنه استعمال اولمنسی مطلوب دولت علیه در
ثالثاً اوزی طرفنده اولون سرحد لوده سار قلم ماده
اولین افاده کرده در حال وبعد لوجلانکاید لولونبجا
وامر ایدو ومباشرا صادرند دولت علیه قطعاً قصور
ایتمدوکی معلومد ز لکن روسیه لوطرفندن تعیین اولنان
مایورک تمشیب مواد ده عدم اعتبار فی مبین تحریرات
وا هالیسک عرض ومحضری کلدهاشته بودر بوضو تلر
دولت مشارالیه طرفندن دخی بو خصوصیه مأموره
نبیه ایدایله مادین مرقمتینک احسن حال اوزره
فیصل پذیر اولسنه اهتمامی دولت علیه دخی مطلوب ایدر
رابعاً قوبان کچه سی سکانک ماده سیدر که ابتدای امر
روسیه لوطرفندن بر وپکیلوب اموال وحیوانان غار
اضیفی مقدمادولنه تحقیقاً انجبار اوضفده بو مثللو
خصوصی بر موجب شروط عهد نامه احقاق حق افخ
فیصل پذیر اولسین مقدم ومؤخر صوغوجق محافلرینه
ایکدوشدیدا وامر شریفه صدور ایلدیکی معلومکزدن

محافظة مشا رايه بوخه صوبه مأمور و منظور در آنجوت
دولت عليه بر قات دخي تکرار فرمان عالی اصدار ایتک
اوزره اولغله روسیه دولتندن دخي تعیین اون جق
کیم ایه قاعد سرحد و شروط موجبجه محلد ه فصل دعوا
ایتمی نینی نینیه و تاکیده اقدامکز دولت علیه نک ملزم
مرادیدر خامساً مصدریه و رسوم میزان و در خان
و بونک امثالی ایراد ایلدیکن کرکه قینا زجه عهد نامه سی
و کرک تجارت معاهد سند ه فرانجه و انگلتره دولتری
مقرس دولت علیه اولق اوزره مسطور اولغله اگرک دولت
عليه ~~سزک~~ تجارتکز حقلرند فرانجه و انگلتره تجاری
حقلرند اولو ز معاملة سنک خوفی و شرایط معاهد
تجارتک مغایری معاملة ایدر ایه بو تقریضکن اولوقت
وزم کلور ایدی یوخسه دولت علیه دولین مشا رايها
تجاری حقند اجرا اید ه جکی معاملة یی سزدن بروقند
درینغ ایندیکی یوغینکن تقریض مذکور بیجا اولق اقتضا اید
خصوصاً مذکوره ده شرایط نوجه ایه بهر حال
موجب و مقتضای اوزره نظام ویرملک دولینک
مرام و مر ضیلریدر سادساً افوق و بغدادان ماده لرین
ایراد ایندیکن دولت علیه کند و مملکتی رعاسنی حمایت
و صیانت بهر حال اذنام ایدر صلح بر و تبدل قبول
ایدن بکلرک اکثری کند و استعفا لريله و بعضی دخي
فقرا ی رعیتی مظالم دن فارغ اولماسی سببیل اولدیغی
ريله حاجت دکلد و ویوده لردن قابل اصلاح اولمیش

۱۳
۱۷
جرايم و قباح و رعایه ظلم و خسارت ایلدکری تحقیق
اولند قد ه عزلرینی موجب اولدیغی تقدیر ده عزل و تأدیب
ایتمک دولت علیه نک خدمت لر ی اولمیریله عزل و نصبند
مستقل بالذاتدر الحاله هذه کیفیتلری دولت طرفندن
نقص اولمقده اولغله غرضدن عاری و جهله تعدیسی
تحقیق اولغور ایه عزلیله دکل نا دیبان شیدک سنک
اجراسنک اجرای عدالت اولغور سابعاً بو طرفه قدر
دکره مروزی التماس اولنان سفینه ماده سی شوسفینه
دوستانه مرور نه رخصت ویرملک صمیمی دولت علیه نک
مرامی یکن بود فعه هر ماده شرط و عهده توفیق ایله
طرفیندن معاملة اولمق بیان اولمقندن ناشی موانع
سائر ه یه ویریله جک رابطه ذیلند بود دخي ادرخال اولمق
وزم کلشدر ثامناً خرا اید ه الذی دیو ادعا ایلد
سفینه ماده سی چون واروب آندن جزایره کیدوب
خبریه یه مصره کلوب آندن دخي در علیه یه کلمک وافر
ایام توقف ایدروهم دریا احوالدریمته تعالی چوق
پنجیوب جوابی کلور و کله جک جواب شرطه توفیق ایله
نظام بولور تاسعاً وارنه قونسو سلغی ماده سیدر
ملک و نظاماً محاذیر عدیده سی اولدیغندن روسیه
دولتک شرط و عهده موافق عدم مطابق رعیه رک
بجز تحصیل تراید صفون نیلله نیچه ماده لرینه دولت
عليه مماشاة ایندی شاید روسیه دولتی دخي ایکی دولت
بینند در بار اولون خلوص صفون کامله همجوری یه

مراعاتنا بیه دولتی علیه نک بومرام جزوین سنه مماشاة
ایدر ظنیه بوبابده دوستانه رفعی التماسی حاوی ^{تکرار}
کاغذ یا زوب مخصوصاً دم ایله کوندردی الوان
جوابی کلیاً مکملہ تحریرات مذکورہ ایله کیدنا دمز کلدکه
البته روسیه دولتی بوبابده ادعا ایلدیکی صفت مذکور
یا قشور جوابی تحریر منظور دولت علیه اولدقه اولوق
ایچی بلک دوستمن ایراده محل قالورایسه بونک صحبتی
اولزمان کرکدر عاشر انقلیس خانی ارکلی خان اولکاسی
ماده سی که چکنکی مجلسه بیان ایتمش سز بودغه روسیه
دولتنک ادعای عهده و شرطک اجراسی اولوب ارکلی
ماده سی قینارجه عهده نامه سنده و عهد ساره ده
قطعاً داخل دکل ایسه دخی دولت مشارالیه طرفند
الئی بیدی آئی مقدمه ایراد اولندیغنه بنا اولوق بومانه
ضمنند دولت علیه طرفند ویریون جوابدن صکره
دولت مشارالیه ناک اراده سنه بنی فرا پنجه ایچیسنک
توسطیدله فیما بعد چلدروالسی طرفند ارکلی خان اولکاسی
تعرض و تعدی اولنماق ولزکی طایفه لرینک دخی تقدیر
منعنه اقدام ایلمک ایچون موکدا مراعاتی اصدارومعروض
مباشرایله ارسال اولدقه روسیه دولتی دخی بالتراض
قبول و بونک ایله بوماده ده فیصله پذیر اولمش اولور
دیو ایچی مومی ایله اخبار و التماس ایتکل اولوبهده دولت
علیه مماشاة ایدوب طبق التماسی ووجه مشروع اوزده
فرمان عالی اصدار و ارسال و طرفکزه دخی اخبار برله

بوسوز لر برطرف اولمشیدی حتی بویکی دولتنک
حسن موالات و موافقت مؤتسه برکائیله ایوم خان
مومی ایله نعره خرایا دی آجانب وعد واندن وارسته
ومحی ووالی مشارالیه ایله دوستلق و محبت اوزده
اولغله الحمد لله تعالی شمدیلر ده اولحوالید دغدغه
قیل وقال برطرف اولدیغنی ایچی بلک دوستمن بیان ایدم
احدی عشر یکن کونکی مکالمه ده کورجی اسراسی انوب
صالح بقده دردیو ایچی بلک دوستمن قاله کور مش
عهد نامه نک یکرمی وچینی وکرک یکرمی بشخی بندلرند
شرطک بوبابده افاده سی انجق کورجیلردن سابقلر ده
اولدیغنی مثلوقز و اغون ویرکوسی التماسندن عبارت
اولغله الی الوان قزو اغون ویرک دیو برسنه طلب
اولغدیغند غیری خاطر کلدیکی دخی یوقدر بوضوح
عهد و شرطک اسراماده سندن بحث و ایراداتی ایکی
دولت عهد نامه لردن طئی ایتمش اولمدریله بوندن غیر
بوماده ده تعمیق باوطائل موجب تطویل اولمش اولور
اجوبه مذکور سبقت ایدن عبارتدن مفصله اولوق
مسقوا یچیسی و مرخصنه رئیس کتاب افندی مومی
ایله تقریر یله شفاهاً حسب المقام حکیمان الزام ایدر
تفصیل و افهام اولدقه ایچی مسفور بالبداهه مقابله
ابندار برله بوجوا بلردن منقهم اولون دولت علیه
مرا لمرزه مساعده اتمامکد زیر اعرض ایلدیکم ماده کرکه
هر برینه بررکونه تعریض ایتمش سکن دولت علیه علی اولوق

معروضه اولون ماده لری تنظیم ایده جگمی ایتیمه جگمی
اولا مرده آنی بله یم دیوب ذکر اولنان مرادی بر
بر رفقیر دن صکره رئیس الکتاب افتد تکرار جوابه
ابندار برله سکا دیندن بر و تفصیلا و هر ماده بی بیان
اتدم **خاصه** **الخاصه** اوله رق کنه سویله به یم دیر
ذکر اولنان جواب **علی الایما** ز برقات دخی ایلی مسفور
اعاده و تکرار ایلیوب ترینب محرر او زره اعطای
جواب ایده رک واره قونسوسلغنه کلدکه ایلی
نابکارا اظهار اصرار و رئیس فتدی طرفندن دخی
بقه لم روسیه طرفندن آرمز کلسون دیو جواب سابق
تکرار ایلدکه آرمز کلیور جواب نامه ده بوماده به
دخی ایلیچیم مأمور در دیویا زلشد رنایسه اصراره
مأمورم اشته جواب بودر دیو وافر تکلمدن صکره
قطع ماده میسرا ویلیوب ینه خصوص من بور ایچون روسیه
طرفندن جواب کلسنه تعلیق اوضی **الحاصل** جمله تقای
بر قاج دفعه رئیس الکتاب افتدی ایلی مسفور ایله جمع
اولوب هر جمع اولد چقه ایلیچیندا خذ ایلدیکی جواب بنا صوابی
اولبا بد کرک حضور اصفید و کرک شیخ الواسوم افتد
حضرت لری قونا قلرند منعده عقد اولنان مجالس
شوراده حاضر اولون علما و سائر کبرای دولته عرض
قرأت و ایلیچینک دولتی طرفندن اوله رق تکالیف مزبور
خصوصا واره قونسوسلغنه ایلدیکی اصرار فی حضار
مجلسه افهام و اشاعت ایدرایدی و بر طرفندن جمله هر

۱۰
۱۹
اتفاقیه صدر اعظم حضرت لری دخی سباب ظاهره جنگه و
پیکاره استحصال واستحاله بذل مقدور و سرحد رک
عساکر منصوره اسلامیه ایله ملو و معمور اولسیچون اطراف
و اهل فدنا و امر علیه ایله اولجل اولختیاط جلیبا جنا و موخته
سعی موفور ایله دن فارغ دکل ایدی لکن ترینب اولنان
عساکر هنوز دخواه او زره یتشوب آهالی سرحدات
منصوره نکه جمعیت لری کرکی کبی قوت بولمش اولدیغند
یا توافق ایلی ملعون ایله ارالی ارالی مالمه افخ رق
بر طرفدن خلوس وقته اهتمام و بر طرفدن اهل لوازم
جدت تام اولمنی استصواب واستحسان اولوب بود دقیقه نکه
عمنی خصوصنه دخی سعی مالو کاوم اولمنی اقتضا ایدلره
اعلوم و افهام اولنور ایدی عقد اولنان مجلس مالمه
و ترینب اولنان محافل مشاوره گذران ایدنا شد و
اجوبه و بعد المشاوره نتائج آرای صائبه هر نه ایسه
روزمره حضور همایون پادشاه روی زمینه عرض
وانها اولمنه دن خالی اولنور ایدی حتی پادشاه عالم شریا
امم حضرت لری نیک طرف ملو لره لرندن دخی حفظ مجالس
مشاوره خصوصنه اعننا و دقت بیوریلوب **صوت خط**
مجلسه حاضر اولنور هر کیمکه کتوم اولیوب سررشته
ویرر ایسه اللهک رحمتندن و آخر زمان پیغمبر نیک
شفا عنندن محروم و مردود اولسون دیو خط همایون
گرامت مرهون لری شرف افزای صدور اولمشیدی
چونکه مسقوا ایلیچینک بوماده لرده اصرار و عنادی

دولت علیه نك مصارف کلیه به گرفتار اولسنه بادی
وعسا کر موحدینا یله سرحدات استوخته نك مالومال
اولسنه سبب عادتاً ولغله واسط بهارده سرای صد
اعظمیده عقداً بنجمن شوری اولوب شیخ الواسوم افندی
وکنخدا بک ودفتر دار احمد نظیف افندی ودفتر دار اسبق
حسن افندی ودفتر دار سابق سلیمان رشید افندی
اوله لیلی مصطفی افندی عرض و طه سند حضور صد
اعظمیده مجتمع ایکن رئیس الحاکم سلیمان فیضی افندی کلوم
ابتداز و روسیه لو وارنه به قونسلوس نصبند مدت
وافره دنبرونه در جلرده اصرار ایلد کیری و محاذیر
بیانله اظهار اعدا از وجه ادعا شرطه مبنی در یو
روسیه ایلچیبسی از عادن فارغ اولدیغنی تقدیر و بوند
مقدم اتفاقاً را ایله بوماده نك دوستانه اندفاعی
التماسی حاوی مقام صدایت عظمادن روسیه باش
وکیلنه کوند ریون مکتوبک مضمونی که روسیه دولتک
وارنه به قونسلوس نصبیلند عاسی هر نه قدر شرطه
مبنی ایسه دخی دولت علیه به بر قاج و جهله محاذیری
اولغله روسیه دولتک بوماده دن فارغ اولسنی
دولت علیه دوستانه التماس ایدر مائلرندن عبارتندر
بومکتوبی و روسیه لوندک جواب معروضند اولوب
مکتوبک مالیکه دولت علیه نك دوستانه التماسندن
تجاهل ایدر که ماده مزبوره نك حضوره اصراری
وبومقوله ماده لره اولطرفند روسیه ایلچیبسی مأمور

17
20
اولوب روسیه دولتک یا زلتی اقتضا ایتمدیکنی بیانندن
عبارتندر اشبو ایکی قطع مکتوبک غلوصه لرینی حضار
مجلسه نفهیم ایلد که شیخ الواسوم افندی حضاره عطف
نکاه ایله جمله کز رجال دولت علیه دن سزایشنه کاغذ که
مفهومی لری معلومکن اولدی خاطر لریکه کلونی افاده
ایدک کلوملری ایکی اوج دفعه ایراد ایلد که حضار
مجلس مجیب اولوب قوللریکه خاطر لرینه کلون مہمات
سفرتیه به بوقدر مصرف اولنویور و بر طرفدن ترتیبات
بحر تیه به اقدام اولمقد در بوصولند روسیه لوندک
بواد عاسنه مماشاة نیجه مناسب اوله بیور بول همان
قطعیچه جواب ویرمک اقتضا ایدر ظن ایدر ز دید کلرند
شیخ الواسوم افندی تکرار کلومه آغاز ایلوب اشته سز
بوماده نك عدم جواز و ضرر لرینی بنسویلیه یم دیر
بر وارنه نك وراسی رعای دولت علیه ایله محابو عظیم
بالقاند رسفر اولسه کیدیلد جک ایکی طریقک بری بودر
بول فر لریک مراملری وارنه به قونسلوس نصبیلندکن
صکره بر طرفدن رعای دولت علیه نك ایشه سز لرینی
سکانت و متوج ایتمک و سائر لرینی کیمیلد پیدری کند و
دیار لرینه نقل ایلد کند و مملکت لرینی معمور و ممالک استو
خراب ایتمک و بر طرفدن دخی حوائی مذکوره دن در
علیه به کله جک ذخایری الحاله هنک ذراعندن عاظل
اولون قریم و سائر کند و مملکت لرینه نقل ایلد استانبول
اهالیسنه مضایقه کلیه ویرمکدر بوندن ماعداسفر

وقوعنده حوائی مذکوره رعایای تحریک و کند و لره
تابع اولوب عساکر اسلام یوللرینی قطع و بوغانه قریب
مسوری سمتارینه دکن اراضی اسامیتیه بی بلوقعب بروجه
سهولت ضبط ایتمارینه بو قونسوس نصبی سبب مستقل
اوله جغی ظاهر در زیر اسفر وقتند برادر م کیبولید
مفتی ایدی مارشال دن کیبولی حوالیسی رعایا سنه مکوب
کامش مضمونلر نده جمله کز برا اولوب بولنان اهل اسامی
اعدام ایده سز بز شنی طرفلرینه دکن کلدیک وسوسه
ایتموب بز دن اوله سز دیو یا زلش رعایا دخی هلد
بالقانی ضبط ایدکن بزه آندن صکره خیر کوندکن
بالقان سزک ضبط کنه کچدیکی کبی بز حاضر ز دیو جواب
یا ز مشر برادر م بویله جه نقل ایدر ایدر ایسته بو صورت
بالقانی سهولت روسیه یدینه کچمش اوله جغی و معاذا
تعالی یدلرینه کچدکه محاذیری نه در جلرده ایدوکی
بوندن دخی معلوم اولور بو ماده شرعاً برو جهله جائز
دکلدر و مقدم یا زیلون مکوب صدر اعظمید مسطور
عباره که روسیه دولتنک ادعای مذکوریه هر نه قدر
شرطه مبنی ایسه دخی تعبیر یدر بو تعبیر دن روسیه لویه
شرطاً حق یدیکزده دیمک چقماز و اصل عهدنامه ده
مسطور تعبیر که روسیه دولتنک مناسب کوره چکی
عامه مواعده قونسوس نصبی جائز اوله عباره سیدر
بوندن دخی یا لخصوص وارنه یه قونسوس نصبی لوزم
کمز محاذیری اولون محل و مواضع بهر حال شرطاً دخی

خارج قاور مشور و سیه لوانشبولفظی عمومه بنا اضربخانه
عامره یه قونسوس نصب ایدرم دیسه مماشاة می اتلو
ایشده وارنه دخی بونک کبیدر دولت علیه نک مهمات
خزینة سی بر سر حد در الحاصل شرعاً مساعج اولمغله بو
قطعیجه جواب یدر ملودر دید کلرند رئیس الخطاب سلیمان
فیضی افندی دخی تعقیب کلوم ایدوب روسیه لوانکید
برده دولت علیه یه خلاف شرط حرکت عزوی ایلد عوایی
اولور کند و لردن در لور در لور شرطه مفایر و ضعیار
سنوع ایدر آنی هیچ ملاحظه اتمز لربنا برین بو مشللو بعض
موادک و علی لخصوص فرار ایدن بغداد و یوده سی
انلره فرار ایدوب طلب و ادعا شرطاً و عاده دولت
علیه نک حقی اولمغله ماده مذکوره نک افاد سیچون
کچن کون روسیه ایلیسی ایلد عقد مجلس مکالمه اوضی
ایدی ابتدا فراری مذکور طلب اوضی ثانیاً روسیه
سواجلنه وارن دولت علیه تجاری سفینه لرینه خواف
شرط اتمدیکی معامده و تجریم و خسارت قالما مغله
بونلرک و ثالثاً افوق و بغداد اولون روسیه
قونسوسی و تطیفه سندن خارج انواع اطواره و
رعایای اضرار و روسیه رعایا سیدر دیو فوج فوج
روسیه دیارنه تسبیاً مشللو نیجه حرکانه ابتدا اتمکله
اوضاع و حرکات مذکوره نک منعی مطالب اوضی ایلی
مسفور دخی فراری ماده سنک ایکی آیدن زیاده جه
وقته دک جوابی کتور ککه مواد ساره مذکوره یی

۱۷
21

دخی دولته و سایر اقلصها اید ندره تجیره و عدا تمکه
مجلسه ختام و برلش ایدی دیه رکن مجلس مکالمه ده
جر یا نایدن با جمائی اجمالی و حضاره استماع ایلد که هر
با توافق استحسان و استصواب ایلد کدن صکره اعدای
دینک حرکات و سکناشته نظر اکنده و سندن بالکلیه منبت
مستوب اولمشا و ملغله همان ندران سفریه به استحکام
سرحدانه مباشرت اولمنسنه قرار و بریلوب صدر اعظم
حضرتدی ذخایراچون ارضروم و قارص طرفلرینه
برمناسب آدم کوند رلسنی مراد و بعضیاری دخی
در راه عالی قیوچی باشیلر ندرن طیفور بکک کوند رلسنی
ایرا دایدوب ذکر ارضیغی اوزره فقط امان ندران
سفریه به اهتمام اولمنغه اقدام تام اولمنق ایلد مجلس
استشاره قرین ختام اولمشدر **ذکر بعضی از تو جهات**
و ایراد بعضی از حوادث شهر شعبانک یکر می ایکنی کونی
ارغنی و کبان معدنلری امینی اولون الحاح یوسف افندی
خاضلر مقاطعه جیلکی پایه سخی حسان و پر قاج کوندن
صکره دارالسعادة الشریفه اغاسی یا زبجیلغندن
منفصل ابوبکر افندی حرمین محاسبه جیلکی پایه سیله
مسدور و خندان بیوریلوب بوندن مقدّمه هر
قیودان دریا وزیر غازی حسن پاشا خزینه دار
و صدر اعظم حضرتلری برادرلری سلحشور حضرت
شهریارلری سلیمان اغا در راه قیوچی باشیلغنی ایلد بلام
بیورلری **حادثه** بوندن اول روسیه ایپراطور بچه

جزیره قریمی تماشا ایچون مخلدن خروج و ماه مایسک
اون اوچنخی کونیکه اشبوسنه مبارکه شعبان المعظمنک
یدبخی کونیدر کرسون شهرته کلوب درت کون مقدار
شهر مر قومه بعدالکث قریم جانبنه واروب بعد سواحل
جزیره مز بوره ده واقع اولینه لیمانده برکون قرار و بعد
قریمک باغچه سرایی و محالی سائره سندن سکز کون قدر
کشت و کذار ایلدن صکره کر منجوف و پولنا و مسقو
شهر لرینک یولندن پتره بورغ شهرینه عود و انصراف
ایلدیکی تحقیق اولمنشدر و صحیح استماع ارضیغی اوزره
نچه ایپراطورلری دخی کرسون شهرته روسیه ایپراطور
ایله ملوقات و معاً قریم جانبنه واروب بعد کندی مملکت
عودت ایلدی حتی مسقو قریم سنک جزیره قریم کله
خبری آستانه ده مقیم ایلیسی پونکاقون نام کافره دولتی
طرفدن اخبار اولمنغله دولت علیه طرفدن باستیدان
اطه مذکوره ده قریمجه سیله ملوقانه بحر اشتاب و مد
یسیره ده محل مذکور ده بولیشوبینه در علیه ده اقامت
ایچون آستانه سعاده عود و آیا با یلشدر **ذکر**
ترتیب و افراج هوائی همایون بجانب بحیر سیاه
و محالی سائر اعدای دینک سواحل بحیر سیاهه مانند
مرض ساری سرایت ایلدیکی معلوم و دولت علیه مرخصی
اولون رئیس الکتاب سلیمان فیضی افندی آنقابیان ارضیغی
اوزره وقت وقت مسقو ایلیسیله مکالمه اوزره اولوب
دولتینک بربرلری عندنده در دست اولون معروضات

قرین قبول اولدی یعنی صورندک ابواب محاربه نیک فتح و
 کشاد اوله جغی مجزوم اولغین بوصولندک بحر سیاه
 وسوا جلنک محافظه و محارسه سی و خصوصاً طونده
 حوالیسی آستانه علیه نیک کیلوری مشابه سند اولغین
 اولکوالینک دخی کید اعدادن حفظ و حمایتی واقضنا
 ایلدیکی صورندک جزیره قریمه هجوم و حسب الوقضنا
 اوزی جانبدرینه و محالی سائره یه امداد و اعانت برله
 ابراز صنوف دلووری و ایفای خدمات اولن ابد
 موسوم و اولنق مصلحتاری ضمنند اول با قول و نمان
 همایون سفاینک تکثیری و لوندات و مهماننک برآن
 اقدام تهیسه و توفیری و اجبات امور دن اولغله صدر
 اعظم حضرتلری بو خصوصک نظامنه قیام و روزمره
 سیرا و چهارا ترسانه عامره یه عبور و زمانلرنده
 ترسانه عامره امناسی اولون علی رائق افندی و سلفی
 قصاب باشی سمعیل پاشا و اسبقی میر عطاء الله افندی
 معرفتلیله اعداد لوازم و مهمانه بذل مقدر و زاید رک
 کلیتلور و نمان اخرجنه اقدام تام ایلدی حتی مدت یسیر
 همتلریله بعضاً مجددا انشا و بعضاً تجارتدن استیجار
 و ترسانه عامره موجودندن ترتیب طریقله جسته
 یوز برقطعه قالیون و بش عدد چکدرمه سفینه سی
 اعداد و تجهیز و مواجب و مهمات و ذخیره لرین اعطا
 اید رک بعضاً لوندات و بعضاً یکپیری عسکرلیله مالوم
 ولبریز ایدوب اقضنا ایدن محله ارسال و تسیر

19
 28

و بو وجهله اراده پادشاه عالم پناه اوزره حمایت
 بیضه اسلومه ساقا همتا من تشمیر ایلدعا و لو جهله
 تهیه و عساکر و مهمات ایلد تشمین اولنان سفایندن
 اوائل شهر نیساند سید احمد قیودان سرعسکر لیکله اون
 قطعه کبیر و اون قطعه شالوپه تعبیر اولنور صغیر و بر
 بومبه که یعنی جمعاً یکرمی برقطعه سی اوزی صورلی
 جانبنه تسیر و بش قطعه چکدرمه ایلد صغیر و کبیر
 الی ایکی قطعه سی بحر سیاه قیودانی اولوب وارنده
 صورلی و سائر اقضنا ایدن محله ده اقامت و افضنا
 کوره کشت و کناره مأمور اولون وزیر بکر پاشا معینه
 تعیین و تحریر اولمشدر بولردن ماعدل اون قطعه
 جانب سینوبه و الی قطعه سی وزیر چر کس حسن پاشا
 معیتله محمود پاشا ازاله سیچون اولکون و بار طر فلرینه
 و ایکی قطعه سی قد کزده کشت و کناره و اوج قطعه
 سینوب و صوغوجق طر فلرینه مأمور و مرسل و شالوپه
 نوعندنا و ج قطعه ایلد مراکب جسمه پادشاهیدن اوج
 قطعه کبیر قالیون و برقطعه چکدرمه سفینه سی
 بوغان بحر سیاهده واقع صاری یا رنام محله اقامته
 مشغول بیورلمشدر **ذکر ایراد بعضی از اسباب وقوع**
مکافات و بیان مکالمه بک مقدم ایراد اولدی یعنی اوزره
 اول علیه نیک سنین و افره دنبر و مبثوا اولدی یعنی مصارفه
 بادی مقدمه قینا رجه ده اولون معاهد ده عهد نامه یه
 مندرج اولون مواد محاربه افرق اولدیغندن بعضاً

عمومی شامل الفاظ تسطیر اولمنش اولدیغندن الفاظ
مذکوره نکه اجرا سند دولت علیه به مضرث کلیه عارض
اوله جفی نمایان • وعدم اجراسی وادیلرینه عطف عنان
اولندیغی صورتند روسیه ایچیسسی عدم اجراسی شرط
دعوالریله اسیر ناله وافغان • اولوب اما بوردقیقه دن
خافل و تفهیم و تفهیمی دخی نافیابل که بر دولت بر دولت ایله
عقد مصالحه ضروریه یعنی برضیق و قله تصادف ایله
بردر لوقبول اولیه حق بر قاج ماده نامعقوله بی کرها
قبول ایله بزچید بساط ادوات حربه اولسه بعد
حصول المصلحه بنیان وستی استوار و تشیید اولنا ناساس
مسالمه برقرار اولسی مصلحتی ضمنند طرفینک مرخصلری
مکالمه این رک اولواد نامعقولی اولدجه تغییر و تبدیل
ومیزان انصافی درگت این رک احسن صورت تحویل •
ایله کلشدر روسیه لوجا بنندن ایسه عقد مصالحه اولنا
ناریخدن بوآنه کلنجیه رک اولکونه مواد نامرضیه دن دائم
کندولره نقویت ویره جک ماده لرک تمشینی دعوالری
الزام • وبالضرور دولت علیه طرفندن دخی عقد مجلس
مکالمه این رک هر بار معنی ابجاشند ادا ده کلوم • اونوب
اما بر طرفندن دخی ضروری او مقوله مواد اجراسی طمعلرین
قطع • دشمن دینک دندان آذین قلع • ایچون تعیین سرعسکر
وترتیب مہمات و لشکر این رک اراف صورت حجب یعنی لوازم
جنکک هر کونه سین جمع و جلب • ایلمکه باذل هم نامحصور •
واتفاق آرایله ابراز شوک دولت ابد مذنه مجبور اولقدن

24
ناشی کمان سکز تا ریخند نبر و برقاج دفعه بوملو حفظه لر
ضمنند با لوستناره کلی مصارفه میناو • و خصوصاً بوسنه مبارکه
اعداد اولنا ناسباب ولوازمات اوقاف سائر دن مستثنا •
بلکه حربالو • اولوب حتی نفیاً ذکر اضیغی اوزره بجرگ کلیلو
ونما ترینی ایله اظهار شوکت • و برآتسید عساکر و توفیر
مہمات ایله سرحدات اسومیه به اعطای نقویته بذل مکت
ایلیوب لکن ما حصل آرای ارکان دولت ینه کالوقل اعدای
دینی بعضی اغراض فاسد سندن منعه مینی مجر د بر مرکندن
عبارت • اولوب امانهانی اولسنه کلی همام • و امان ولوات
دقت و تام • اولمقدن ناشی سرحدات لره احتیاد امر اولنا
عساکر ایچون تحریر اولنا ن او امر علیه ده لوجل الو حنیاط
لفظی تحریر و محاکم و بلداند تسجیل و تسطیر اولوب حتی
کیفیٹ مأمورینلری مشون جاند محاکم ایکن بوکره صوب
مأمور لرینه بعد الورود برقاج ماه گذران ایلدیکی عقبنده
صورت مأمورینلرین فراموش • و بز جنک ایچون جمع اولدق
دیومطابته حجب و قتال ایله هر طرفدن جوش و غروش •
ایلدیلر بو خبر لری ^{حالی} مأمور معینلری اولدقلری و ذرا وضاحت
طرفلرندن دخی علی التعاقب تحریر ارف ورودنه شروع • و بولله
قالورایسه جمع اولنا ن عساکرک توفیقی دشوار اولور حوادتی
بین الو نام شیوع • بولشیدی الحاصل کیفیات مذکوره نکه
بوصورند مشمر قدر دن چهره نامی ظهور اولسی یعنی مناسب
مذکوره دن ناشی اتفاق آرایه مینی دولت علیه نکه برقاج
دغدغه مذکوره یه دوچار اولسی و بوندن مقدم یعنی

در مصطفی خاندان دخی التي سنه مقداری عقد اولان
 محاربانك دولت فندان توفیق ایله ممالک محروسه به ضرر
 و خسار دن غیره بر فائده سی اولمه سی و بوندنا اولجه اشارت
 اولندیغی وجهله صدور کرام رأیلری و بعضی اصحاب آرا
 دولتیله اعدای دینی بعضی دعاوی باطله سندن چکور مک
 ملاحظه خیریه سنه مبنی مجرد کوسترش لوزمدر فکر لریله
 انفاق مال میری و اعداد و تسیر عساکر بر له اطراف و کافه
 بر قاج دفعه منعاقباً سر عسکر لرایله اردو لتر تریب و تصویب
 اولمه سی و بوجهد اولون ح کدر نتیجه سی اولون اوزره
 بنقدیر الله تعالی نخل تصور دن عمر آلمن میسده و دلمخواه
 پادشاه انام حضرت لری اوزره برایش کور مک مقدر
 اولما مکی حیرت افزای عقول و انومور رهونه باوقانها
 مفاد بنجه و قبیله نصره الهی امن مرحومه یه مبذول
 اولون امید لری تسلیت فرمای قلوب صفت شمول اولوب
 معاذ الله تعالی بر طرف دن ملاحظه اوان مصطفی خانی
 و بر طرف دن تکالیف خاطر فراسی ایله دشمن دینک فکر لری
 غلبه سی اصحاب آرای عصرک رأیلرین پست **مضراع** جنک
 آتش آشتی آتش مدار آتشت مضمون بنجه اعدای دینه
 مما شانک خسارت ملکه بدیداره و عدم مما شاة ایله فسخ
 مصالحه و اعداد محاربه ده فی الوصل عسکر اتعاب و مال
 انفاق اولش اولدیغند صعب آشکار اولغین بربا
 نه کونه ح کت اوف جفند فکر عمیق اعمالنه احتیاج سن ایلیوب
 خصوصاً اعدای دینک حد و دله عسکر تعیینی و قرا بجه لریک

21
 25

جزیره قریبه کلمک خبری و اعنتوسی تقرب انش اولغله اردو
 هایون افراجیله مراسم محاربه تک گذران ایلیکی ملاحظه لری
 اصحاب شورانک اذهانخی تعاب و بوباید عقد اولنا ن مجالس
 شوراده ندرک جواب هر کسه ایزا پیچ و تاب ایدوب بالوغه
 بر طرف دن دشمن دین ایلیسیله مکالمه و کرک و کت عیته طرف دن
 اعدا طرفنه حصولی تکلیف اولنا ن ماده لرن جلوه کر موقع قبول
 و کرک مسقولونک جانب سلطنت سنه دن انما سی ایلیکی
 خصوصاً لرن کت ابدی الفیام طرفنه مورث شین اولیه حق
 صور قلده تمشیتیا ب حصول اولسنه سعی و اقدام و بر طرف دن
 ینه پیدر پی اعداد لوزم و توفیر مهمات و عساکره اهتمام
 اولسون اگر نتایج مکالمه موجب استواری بنیان مصالحه
 و مسالمة اولور ایسه فها ونعمه و التوا لپی اعدایله تکریر مجالس
 مکالمات ممکنوب چهره خراشی شاهد مصافح اوله رق
 عدم الزام علوئی نمایان و صوف پیکار آیینده مجالس مکالمه
 بدیداروعیان اولوناقضنا ایدرایسه **بیت** بکام نیاید
 ز خصم ارجواب من و کرز و میدان افراسیاب **بیت** ما لنبه
 اعدای دینه سر رشته و بریده رکن و قبيله اعلان محاربه
 و طرح بنیان مقاتله اولسنه اتفاق ارایله قرار و بریلوب
 بنا علی ذلك مقدم ایراد اولنا ن مکالمه و مشاوره لردن
 صکره کت ابد مدت مرخصی اولون رئیس الکاتب سلیمان فیضی
 اعدای دین مرخصی پو لحاقون ایله بر قاج دفعه طرح انجن مکالمه
 و هر مکالمه عقبند صوف مجلس مضبوط و درگت اولغین
 بعضاً باج آصفی و بعضاً بیت شیخ الوساو مید عقد مجلس

مشاوره و محافزه اولی صورتی التزام و بعد اتفاق
آرا نوجوه صوریاب اولورایسه معروض حضور پادشاه
اسلام مدظل رفاه علی مفارق انونام اولورایدی اولوجه
عقد اولنان مجالس مطالعه دن بری بک باغجه سند تمهید اولو
انجن مطالعه ایدی که مجلس مذکورده بالفعل انا طولی قاضی
ونقیب اوشراف اولون مولونا السید کامل افندی جنابی دخی
داخل انجن مکالمه ورئیس الکتاب سیما ن فیضی افندی ایله
ایراء زنا و مباحثه و محاکمه اولمشدر در مجلس مذکورده
بیان ایدن ابجائک ثبت جرید آثار اولسی مناسب کور لکین
بعبارنه بوجه اثبات و کیفیت مطارحه مناقشه لری معروض
اصحاب هوش و درایات اولمشدر **صورت مجلس مطالعه**
شهر شوالک اون برنجی کونی روسیه ایلیسی بک باغجه
کوردیلوج انا طولی قاضی سکری ونقیب اوشراف کامل افندی
ورئیس الکتاب سیما ن فیضی افندی ایلی مسفور ایله اجتماع
و ایلی مرسوم حقنه مراسم معتاده مهمان نوازی اجرا اولندقدن
صکره رئیس افندی فتح کالوم برله ایلی بک مستزله بو کونکی
اجتماع استحصالی سباب تزايد صفوف طرفین و استکمال
لوازم حستی و موثرت جانبینا یچونا ولدیفنی مقدمه مجلس
اوله رق بیانا یدرم دیدک ایلی مسفور دخی جوابه ابدار
و اولم طرفندن بنم ماموریتیم دخی عینیه بویله در کلوملری
اشعار ایلدک رئیس افندی مواده باشلیوب ایلی بک مستزله
مقدمه طرف اولی علیه دن شرطاً و عهداً بر قاج ماده بیان
و ادعا ایتمشیدک اولمه یا زجب ایکی آیه دکن جواب کتور دیرم

دیشیدی کند و سجا پیرا طور یچه جانبنه کیدنجیه دکن
جوابلری ویرمدیکدن ماعدا کدکن صکره باش ترجمانی
پیرانیدن کرانله سوال و ضی جوابلره دست رس اوله مدق
ایلی بک مستزله کدکن برور جواب ویرمدی مواد
مذکورده نکل بری فرزی بغدان و یوده سنک بر موجب شرط
عهد اولی علیه یدردی و ایلیسی افوق و بغدان اولون
روسیه قونلوس و کدکن شرایط عموم حستی ید مخالف مقدا
بیان اولنان حرکانه بنا دفع و تبدیلی و اوچنجی طرفین تجاری
حقندن جانبین معامله سنک مسا و انا قضا اید رایکن روسیه
ولنی ممالکته وارن اولی علیه تجاری حقندن اجرا اولمدق
تعدیات قالمامله تعدیات مذکورده نکل دفعیه لوازم مسا و
اجراسی و اوزی اها لیسنه قلوبون حدود نامه سی شرایطی
موجبجه مخصوص اولون طون کوللرند نا هالی مزبوره نکل
خلاف شرط منع اولمه ملریکه بو خصوص روسیه ولنی
طرفندن صورت دیگرده و طرفزدن شرطه بنا زمین
آخده ادعا اولمشیدی خصوص مزبوره ده شرط
مذکورده نکل اجراسی دعالری ایدی اولی علیه بونلرک
حصوللری جوابنه مترقب و عوثلغک تزايدی بو کاترتب
اوه یعنی با هروروسیه اولنک مطالب ولتمساقی تنظیملرند
ولن علیه نکل سرعت و اقدامی و هرما ده کرده مرتبه
تجیکر ظاهر ایکن بو وقتله دکن بو کونه جوابی ظهور اتماسی
ولن علیه نکل شان و شوکتی نظر الما کن صورتلری
اشعار ایدراشته بونلرک بویله جه حصوللری اولی علیه

عهد و شرط موجبیه مطلوب قطعیهی اولدیفند ن بشقه
بوتأ خیر کردن بر از ماده لر دخی ترشح اتمشد رکه ایلیان
وستزه بیانیه مأمورم اولوهرولت کند و تجارت و آدمایله
استحصالی اسباب امنیت و حمایتلرینه اقدام اتمک قواعد
دیرینه دن اولدیفنی ظاهره رسزکن ممالک ولت علیه ده
طرف طرف قونسلر یکز اولمغله و سن دخی آستانه ده اولمغله
آمد شد ایدن تجارت و آدمایله ایلیان ایدوب حقلرند شرابط
عهدون اجاسنه کرک سز و کرک قونسلر یکز اهنمام ایدوب
و بواسول هر ولند جاریدر اشنه بزم تجارتزده سزکن
ملککرده تعدیات مذکوره نک اجاسی طرف ولت علیه دن
وقایه لرینه کمسنه مأمور قلندیفند ن نشأت ایدوب بوصول
ولت علیه دخی سزکن ملککرده تجارتزده اولون
محلله بر آدم تعیینی و جمله دن اول شمدیلک تجارتزده
آمد شد اید کلد کلری قریبه بر متعین کمسنه نک محافظه
شروط و تنظیم امور تجارت و حمایت تجارتزده ایچون نصب
واقامه سی لوزم کلکله قواعد دول اوزره بو خصوصیه
دولت علیه اراده و ادعا ایدر ایکی ولت بینده عقد
عهد و ربط شرایط امنیت جانین ایچون ایدوبکی ظاهر
و طرفیندن مستانی و امنیتله خل ویرر حالت سنج اتمکسه
مبنی اولدیفنی باهر ایکن دولت علیه نک آفد کر آطه لرکی
و مواضع سائره سندن قنی چوق رعایا سنی اضلول
وقره دکره آمد شد ایدن سفینه لره کره وضع و کنی
ماتوج ایدوب و کنی دخی ولور و عیال لرینه اوله جه ملککرده

۲۲
۲۷

پیدر پی نقل اید یور سز بوندن بشقه هرولت کند و ممالکی
سکانه لوزم و حیایح ضرورتیه دن اولون ماکولوف اقامی
بالغاً مابلغ کندویه وافی اولدبجه و فضله قالمدبجه آخه
ویرلمکی برولت تجویز اتمد و کی و بعضا وستلر و سائره بالتر
ویرلمسی وسعت و قتلرند اولدیفنی و ماکولون قکت و کذو
ممالکز سکانه ضرورت درکار ایکن آخه سز اولمغله ماکولوف
ویرلمک قواعد ولله نظر ایچر جائز اید و کی ظاهر ایکن
مرور عبور ایدن سفاینکن بر طرف دن ذخیره و روغنیش
و سائر بولر امثالی اشیا یی نقل ایله ممالکز سکانتک و علی
الخصوص بوبلد عظیمه قسطنطنیه سکه سنک ضرورتلر
و اسعار دن خایرکن نزا ایدیفنی موجب اولمغله در بوقضیه نک
وقوعی سفینه لر یکز یوقلنما مسندن نشأت اتمکله فها بعد
ایکی ولت بینده درکار اولون صفونک وقایه سنه لوزم
اولون امنیتک تحصیل ایچون هرولند جاری اولون عادت
دیرینه اوزره مرور عبور ایدن سفینه لر یکز ماولرکی
و عموله لر یوقلنق لوزم کلکله بو خصوصیه مقتضای
وستی و صفوف اوزره رابطه سی ولت علیه نک
مطلوب ایدر تفلیس خانقار کلنخان برمد شد نبر و ایکی
ولت بینده انواع قیل و قالی موجب اولویور باعث
دخی خانقار بوردنی اولوصل ولت علیه نک اولدیفنی و شرابط
عهد و صراحت اولون نصیحتکره دائر شرط اولمغله
معلوم و ایکی ولت سز اولمغله بر برینک علیه اولمان
مصریح ایکن مسفوری خلوف شرط نصیحتکر قضیه سی

اولمغه فيما بعد بونك ايكد برده ايكي طرفه موجب تصديع
اولما سچون مسفوردن اچكوب و حاليله ترك ايد وج
لسانه النامسني دخی ورك عليه شرطاً بيان وادعا ايد داشته
دوك عليه نك مطلوب و ملزمی اولدیغی مثلور و سیه و نك
دخی مطلوب ایسه بونلرك بروجه مشروح تسویه لرینه اذام
ایدن خاوف مأمول تمدیكي حاله نتیجه یی ایلی بک ملا حفظه
ایتسون دیدی ایلی مسفور یوقاردن بروهر ماده ایراد
اوضجه تکمیل اولندی بنده جوا بلرینه مبادرت ایدیم دیکله
ایکی بومحله یینه سوال ایدیجك اشده بزم ایراد اتمز
شمدیلک بونلردر بیان و تکمیل اوضی بغه لم جوا بلرک ندر
دینلرک ایلی مسفور جوا به ابتدا برله تعجب ایدر مکله
شروطه مبني نیچه مواد جسیمه طور رایکن آنلره نسبت
مواد جن ویه لی ایراد ایدر یورسز روسیه ایبراطوریچک
مرامی تصفیة طرفین و استراحت رعای جانین و تسهیل
تسویه امور تجارت و محافظه شرایط وستی و صفوندر
ولك علیه طرفدن ایسه خلوفی اجلا و اوض یور اشلمز داما
تصعیباً و لنمقد در مجده دا ایراد ایدر یكز موادده معادل
بنمذخی اراده سنه مأمور اولدیغیم اون بش بیکرمی ماده ده
وارد پشجه آنلری بیانا ایدیم یوخسه ماده لر یكز
جوا بلرینی ویره ایم ایراد ایدر حکم ماده لر دخی بونلره وارد
دیدکد رئیس افندی مقابله ایدوب اولو بزم ماده لر یكز
جوا بلرینی بیانا یله وقت قالو رایسه آنلری دخی صکره
سویله دیکله ایلی مرسوم کند و مصالحنی تقدیمه و افر صرا

ایراد ایدرکی ماده لر بونلردر اونه دینور
بقای وستی و صفوت و اولی علیه نك

ورئیس افندی و نقیب الوشراف افندی طرفلرندن جوا بلرک
اول اولسنه انواع مقدمات ملزمه بیان و اشعار اوضقه
ایلی مرسوم بنم ماده لرم جسیمدر و هیچ اولما زایسه برکزه
تعداد ایدیم دیکله ابتدا جوا بلر مزی ویرملوسن سنی
مجلسه بز دعوت ایدک و ماده لر مزی بیانا ایدرک البته
جوا بلرینی مقدم ویرملوسن دینلرکله ایلی مسفور کند و
مواد ی ایراد نه فرجه بوله میوب طرف ولک علیه دن
ایراد اولنان مواد مذکوره نك جوا بلرینه ابتدا روبن
سوزی تماجه نوجمله استماع ایدم ایسه سزدخی سوز لر یك
تمام ایدر نیجه دکن استماع ایدوب کلامکز و رایسه صکره
بیان ایدر سز صور تلرینی اشعار برله افلوق و بغداد
مملکت لرینه دارا و ج دفعه شرایط عقد اوضی طرف ولک
علیه دن شرایط مذکوره نك بر یسنه رعایت اولمینوب
بر طرفدن خلوفی اجلا و لنمقد در از جمله بکلرک صنوصق
عزل و نصب اولتماق شرایط مذکوره ده صراحة مند
ایکن سز بر طرفدن عزل و نصب اتمکد سز بوندن ماعدا
حالو افلوق و بوده سنک خلوف شرط مملکت فقرا سنه
اتم و کی مظالم قالمیوب متصدی اولدیغی نعدایان مقدا
طرفدن بالدفعات تعداد و بیان اولمشیکن ولت
علیه طرفدن بر در لواصفا اولمندی بوممکلر شرط
معلومه ایله رد اوضی طرف ولک علیه دن ایسه بر در لو
ایفا اولمندیغندن قطع نظر داما خلوفی اجلا و اوض یور
بر طرفدن تحکمه صغیر تحمیرون متنوعه و بر جانبدن بکلرک

عدم امنیتری و عقیب صلح بغداد و یوده سی لیغور و یوده
بلو سبب نا کھانی قتل اولمنسی بالجملة مغایر شروط فراری
مسفوردن تخلیص جانی چون روسیه طرفه فرار ایلمسک سبی
بودر عدم امنیتی جهنمه بزه فرار و النجایه مجبور اولدی
دولت علیه مملکین مزبور هینه دار اولون بوقدر شروطن
برینه رعایت تمامکله روسیه ولئی دخی فراری مسفوردی
ردائز و شانته دشمنز و فیما بعد تکلیف غیر مشروطه ایله
مملکین مزبور تین رعایا سنک ترضیق اولنا ملین دعوا ایدر
قالدیکی افوق و بغداد قونسلوس و کیلی ماده سی بنایطوریچه
طرفه کمزدن مقدم ایراد اولمغله هولمه یا زمشایدم کرک
کلون و کرک بال نفس سویلنا ن جوابله نظر و کیل مرسومه ایراد
اولنا ن موادده مدخلی و بر در لو خوف حرکت و قباحی یوقدر
شمدی بونک دفع و تبدیلی تکلیفنه تعجب اتمکله اولکی ریاستکرده
افوق و بغداد قونسلوس نصیچون طرفه کمزدن نه در جلرده
صعوبلر کوستر لیدی و مقوله قیل و قال تکون ایلدیکی معلومدر
دیجک رئیس فدی مفا بله ایدوب بلی و یله اولدی قونسلوس
نصبندن صکره بوزاعلر تکون ایدر جکی و امنیت سالب
اوله جغنی اولوقت للهک عنایندله تظن و یقن اتشیدم
اولوقت ماو حظه م بین الدولین باعث برودن اولور برحالی
سنوحنه سبب اولماق ایچون ایدی اشنه ماو حظه م شمد
کلدی کورندی که سز بر طرفدن و یوده عزلی و بز لر دخی
قونسلوس کن تبدیلی بر بر مزه تکلیف اتمکله یز اشنه قونسلوس
نصبی طرفینک بوزاعلری و در لودر لودر لودر لودر مستوجب

۲۵
۲۹
اولوب حالو نزاع اولمغله در دیدی ایچی مرسوم اعاده
کلوم ایدوب بونک حقند ایراد اولنا ن حالو غلوفانزایه مبنی
اولمغله قبل الثبوت عزل و تأدیبا و مزوبن لبیدینه ما ذون
و ما مورد کلم دیدی ایچی مرسوم تعقیب کلوم ایدوب کلم لم
روسیه هولته آمد شدایدن دولت علیه تجاری ماده سنه
هر دولتک بر در لوقا عدل ملکته سی وار در روسیه هولته
دخی کدویه مخصوص قواعد یرینه سی ولد یعنی بن فی الوصل
بیور ایکن بود فعه کدی کمک را حال عین دخی مشاهد ایلدم
آنک تجارنه مخصوص محللر منعیندر واران تجار و محللر کرک
ماعداسنه و رامنر و دیلدیکی یر لرده کزه مز بویله ضابطه
تخند اولسه او مقوله واران تجار و ایچون واریج
ادم سرقه اتمک و دیلدی کلری فضا حتی جراتک ایچون واردر
بنار علیه هولت علیه تجاری دخی معین اولون محللرک ماعداسنه
وارمق اسنه سه لر منع اولنور لرا و یله جه افخ یور اگر ساردن
زیاده انور ایه بود عوا اولزمان لوزم کلور ضابطه
تخند اولمغله زیاده المغه کمسنه جسات ایدر تحصیلدر
فرضا جسات ایسه لر دخی تجار و مز کوره ضابطه مزه وارح
افاده ایلدیکی کبی در حال رد ایدر جکی ظاهر در اوزینک طون
ماده سنه مراد تسویه امور و تصفیة جانبین اولدق ماده
ذاشته نظر اولنوب شرطه طبیعجه معنا یر لرا ایدی منصفان
نظر اولسه همجار لوق حسیله اوزیلینک کفاف نفسدینه
وفا ایدر جک قدر طوز و یر ملک اقضنا ایدر زیا طوز کولدی
روسیه هولته ر قلوبون حدود نامه شی طی معلومدر

و کفایت مقداری اوزی بی به طوز ویرملک مخالفه اوضیعی
یوقدر الحاله هذ بن آند ایکن اوزی اها لیسنه سنه ده
الی بیک پوٹ طوز ویرملک روسیه دولتی قرار داد اوسی
اولفدا رطوز یوز بیک آدمه و افیدر زیاده به مسایح ممکن
د کلد ر عایا کزک بزم ممالکزه نقلی بیاناید کز قینا وجه
عهد نامه سی مقنضا سنجه اثنا سفروه روسیه یدینه کچن
محلر رعایا سی انعقاد صلحدن برسنه خنامند دکن مختار
قنوب دیلرایسه روسیه دیارنه عزیمت اتمک اوزره
ماؤنیتلری مشروط اولفله هولت علیه رعایا سند
روسیه ممالکنک اولون ریا بونلردن عبارندر بونلردن
ماعدار کزک بنم و قلمه و کزک سلم ایچی زمانند هولت علیه
رعایا سی نقل اوضیعی یوقدر و بردر لوجویزی مسبق اولما^{مشد}
قدیگی شرطه نظر ا روسیه سفینه لرینک مجموعی یوقلمنق
اقنضا اتمیوب دروندن هولت علیه رعایا ولدیفنه شبهه
اولا نلری یوقلمنق اقنضا ایدر ایکن هولت علیه بی تأمین
ایچون مجموعنک ماولحری یوقلمنسنه طرفنزدن مانعنا اوضیعی
یوقدر لیمان ناظری مجموعی سفینه لرینک ماولحری یوقلمند
اکر در ونلرنده سزک رعایا کز بولنسه آلور لرایدی رعایا
وار ایکن المسزلرایسه قباح سزک ضابطانکرده اولوق
لوزم کلور برنقدر رعایا کزک کمنه بنم رضام یوقدر
سفینه لرینک عموله سی یوقلمنسی ایراد ایلدیکز و ذخایر نقل
اوضی یور دیوعلت ایلدیکز ذخایر در مراد پر پنج و قهوه و روغن
زیت ایه بونلر قطنطنیه دن ماعدامالک هولت علیه دن

۲۶
30
النق شروطه مسطور در بونلردن ماعداسا اثر ذخیره ایه
یعنی حظه ایه بزحظه بی دولت علیه مملکتلردن المیوب
کند و مملکتلردن آقد کزه نقل ایدر یورن و سفینه لرینک عموله لری
د فلرینی هولت علیه به تقدیم ایدر یورن بوصولند اعتماد
اتلوسن اعتماد اوهذ یعنی وصولند عموله نک نقل اولدی یعنی
محلردن نصیح و حل اشکال مکندر قره آدم نصب و تعیینی
فی الوصل سبقت اتمان مواد دن و شروطه مصرح اولیوب
بزم قونلوسلر من نصیبی شرایطه مصرح ایکن هر هرینک نصبنک
یوقدر صعوبتلر کوستریله یورن بوایه شرطه غیر مسطور
ایکن طلب ایدر یورن بوصولند بویخصوص بنم جواب
ویره بیله حکم مواد دن اولما مغلله بهر حال هولته یا زمغه
مخایم یا زایم نه جواب کلور ایه صکره سزه افا ده ایدرم
تقلیس خانقار کلنخان ماده سیکله ایراد ایلدیکز اشته مواد
جسیمه نک بری بودر بونک بودر جلد و موجب قیل و قال
اولسنه سبب و علت مستفله چلد و والیسی سلیمان پاشا در
طرفنزدن نوجهله شطیث اولدی یعنی و نه مقوله مباحثه لری
موجباً ولد یعنی معلومدر خان مرسومک روسیه به بقینتی
عالم بیلور روسیه هولته خان مرسومک بینند شرطه و قیود
ایله رابطه بند اولمشدر بوقضیه بی هولت علیه نک اعتراف
اتامسی روسیه هولته ملنزی دکدر مقدماتاً لدفاع
و نجید اولنماسی روسیه هولتی طرفنزدن التماس اولدی
صکره بر حمایت فرمانی ویرلکی نتیجه ویردی خان مرسومدن
روسیه هولتی بر وجهله فارغ اولماز و بقینتی هولت علیه بلسون

بالمسوف دینز جو ابلرینی ایچی مرسوم بروجه مشروح بیان ایدر
توجیهات علماء بوندن مقدّمه یعنی شعبان شریفک یکر سخی کوفی
مکه مکرمه پای سیله شرفیاب اولون محمد صالح افندی زاده
احمد اسعد افندی میانه اقرانندن استانبول قاضیغنه
انتخاب و همرئیه لری اولون کوملجنه لی السید محمد افندی
ایله فتوا امینی ابراهیم افندی اسلوبول پایه سی عنایتیله
کامیاب بیورلدی شهر شوالک اون سکرخی کوفی شام
قاضیکیلک نعمت افندی زاده شکر الله افندی بطلم و ستونک
حکومتی صدیقی زاده محمد سعد الدین افندی یہ انعام
بیوریلوب غلطه مولوتی ایله ندریس علوم نافع ایدر
امرا و اعوام ایدن سلیمانیه مدرسی چنه لی السید احمد
شاد کام بیورلدی **اجمال مکالمه چفتلک لوند و ذکر مقدمه**
مستوفی عظمی در باب اصفی بوندن اولجه بیان اولنان مکالمه
تفصیلندن دولت عینه مرخصی سلیمان فیضی قدینک اصباح
بین الدولین وادیلندن ادهم دانا پسند طبعی نوجهله عنانیز
جولون و اعدای دین مرخصنک طبع حروفی نه مرئیه لرد
ننک افشار و بد عنان و اویغنی اصحاب هوش و اذعانند
مطالعان آثاره روشن و عیان و واضح مستغنی عن البیان
اولور زیرا کرک خول مکالمات و کرک پایان بجلس مکالمات
دشمن دین مرخصنک قاروره دهانندن شرح ایدن اجوبه
بارده یہ کوره هر مجلس بر قاج دفعه فنج مصالحه وادیلری
در پیش اولمنی مقتضی و مره بعد ازی مشاهده اطوارنا هنج
اعدا ایدرک در محاربه نک کثارت هر کس راضی اولمشیکن

۲۷
۳۱
مقدم ایراد وظیفی اوزره موسم محاربه کذران ایلدیکندنینه
با توافق شرایط احیاط در میان و آرائی آرائی مکالمه ایدر
بر طرفدن اتمام ادوات حربیه دامن در میان اولمنی جمله هر
رایله استصواب واستحسان اوفی بنا علی ذلک شهر شوالک
اون بشخی ایلولک اون اوچینی کوفی دخی بیک حدیفه سنه نصف
ساعت مسافه ده واقع قبودان دریا وزیر غازی حسن پاشانک
احیا کرده سی اولون لوند چفتلکی دیمکله معروف چفتلک اعدای
دین مرخصی ایله بسط بساط مجلس مکالمه و ترتیب انجمن مباحثه
اولوب کالوقل طرفیندن سوقی مقدمات ملزمه و ایراد اجوبه
مبرمه اولمشد رکه تفصیلی دیوان همایون فلند مضمبوط
و محفوظ و اجمالیسی دخی زبان خوشبیا ن فلندن بوجهله هر
چکیده و ملفوظ اولور که یوم مذکورده روسیه ایلیسی
چفتلک مذکورده کنوردیلوب رئیس الکتاب منار ایله ایله هر
بالفعل اناطولی قاضی عسکری و نقیب اوشران اولون کامل
افندی ایله بعد المواقف فی الاصل منظور پادشاه عالم اولوب
مستعجلری اولون بعض مواد دن عبارت مقدمه شقه سی
طرف اول عینه دن بیان اولمنی اوزره ایراد اوضافدن
صکره ایچی مرسوم کلومه باشلیوب دعوی صفت ایدرک
اوزی جا بنند اولون زاپورده قزاقلریک تجا و زولعدیلر
بیانیه آینه لی قواق معاهد سی اوزره قره دکزدن بعید
محلله اسکانلری و اولینه قارشوسند روسیه ممالکندن
اوج بیک قون اوزیلی طرفلندن غارت اولمنغه ردی
و نهر قوبانی وقت و قن تجا و زایله روسیه ممالکنده خاست

ایدنلرک منعلری والد قلمی اشیانک ردی و آوزینک طوف
ماده سنک فیصل پذیرا ولسی و جزایر ده النان روسیه سفینه
برسنه دراستر ادا و لمذیعنی بیانیله استردادی افلوف و بغداد
مملکتینک شرطه ردی و عهد مبنی و یریبون نظام و شرایطک ای
تأکید و آرنه قونلوسنک نصبی و سایر ممالک اولون قونلوسلرینک
فیما بعد تأمینلری خانیه قونلوسنه اولون حقارتک ترضیه سی
و ترجمانن برانلرینک شرایطی تغییر اولمغله طور اخی از جاعی
و مصدریه معافیننه روسیه ترجمانلرینک دخی اد خالی و ممالک
اسلامیه به واران روسیه سفینه لری متوکلرینک تأمین
و ساقرده قتل ایله کلری قبولانک ^{نقده} جسامت ایدنلرینک اخذی
و روسیه تجار سفینه لرینک شرطدن زیاده اولیا نلرینه نقده
اقتضا اتمز ایکن نقده ممانعت اولمغله فیما بعد منع اولمشی نقده
قدس ملوسی راکی او هیغی روسیه سفینه سی قورصان طرفندن
اخذ و بعد رد اولنوب لکن قبولاندن آلتان آنچه و اشیانک
ردی روسیه سفینه لری دولتی علیه نک براسکله سند
براسکله سنه غریمنه بر موجب شروط مآذون ایکن نقده
آنا به به طوز کتوره جک بر سفینه نک هموله سی اخراج ایدنلرکله
فیما بعد منع اولمغله و قریمدن گلش بر قاج نقر روسیه یهود
رعایا سندن جزیه المنغله فیما بعد منعی و نفلیس خاننک جلد
و ایسی نقر ضندن و آنک تحریریکله آخرک تعدی سندن محافظه سی
خصوصه لرینی در میان و هر هر نک صورت و قوعات و ادعای
بروجه تفصیل سرد و بیان ایددی بوندن مقدم دخی تبسیه و
اشارت اولمشی ایدیکله اشوب بین اولنان مواد روسیه لو

۲۸
32 جانندن دفعه ایراد اولنوب بلکه روسیه ایلیسی و لقی طرفندن
اولون اوزره افاده به مأمورم دیومدت و اخره دنبر و آرا لوق
آرا لوق بر ایکی شرباب عالی به تقدیم و اسوف رئیس الکتاب فذیلر
زمانندن بر و فیصل پذیرا ولیه رق مترکم اولون قدیم ماده لر
اولوب ذکر اوضیعنی اوزره فصل و حسمند مضررت و رکاز اولمغله
ناشی قطعی میسدا و لمذیعندن زمان مرور ایدیکله بنا ر وقت
وقت ایلی مرسوم طرفندن جواب طلبی ضمنند باجا صفی به تقریر
تجیر و مقام صدازت عظمادن دخی ایچنک جواب طلبند
او هیغی بالضروره رکاب همایون جناب جهانداری به تسطیر
اولنور ایدی دشمن دین طرفندن مطلوب اولون موادک تمشینی
ایسه ولت علیه به مضررت یعندن بشقه کافر لک مسؤلوقی نقده
عند نقده ما لجنه نهایت قبول ایدر مقوله دن اولوب فرضاً ذکر
اولنان مواد تسلیم اولنسه بله در عقب ولت علیه به موجب شین
اولور بر آروی مواد دکی دخی تکلیفی داعیه سند اوله جفلی
معلوم اولون کیفیتا ندن اولمغله بیان اولنان ماده لک مذاکره
و قطع چون ایلی مرسوم طرفندن مطالبه اوض رئیس الکتاب منار
زمانند دخی دن همایون حضرت ظل اللری ایله بوندن مقدمه
بیان اوضیعنی اوزره نقده المأموریه محال منعده بر قاج دفعه
روسیه ایلیسی بولخاقوف ایله عقد مجلس مکالمه اوضیعنی نقده
ثبت جدید آثار اولمشیدی ایلی مرسوم ایله طول و دراز گذار
ایدنلرکات داب دیرین دولت اوزره نقده بکلجی جوان محمد راشد
افندی همیله هر دفعه ده قلمه آلنوب وقت وقت معروض عز
حضور حضرت شهر یاری قلندقدن صکره هر مجلس ایلی مرسوم

ایله کذران ایدن ابخاندن قلمه آلتان صورت مجلس دخی
علما و ارکان دولت مواجهه لرند علی وجه الوستاره قرأت
و طرفین سبقت ایدن مباحثه لر مجلس مخصوصه شوراده
محاکنه افرندن صکره نتایج آراینه معروض حضور پادشاه
کیوان رفت اولور ایدی حتی اشبو مواد منظور نظر اکیر اثر
شهر یا عالم افرندن فی الاصل اعدای دین ایچیسنک بمقوله
ابخانی نیجه پذیرا و مقتضین مکرر معروض حضور فائض النور
شاهانه لری اولمش افریغندن بوضو رنده خط هما یون جناب
جرانداریلری مها بتیز صدور اولمش در **صورت خط شریف**
بنم وزیر ایچی مرسومک اشبو بر قاج ماده ده بختی عبت مقوله
ایشلر قله آله حق التوب عرض بقالم بعد ایشلرک کلیشنه
کوره نیجه جواب ویرملک رأی صواب اید عرض اوی ان الله
علی کل شیئ قذیر **دولت علیه طرفندن رئیس الکتاب سلیمان فیضی**
افندیکنک نقیب الاشراف مشارایه معینی ایله مواد مسبوکه
ویریلون اجوبه نک خلاصه سیدرکه بیان اولنور ایچی مسفور
ایله بعد المواقف اظهار مراسم صفوت اولدندن صکره
رئیس افندی کلومه ایشدار وکله لم ماده لره که اولور ابور
قزاقلرینی و فراریلری بیان ایشلرک دولت علیه بوماده ایچون
مقدم و مؤخر اید و شدید اوامر شریفه اصدار ایلدیکی و رویه
دولتی طرفندن توافقی اولنور ملاحظه سیله اوزی طوری ماده
محلک تنظیمی ایچون باشد کوند رد که اوامرا اید ایله بونی دخی
سپارشی و بنییه ایدوب باشد حال آند افریغندن قطع نظر
اوزی محافظی بو طرفندن عزیمت ایلدیکی ایشاده خصوصاً صاحت

مذکوره نک تسویه سی شفا ها دخی سپارشی اولمشدر
لکن سزک طرفدن تنظیمنده رعیت اولمشدی دیوبوندن مقدم
تحریر اولنان مجلس مکالمه خلاصه سند بیان اضیغنی و جمله
جواب ایلد کده ایچی مرسوم طور منجبتانه اظهارند
باشلیوب قزاقلر و فراریلر حقلرند شروطک اجراسی اصرار
در پیش اتمکله رئیس افندی بویا اید و افرایجات ملزمانه
ایراد ایلد کدن صکره بالوخه شمعی عسکر مزایا فده
اولغله طرفینه امنیت حاصل اولدیغندن بشقه اوزی
اها لبسک مدعاری و لون طوز ماده سی اولون فیصل
پذیر اولما مغله قزاق و فراری ماده لرند اوز بیلینک
شورالقد اوز لرینه وارلسه طوز ماده سنی در پیش
ایدوب عسکر بیک اولغله برفساد چقا ر محافظ مشارایهک
وقتنه مرهوندردیو تخر بر اتمسی دخی بومعنا به دولت ایدر
طوز ماده سند مقتضای شروط طرفکندن اجرا اوقده
و امنیت طرفین حصوله کلد که بومثل مواد جزویه طبیعیله
حصوله کلور دیچک ایچی مرسوم حدود قومندانک بوضو
دار اوزی محافظنده یا زد یعنی کاغد قار شولغند محافظه مشار
ایهک بنم و قمدن مقدم اولون حالونه قار شمام لکن فیما بعد
وقتمک روسیه طرفندن فرار ایدرا اولور ایسه رد اولنور
مضمونند قومندان مرسومه یا زد یعنی جواب نامه سی صورتلر
ایچی مرسوم ابراز و اعطا اتمکله بعد القرائت رئیس افندی
اشبو مکاتبه د خبر مز یوق بوکا دار محافظدن کاغد
کلدی لکن بویله اوی یعنی صورتند ایشده بونک مضمونی دخی

بنم دمندن بروايند کم افاده بی یعنی طرفینه امنیت حاصل و طون
ماده سی طرفین نزاعی فاصل اولد بقده قزاق و فراری ماده سنه
تسبت بوعسکر یلکه جائز اولد یعنی تأیید ایدر زیر محافظک
و قمندن اول اولون حالونه قارشماس دیمی دولت علیه بی
و قننه مرهوندردیو یا زد یغنه مباین دکلر حاصل امتب
طرفین قرین حصول و طوز ماده سی دخی مقنضای شرط
اجرا سنه موصول اولد بونلر بتز شیردندردیوی صد
ینه طوز ماده سنه کیروب ایچی مرسوم خصوص مزبوره ده
وافر مغالطه و بختاره باشلغله رئیس افندی شنه نص شرط
میداند و معناسی ظاهر و دعوا مزه دلیل قطعی اولد یغنه
کرانله مقدمه و بچکنکی مجلس و دمندن بربو مجلس
سکابیان ایندیک سن کته اولکی سوز لرینی سولیبورسن
چونکه بویلد شرطی ایکه آلب ایچیلردن کلمری دیلرسن
کوسترو حق کلمک یندنه دردیوسویله آنلهره دیرلرایسه
بزراضیوز دیدکم ایچی مرسوم ایکی کولک بیتک اولون ماده
آخرک مداخلة سی اقتضا اتمز و آخره کوسرتمک مأمورینه صفماز
اشنه بونک اولد جفی بچکنکی مجلس بیان ایندکم وجهه تعیین
مقدار دردیورک مصدرا و لغله رئیس افندی دخی بر موجب
شرط حق دولت علیه نک یندنه و اجراسی بچکن کون بیان
ایندیک وجهه کولک علیه نک مطلوبیدر مشروط اولون
حقندن فارغ اولون احتمالی یوقدر مقصود صفوف و اجرای
شرط ایسه نص سند اوزره حرکت و اوزیلیه مخصوص
کولردن اهالی مذکوره نک طوز المرینه مما نعدن مباحه

ایدرسز دیدی بعد اوزیلی طرفندن غارت اوهی دیو
ایچی مسفورک ادعا ایلدیکی اوج بیک قیون ماده سی درمیان
اولونوب ماده شمده دکن مسمومز اولدی و دفعه اوج بیک
قیونک همان شویله جه آلمنسی عقله موافق اولیب بکن مع ما^{فله}
دولت علیه نک خلوف شروط و مغایر دست حرکت اوض یغنه
رضاسی اولما مغله خصوص مزکور ایچون اسما عیلسر عسکر
حضرتلرینه برقطعه موکدا مرشدیف تصدیرو ماده مذکور
صحیح ایسه آلتان قیونلرک در حال ردی و مراسم ترضیه نک
اجراسی درج و تسطیر اولنور جوابی رئیس افندی بیان ایلدیک
رئیس افندی ایچی مرسومک نهر قوباندن تجا و زایل مال غارت
ایندی لردیدیکی ماده نک جوابنه مبادرت اید و بقی الوصل
برو طرفدن سزک جانبد مرو را یید نلر سزک طرفکردن تحریک
اولمنش اولوسزک طرفدن برو جانبد مرو را یید بعض حرکت
ابتدای اوض یغندن برو طرفدن دخی ضابطا نک مرضیلر
اولیه رق بعضیلری سزک طرف مرو را تمشلر مع ما^{فیه}
خصوص مزبور مقدمه ما طرفکردن انها اوض یغندن صوغوجن
مخافظنه موکدا و مرشدیفه کوند لکلله غارت اولنان اموا^{لی}
اهتما مایدکن تحصیل و طرفکره استرداد اتمش اوض یعنی محافظ
مشارایه مقدمه ما تهر و دفتری تسبیر اتمکله طرفکره افاده
و دفتری اعطا اتمشیدکن و محافظه مشارایه قربانک
برو کچه سنده اولون طوائفی فیما بعد قارشویه مرو را تمامک
اوزره قهتد ایند رمش و بوندن صکره اولطر فلرک رابطه
ونظا ملرینه کرکی کبی اولمنسی توصیه و تلفین اولمنش دیدکن

ایلی مرسوم بوجنی اطرا ایدوب بن ابهر اطو ریچه طرفه ایکن
قربانک برو طرفدن بنه مرو ایلد کلرینی استماع ایندم ریجه
رئیس افندی بی بنه سزک طرفدن تحریکه مینی برو جانبدن
بر ایکیوز آدم قارشو مرو را تمشلا ایکن هله صوغوجی محافظی
در پی آدم تعیین ایله اعاده ایند و منش بویله جده مسمو عمرد
بر آرافده تعیین اولنان وزیر وار دفته نظارت ایدوب
طرفزدن تحریک اولمده ججه برو جانبدن بعد ازین او مثللو
حالت سنوح اتمامسنه اقدام اولنور دیدی بعد صد
جزایر لو طرفدن برسنه در ضبط اوضی دیو ایلی مرسومک
ادعا ایلدیکی سفینه ماده سنه کلوب رئیس افندی جوابه
ایندار برله بو خصوص قودان پاشا حضرت لرینه حواله
وجزایر لویه خطاباً صادر اولون فرمان عالی مشارالیه طرفدن
کتمک اوزره کندویه کوند ریش اوه یعنی معلومکردن مشارالیه
در عیله یه کوند ردیکی تحریک ائند امر شریف مذکور محضو
بر معتمد آدم ایله کوندردم اراسی اوزایوب خبری کلچوک تکرار
بر موکد تحریک اتمله برینی دخی کوندردم آنک دخی خبری کلیوب
ایکیسی دخی مفقودی اولدیله یوخسه قضایه می وغراد بلر
نه صورت قبول ایلد کلرینی بیله مدیکدن اوچینی اوله رق
برادم دخی کوندردم آنک جوابه منقبه دیو تحریک ایش
دیدک واقع حال بویله در بقده لم مشارالیهک اوچینی آدمندن
نه خبر کلور یا خود مجدداً فرمان عالی ایله ترسانه عامه دن
برچاوش کوند رملک طریقته باقیلور دینلک افلاق و بعداً
ماده می در میان اولنوب رئیس افندی کلامه مبارک برله

مسفورد

مسفوردک بومملکاترولک عیله به شروط ایله رد اولندک
تعبیرنه ضمنی تقریض قصد یله هر دولک کندور عایاسنی
محافظه یه اقدام و تعدیات و خسار دن حیانتله اهتمام اتمک
قواعد ملکیده دندر مملکتین مزبور این ولک عیله نک اولغله
رعایاسی حقیقده نظام وقوعه رضاسی ولدیغی ظاهر در
دیوب و شروطک صحبتی لسانه المیده رق حمایت رعیت
خصوصی هر بار تأکید اولمده در فیما بعد دخی تأکید و اقدام
اولنور دیمکله ایلی مسفورد دخی مقصود اجرائی شروطی
تأکید و تحریک اتمکردن دیدی بعد قونسلوس ماده سی
جوابه شروع اولنوب ائند قونسلوس نصیبی لوزم اولون
محلله نصب ایندیگر از جمله سائر دولک قونسلوسی اولیان
آفد کز اطله لرینه دخی نصب اوضی قره دکر طرفدن دخی افلاق
وبعدان قونسلوسکزار بونی نیجه یه دک تکثیر اتملومع مایند
تجارت موقعی اولون محلله نصبکره ولک عیله رد و اتمیوب
قالدیکی وارنه قونسلوسلغی ماده سیکه امنیت جانبین
حاصل اولو قجه بونک بحثنه کر لمر جوابی اگر چه ویرلشیدک
لکن اولد قجه بنه سکا بیان ایدیم وارنه ولک عیله نک
هم سرحدی وهم کیلوری مشابه سنه در سزک تجا و تک
جاری محله دن دکله رجو صورتک وارنه یه قونسلوس نصیبی
ادعا سنک هیچ معناسی یوقد فرضنا نصب ایدلم دیسک
بویله سکرلک وقتک اویله برسد حدده اقامتی نیجه ممکن
اوله بیلور ایلی مرسوم مقابله ایدوب محل مزبور سفینه لر
اوغرایور آنک و اطرافند کور یله جک مصالح تجار کور لیب

بوندن بشقه بعض سفینه لر قضا رسید اوله یور محل مذکور
برقونسوس لوزمدر که وار ان وقضا رسید اولون سفینه لر
وآمد شدایدن تجا رزم صالحی رویت اید آنک ایچون بر موجب
شروط ادعا اید رزدیجک رئیس افندی مقابله ایدوب
محل مزبور تجا رکز کید رکلور محل دکلدر قالدیکی سفاین
قضا سیه هر محله اوله یور بوضو رند کافه ممالکه قونسوس
نصب اولسون بر طرف اولون قونسوس هر جانبه نظارت
ایدرا شده سناستانه ده ایچی سن رویت امور تجا ره
دائر طرف حکمک جاریدر با خصوص قره دکز تجا رنه
نظارت افلوق و بعد ان قونسوس کزدخی کافدر اگر چه
دمندن دید کم وجهله بونک بختنه کر مکه ما ذون دکلم
لکن اوله جفنی دخی عقلم کسزدیه رک نقیب افندی حضرت
توجه تمکله نقیب افندی حضرتلری کلومه ابدار برله
وارنه یه قونسوس نصیب خلوف شرعدر مغایر شرع اولون
مواد مشروط دخی اولسه تجویز اولماز اشده سوزک صاغی
بودر خرضا خدمه دولت علیه وارنه یه قونسوس نصب
ایدلم دیسه لر دخی بزر که شریعت غرانک نظارتین قبیل
شرعدن تجویز اتمرز دیجک ایچی مرسوم مقابله ایدوب
ظاهر بودر که سائر شروط دخی رعایت اتمرز دیجکله
نقیب افندی حضرتلری جوابه ابدار برله مغایر شرع اولون
وار ایسه اجر اسنه شریعت راضی اولماز دید که رئیس افندی
جائز اولسه بله الزامه سوزلر موجودر از جمله قونسوس
نصبی تسهیل امور تجارث ایچوندر وقونسوس دیجک مدبر

۳۲
۳۶
امور تجارث دیجکدر وارنه ایسه بزم ماما تمز و ذخیر منقلند
مخصوص بر محل وعسکری تاغی بر سر حد مرز و حالودونما مرز
سفاین آنک موجودر سر حد لره قونسوس اقامتی نامسبوقدر
محل مزبور ره قونسوس نصیبی بوجمله ووجه سائر ایله شروه
دخی محلا قدر دیجک مسفور کچهره سنه عمرث کلوب قانرایدر
بشرطاً ادعای مواد اید رز سزهرینه بررعلک سردایله
بر یسینی اجرا تمز سزیم بلد کم روسید ولی بوماده دن فارغ
اولماز بن مقضای ما موریتی بیان ایدیم اجر ایتمدیگنر حاله
دولتمه یا ز مقدر عیری المدن نه کلور وادیلرند و افر سوزلر
سویلیوب رئیس افندی دخی کلوم اولنی اعاده برله اولامرد
لوزم اولون صفوت طرفیند رهنوز طرفینک بر برندن
امینتی یوعینکن بونک بختی عبثدر حال نه اوله جفنی کیم بیلور
حق تعالی شوایکی دولت بیلند صفوت احسان اتسون برله
شیلر اولزمان در میان اولنور دیدی بعد نصب اولنان
قونسوس حقلرند بیان اولنان تعدیات ماده سنه کر یلوب
رئیس افندی ایچی مرسومه خطاب ایله قونسوس بزرگ و ادملر بزرگ
بر موجب عهد نامه هما یملری ضابطه نمزه دائماً تا کید اولمقده
و بر یسینه خلوف دوستی و شروط تعذی اوضیفینه دولت
علیه نک رضاسی یوقدر قالدیکه خانیه قونسوسیه ماده
سیچون طرف دولت علیه دن اید وشدیدا مرشرف تصدیر
و حالوت مذکوره یه جسارت اید نلرک بهر حال اخذلری
درج و تسطیر و اوجاغ عامره دن مخصوص مباشر ایله تسیر
اوضی دخی جوابی و رود اتمدی بمته تعالی ماده مذکوره یه

جسارت اید نر کمرایسه اخذ و تأدیله اینه اقدام اوج جعی
ظاهر در دیمکله ایچی مسفور قونسوس مسفور حقنه اجرا اولنان
رذالت و حقارنه دارشکایند و افراط ایدوب بعد جواب
مذکور عاده اولمغله سکوت ایلدی بعد رئیس فندی
ترجمانی براندر شرطی جوابنه شروع ایدوب ترجمانلرک
وظیفه لری ایچیلری و قونسوسلری معینلرند ترجمانلرکی
امور یله اشتغال ایکن بعضی دوللرک ترجمانلری وظیفه لر
خارج سائر امور ه مداخله ایله نظام ملکیته به خلل ویرمکله
دولت عیبه دخی عموماً بر نظام جدید محتاج اوهی بنا عیبه
فیما بعد اوله جنی ترجمانلره برات شوجمله ویرلسون دیو
شروط و عهدیه طوقماز بر قاج شروط درج اضدی دیوب
و درج اولنان شرایطی دخی قرأت و بوشرطلر ترجمانلرک
برانلرند فلون قونسوس معینند ترجمان اولون فلون دیو
مسطور اولون معین لفظنی مفسردر زیرا معین لفظنک
معنا سنه رعایت اولمیه رق طشره قونسوسلی ترجمانی
اولنرا ستان زده اصنافی ایدوب درلودر لر شیلره
قاریشوب حسب المصلحه مؤاخذ اوض فدی بن ترجمانم دیو
ادعا ایدوب معامله نظام رعیننه خلل ویره یورلردی
مسفور بحاج اولیوب روسیه لو حقنه اولون معایف
و مسالماث ترجمانلر منحقلرند دخی اجرا اولمغنی عهد مزده
مشروط اولمغله بوقضیه شروط مذکور ای لغا و ترجمانلر
معایف مذکور دن اسقاط ایدر دیو برانلرک کالون
ویرلسند اصرار و رئیس فندی دخی هر دول کند و ملک

ورعیننه نظام ویرمک و نظام ملکیته به طوقمز مواده دول
آخر طرفلرندن تعرض اولنما مق عادت دولند رسرک ترجمانلر
اگرچه خلاف حرکت ظهور اتمیوب لکن سائر بعضیلر دن سنوح اتمکله
عموم اوزره نظام ویرلدی اگر سزی استثناء تسک نظام
عمومی به مخالف اولور بومنونال اوزره برانلری بعضی دول
و علی الخصوص نجه و بیوک اسپانیه و فرانجه دوللری قبول
واخذ ایلدی لر دید که ایچی مرسوم دخی هر مصلحت مزه بررکونه
سد چکله یورسز دیدی بعد رئیس فندی قره دکره اشلیان
سفینه لرک مقیاسی ماده سنک جوابنه مسادرف برله بر طرفدن
کیلر یکن کلوب کمنک در قفیسنه ممانعت اوض یعنی وارا ذنب
سفینه امر لریخی اسندی ککری ویره یور زبوم ماده به طرف اولن
عیبه دن لیمان ناظری و سائر مامورلر وار امرلر ابراز اوض
تخللری شروط موافق اوهده بلو تر د ا جازت ویره یورلر
جمله سی آمد شد اتمکدر در فقط کچنلر ده بر سفینه کز شرطه
مسطور مقدار دن زیاده به نخل اوه یعنی اهل خبره خبر ویر
اجازت ویرلدی دیچک ایچی مرسوم جوابه ابتدا برله اول
سفینه مزه نجه ده تخمین اولنوب شروط دن زیاده اولد
مخندری طرفند نیدنک سندی وارا ایدی و فی نفس او مر
زیاده دکل ایدی اشته فیما بعد مقصود بومقوله سفاینم
اولنما مقدر دیمکله رئیس فندی مقابله ایدوب شروط
موافق اولنلرینه تعرض اولنما شروط دن زیاده سی بوندن
صکره دخی ظهور ایدرایسه کچن کون نجه لو حقنه واقع
اوه یعنی کچی بر موجب شروط منع اولنور زیاده لری عیبه

مغایر شروط حرکتی بخوین امتز دیدی رئیس افندی قدس شریف
ملوسنگ را کبا و هیغی سفینه بی آلوب بعد ردایدن قور صان
ماده سی جوابنه مبادرت برله طرف دولت علیه دن ماده مزبور
ایچون مخصوص فرمان اصدار اوضی و ریاله پایه سیله بر قودان
معیندن اولون سفاین بله تعیین اوضی قور صان مزبور سوخته
قودان اوضی استخار اولوب مزبور دولت علیه نک خیلیدن
بروارا دیغی قور صان نردن اولغله بمنده تعالی اخذنه اقدام تام
اولمغله در جوابنی ویردی رئیس افندی دولت علیه نک
براسکله سندن براسکله سنه آمدنشدایدن روسیه سفینه لریک
منع اولنماسی ماده سنک جوابنه مبادرت برله ایچی نک سنک
منع اوضی دیدیکک سفینه انا په یه یکدجک ایدی اوحوالی یه
برقاج قطعه سفینه لر مخصوص اولوب سزک اولغله سفینه کز
کند که شمیدیک اوحوالی عسکرلک اولغله شاید بررنجید اولوز
ملو حظه سیله سزک سفینه کزی حمایت ایچون منع اتمشیدک
منع عمومی اولیوب فقط اول طرفه مخصوص اولغله سائر محله
کیدوب کلون سفینه لریکه ممانعت اولنماز دیدک ایچی مرسوم
چونکه بریله در اول طرفه سفینه کمنشی ممنوع در دیو مقدم
نیچون اخبار اولمندی تحویل اولمش سفینه مز تکرار تخلیه اولوب
قودانی بو قدر خسا و نه گرفتار اوضی دیچک رئیس افندی
یا سزبه اول طرفه سفینه کوند ر جگزی مقدم خبر ویرمدیک
دیدی صد روسیه لونک یهود رعایا سندن جزیه آند یعنی
ماده کیروب رئیس افندی کلومه مبادرت برله بو منالو مو
مجلسه عرض بیان ایدجک ماده لردن دکل لرجمانکز مقدم

38 خبر ویرمش اولسه چیزه داره خبر کوند ریلوب منع اولنوردی
دیچک ایچی مرسوم صد دانک دکل جزیه داره بن خبر کوند ردم
آدمری بو ماده ایچون یدمزده مخصوص فرمان عالی وارد بمش
دیچکله رئیس افندی البته عموماً رعایا دن جزیه تحصیل ایچون
جزیه دارلره فرمان وارد قالدیکه روسیه رعایا سندن
جزیه آند یعنی واریسه ردی و فیما بعد النامسی جزیه داره تاکید
اولنوردیدی نفیس خانی ماده سی در میان اولوب بو خصوص
جوابی کچنکی مجلسه تفصیلاً کذران ایددی بو ماده ده مدعی
دولت علیه اولغله مجلس مذکورده ادله و براهینله سزده افاده
و دولت علیه نک بو ماده دن و سائر عرض ایلدکم مواد دن
فارغ اولیبه جفی مجلس مزبورده و شمیدی افاده ایلدکم مقدمه
بیان اولمش اولوب دولت علیه نک بو بابک سوزی ینده اولکم
سوزی اولغله تکراری حاصل تحصیلد دیدک ایچی مرسوم
مجلسه سابقه سویلدیکی اقوال متره دانه سنی عاده قید نه
دوشوب بعضا بجائنه مبادرت و رئیس افندی متجددانه حکیمان
مقابله برله جواب اولی عاده ایلدی بعد ایچی مسفور ایراد
ایلدیکی مواد مذکورده نک تمشیت و تنظیمی ماده لر بیخ
در پیش ایدرک نتیجه بودرکه روسیه و لشک مرای شروطک
فعلواً اجرا سیدر صور نلریخی تکرار اتمکله رئیس افندی دولت
علیه نک اجرای شرایطه بخوینزه قصور ایلدیکی یوقدر
شمیدیک روسیه و لئی طرفندن شروطه موافق و غیر موافق
نیجه ماده لری مجرد دوستلغه مراعه مما شاة ایله تنظیم ایلدی
روسیه دولتی دولت علیه نک ایراد انک بریسنه مما شاة

ایتمیوب مقدم عرض ایندی که ماده لردن ماعدا دولت علیه نکه
نچه ماده لری دخی وار که بز بریسی ایراد اتمدی که ایراد
ایندی که دخی ایلی بی که کنی رد و کنی دولته تجیره تعلیق ایندی
دوستانی مراعاتی بویله می اولورد دولت علیه کبی بر عظیم الشان
دولتک شان و شهرتند رعایت بوقمیدر بزم دعوی صفوت
ایندی که و دولتک طرفدن رخصتکه نظر اموال ایدر ایدک
عرض ایندی که ماده لری بریسی تجیره تعلیق ایتمیوب بر مقتضای
شروط دوستی تنظیم اینده اقدام ایدرسن سنایسه بر قونسلوی
و کینی عزل ایدرم دیوب در لورد لومغالطه لرایراد و بالوغه
آنی دخی دولتکه تحریر تعلیق ایندی که دولت علیه ایسه سزک
اسند عاکن ایله قاضی و ویوره عزل ایندی که معلوم کرد بر بوسه
مماشاه و مراعات فنی طرفدن اوهی دیچک ایلی مسفور قاضی
و ویوره عزل ایندی که ایسه نه منتری تحقیقه عزل ایندی که
دیچکه رئیس افندی با بزم کرسونه کمزدن اول قونسلوس
و کینک انواع نه منی ادله ایله ایراد ایندی که بجزون منتر اولدی
دیچکه مسفور اولوق تحری و قباحی اوهی یعنی تحقیق اتمامشیدم
قالد که چکنکی مجلسه تکرار بیان ایندی که دولته با زارم عزل
و نصب بنم المذن کلمزد دولتک اشیدر دید که رئیس افندی
اشند بویله سویلرسن وهم دعوی صفوت ایدرسن قالد که
عرض ایندی که ماده لرا عظام اوف جن شیلردن دکل طرفین
مأمور لرینه لوزم اولون بویکی دولتک بینلرند بومقوله عوارض
رفع برله ولین بیننی تأییدر ما دامکه ایکی دولتک قلبلرک
بربری حقند صافا وله بومثلومواد و مصالح طبیعتیله

بتردیوب و بوجلسه اول امرده بیان ایلدی که مقدمه بی
بر وجه ایضاح تکرار ایلد که ایلی مرسوم دخی برار دعوی
صفوت ایدوب بوارالفه ترجما لردن روسیه لومثلومصد
التمامی ماده سنی سنوان ایلمک خاطر ندن کتمکله سنوان اتمدی که
برو طرفدن دخی سکوت اولندی بعد صد سا فزده هلوک
اولون روسیه قیودانی ماده سنه کلوب مسفورک قائلری
تحری و اخذ و حبس و تحقیق حال اعلام اولمنی باینده فرمان
عالی اصدار و مباشر ایله تسیار اوه فده مسفورک کندی
پشتوی بوشانوب هلوک اولدی یعنی و کسنه نک صنعی اولدی یعنی
اعلام اولمنی اوه یعنی ایلی مرسومه مقدمه ترجمانی و سا طیبیله
وبعد چکنکی مجلسه بیان اولمنی ایکن مسفور مجابا و لیوب
اعلامی ویرن نایب آستانه ده اولمغله سنوان اولسنه اعلامی
مجبوراً ویردیکی و تحقیق ماده بی خبر ویردر و پیش اوه فیقند
نقیب افندی کلامه ابتدا برله بن چکنکی مجلسه مفارقت
ایندی که کبی نایب مومی ایله کوزد و بجهین ویره رکن سنوان
ایندم بکا کم جبر اید بیلور بچون مجبوراً خلاف اعلام ویره
خلاف ارتکابنه نه ضرورت من ایندی تحقیق حال
اعلامه نوجهله یا زلدی ایسه او یله جه دریدی دیو
بیان ایدوب رئیس افندی دخی تعقیب ایدر رک بزم باشین
شریعت غترایه با غلور بر ماده که طرف شرع شریفدن
اعلام اوف بهر حال اعماد و مقتضای سبیل عمل و حرکت ایدر
و حتی امور سیاست دخی اعلام ایله اجرا اولور قیل دخی و بوندر
امثالی حالات اعلام اوه فده اجرا اولور نه آنکه خلاف

اعلام و اف دی مکه ایچی مرسوم قبودان مسفور ک کند و
صنعیله هلاک اولدیغنه دائر وافر معارضه لرا تمکله بعد
رئیس افندی و نقیب افندی طرفندن کلام مذکور اعدا و بیضاع
اولندی **بعده** ایچی مرسوم جوابلریک تمام او بیچی دیوب تمام
اوهی دینلیجک بوجوابلری اولت علیه دن ما مور اچی سویلرسز
بوخه شمذیک صحبت اوله رق می سویلرسز دیکجک رئیس افندی
مقابله ایدوب چکنکی ملاقاتک بزسه بومثلاو سوال ایراد
اتمشیدک بونصل سوالد رالبتہ دولت علیه نک رئیس
بولندم و نقیب افندی حضرتلری دخی اعظم علای دولت
علیه دن اولغله ما مور اوهی البته ما موراً سویلرسز دیکمکه
ایچی مرسوم مراسم اولد کل بعضی مجلسه ایراد اتم استماع و بعض
مرتبہ مباحثه اوه قدن صکره دولت علیه ما مور لری بومباحثه
بینمزده در ایراد اتمی دولت علیه به بیان اید لم بعد نومهلله
ما مور قنور ایسک تکرار عقد مجلس و سکا افاده اولنوردینلده
مسبوق اوه یغندن بومجلس دخی اوله میدردیو سوال ایندم
کلامی ایراد و بوضورتله ملاقات مجالسی منقطع اولماق
امیدیلله استماع قصد ایدیکجک رئیس افندی مقابله ایدوب
ملاقاتلر اوله دکلدر سوزلر مضمضای رخصتم
حسبیله دولت علیه نک سوزیدر دیکمکه مسفور پلک کوزل
دیدى **بعده** مسفور عودت ایچون قیام ایلدکه اثنای قیامنه
ندارکات دولت علیه به واطهار اولنان اطوار متجددانه به
تقریض قصدیلله بوملاقات آخر ملاقاتلر میدردیکجک رئیس
مسفورک قصدندن تجاهل ایله ایچی بلک دوستمن هر نه وقت

ملاقات

ملاقات استرایسک بز حاضر زجوابی ویر مکله مسفور
وداع ایدوب کندی **اشبو** مکالمه مجلسنده جریان ایدن مناشقه
و ابخات و خصوصاً بوندن مقدم کشید سلاک آنا را اولون صور
مجلسه مندرج دشمن دین طرفندن ظهور ایدن اطوار عزیزیه
واجوبه عجیبه کریبان غرقى چاک و سیننه شها متی سوزناک
ایک جک مرتبه لره رسید و مکالمه سنه ما مور اولنلر نه
در جلده الم دیدک وزحمت کشید و اوه یعنی عبارتلرندن
بدیدار و ارباب مطالعه به کما ینبغی ظاهر و آشکار اولور
کرک مجلس مذکور و کرک مجالسی سائرده دولت علیه
طرفندن دشمن دینه تکلیف اولنان ماده لردن برینک
حصول پذیر اولدیغندن ما عدا اعدای دین جانندن مطون
اولون مواردی مضمته نک بریسندن دخی مرخص مرسومی کچور مک
میسراولما مغله بوندن صکره دولت علیه مرخصنک ایچی
مرسوم ایله ملاقاتندک دولت علیه به نافع بر فائده زانده
ظهور اتمیده چکی بدیدار اولمغین صدر اعظم حضرتلری
طرفلرندن مجالسی مکالمه دن آخر مجلسه گذار شیدیر اولون
ابخات و مناقشات معتاد اوزره معروض حضور شهریار
عیور و منظور نظر پادشاه کرامت ظهور اوه قدن بوجوبه
خط همايون شوکت مقرون شهنشاهیله میها بتربین
صدور اولمشدر **صورت خط شریف** بومکالمه لرهمان
کافرک عنادیدر قینارجه عهدنامه سند قیرم سربست
شروطی در کار ایکن عهد مغایر کنایلدی دخی نیچه نیچه
مغایر کدر ظهور اید چکی خان ملعوننی دخی تصحیح ایلدی

۳۶
40

همان فاعل مطلق خیر لوسی کوستره پس اعدای دین مرخصی
 ایله مکالمه اولنان مواد ذکر اضیفی اوزره قله آلدن قدن
 صکره علما و ارکان دولت ایله استشاره ورد و قبول
 شقردن نفیسی اخیار اولنور ایسه عز حضور پادشاه
 مکارمکاره عرض اولمنی اوزره رخصت همایون حضرت
 ظل الهی ایله شهر شوالک یکر می ایکنی کونی برد فعه و یکر می
 طقوز بنجی کونی برد فعه عرض او طه سنه اولمنی اوزره
 حضور جناب صدرا پنا هید شیخ الاسلام افندی ایله قضاة
 عساکر و معز ولری و عموماً او جا قلو ایله رجال دولتدن
 اون بش نفره قریب ذوات کرام حاضر اولدی حاله بونجه
 وقتد نبرود دولت علیه مرخصتک دشمن دین ایلیسیله اولون
 مکالمات و مناقشاتک صورتی یعنی نه دولت علیه نک کند
 اولون تکالیفدن بر تکلیفی قبول و نه کند و سنک دولت
 علیه به ایلدیکی تکلیفدن بریسندن نکول ایلدی مفاهیمدن
 عبارتد کشمیه دک بر قاج دفعه صور نلری نوشته صحیفه
 آثار اولمشدر اولکالمه لر مضبوطه سیله پنجه ایلیسنک
 تقریری و معاً بر قطعه لایحه کاغدی بین الحضا قرأت
 ارضدک صدرا عظم حضرتلری حاضر بالمجلس اولون ارکان
 دولت خطاب ایلدیلر که اشنه صور حال معلوم اولدی
 دولت علیه به کوره روسیه لو اوزرینه سفر اتمک لازمیدر
 دکلید شرعاً و ملکاً نه اقتضا ایدر سفر اتمک اتمامک
 شقردن محذور لری و موقوف علیهدی شودر بودر
 بین الحضا هر طرفی مذاکره و نه ده قرار کیدر اولور ایسه

حضور هما یونلرینه عرض اولمنی سر کلو افند من حضرتلرینک
 مراد هما یونلریدر دید کلرند اولو شیخ الاسلام افندی و بعد
 علمادن بعضیلری سفر اتمک اتمامک پادشاه همزک امر و اوده
 موقوفدر قالد که شرعیسی سؤال اولنور ایسه سفر مشروعدر
 ترکی غیر جائزدر مصالحه نک تجویزی عسکرا سلامک اکساب
 مکنت اتملرچون اولوب اولدی جهای معنوی اولغله آنک
 ایچوندر اولو جهای دک فعلاً و معنأ بالکلیه ترکی هیچ جائز دکدر
 اسباب و ندادیرنی اصحاب سیف اولنور سویلسونلر دیملر ایله
 بین الرجال روسیه لونک نک در روسیه جغنه و نوقت اولسه
 اوزرینه سفر و غلبه اولند قجه سفر و اتمیه جکی و نتیجه ده
 بود دولت علیه به سو قصدی در کار ایدیکنه و شمیه دک
 کوریلون ندادار کات کورلسه بوسنه حد و دره رخنه سی
 آشکارا و یغنه دائر و ندادیر جهای سفرک تحقیقنه منوط
 او یغنه مند افرامحات گذران ایدوب او جا فلور دی
 عسکر خصوصنه دائر و افر مذاکره دن صکره شمیه کی حاله
 جنک ایند ره جک وقت قالمد یغنه و بونلر صیف ایچون ترتیب
 اولمش و لغله قشایه طور میوب بشقه جه قشای عسکری
 ترتیب اولمنی مقتضی اید و کنه دائر سفر اولور ایسه او جا فلور
 جنکدن نکول اتمیوب لکن جنک بهاره قالمی اقتضا ایدیکنه
 مند ارجو بلری در میان اتملر ایله سفر اولسونجی اولسونجی
 ترک اولنسه روسیه لوماده لرمزه مماشاة اتمز ترک اولنسه
 نزهله شروع اولنلوردر سؤال لرینی و بونلره منفرع اسؤله
 سائر کراتله مفضلاً و هر طرفدن ایراد و بیان اولنوب مجلس

مذکورده ده بالذفات دوران ایله کدن صکره بومثللو
 امر عظیم بر مجلسه کسبله مزالبته هر کس اطرافله کرکی کبی ملاحظه
 اتملودر شمدیکی حاله بر طرفن قشوا عسکری ولوازمی وبر طرفدن
 دخی سنجاع شریف چیقده جن کبی بهاره لوزم اولون ذخایر و مایه
 ولوازمک ترتیب و نداد کلرینه صرف مقدورا و لیسون بوندن
 صکره بر مجلس دخی عقدا و لنوب هر کس مطالعه لرینی در میان
 ایستون جرح و تعدیل ارض رق بهاره سنجاع شریف چقمی چقما
 شقلری مذاکره اولنور نه ده قرار گیر اولور ایسه اول مجلسه
 قطع اولنسون اگر سفر اولنور اوزره قطع اولنور ایسه لوزم
 واسبابی مهیا بولنمش اولسون و ظاهرده عسکره فنور و بر لیمک
 ایچونینه سفر اوله جن کبی معامله اظها را اولنسون نجه لوبه
 دخی تقریر مذکور نه جواب اوله رق دولت علیه نک روسیه لور
 مطالبی شرطاً و عهداً شود ر بود ر حصول لری قطعاً مطلوبیدر
 روسیه لور دایلدیکی حاله دولت علیه اسباب حصول لرینه
 آماده در دینلسون بقه لم ایچنی مجلس مزده نه ده قرار
 ایدر **دینلمکله** سفر آچلمن اچلمن اراده هما یون لرینه تعلیق
 برله قرار نی مجلس آخره تعلیق ایلدیلر مجلس مذکورده یعنی
 حضور جناب صدراعظمیده شیخ الواسوم افندی و بالجمله
 ارکان دولت میان لرند کذنان ایدنا بحاث و دوران
 ایدن آرا و ایراد اولنان ندا بیرک تفصیلی معنادا و زره
 رئیس افندی طرفدن فله انمش اولمغین جانب صدراعظم
 دستکامیدن معروض عنبه علیای حضرت خلافتنا هی
 اولوب پادشاه عالم ابدالله ملکه الی نهایته الامم حضرت لیک

منظور نظر اصابت اثر ملوکانه لری اوقده بو کونه خط شریف
 کرامت ردیف خا فانی لری شرف برز صد و اولمشدر **صورت**
خط شریف بنم وزیرم بو کون عقد مجلس شورا ده کذران
 ایدن مباحنه معلوم هما یونم اولمغله مجلس ثانی کونته کلنجده
 بو کون جمع اولون افندی لرد عاجیلرم و رجال دولتم قولدری
 و اوجا قورضا بطری کرکی کبی ملاحظه ایلیوب بعد مجلس
 ثانیه جمع اولدری حاله اولو عسکرک ترتیباتی ثانیاً مصروف
 سفر ندرکی ثالثاً مهمات کرک برآ و کرک بحر و دنیای همایون
 بر قاج ترتیب و سنه آئیه ده سفیر بوق ایمنش دیو طوائف
 صکره ید فنور کلامک معاذ الله تعالی اعسنوسده یا خود
 ایلول همان قاسم و شتا و قلرند کفره طرفدن هجوم و غیر
 حالات ظهورند خطر عظیم در کارا و یعنی حالت لری ملاحظه
 اولنوب اوله جده قراری طرف هما یونمه عرض ارض **ذکر عقد**
مجلس شوری دز ساری آصفی برای سفر همایون آنفا ذکر
 و تفصیل ارض یعنی اوزره شهر شوالک یکر می طقوز بنی کونف
 کافی السابق شیخ الواسوم و قضایه عساکرو اوجا قورواستشاده
 صالح رجال دولت و سرحد لودن ساحورده بعضی اصحاب
 درایت ساری آصفیده موجود اولدری حاله عموماً عرض
 او طه سنه دخول و حضور صدراعظمیده منول ایلد کلری
 اثناده امر آصفانه لر یله هر کس بر لوبینه قعود ایلد کدن
 صکره مسقولویه دار مذاکره در میان اولنوب مشاوره یه
 شروع اراغند پادشاه جمشید فر شهر یار کرامت کسرت حضرت
 طرف باهر الشرف لرند بیاض اوزره شرفیافته صد و اولون

خطی های یونانی میرآخور اول شهر یاری ایله شرفزسان ورود
اولوب بین الحضا رقراٹ و منصوریت مسلمان و مقهوریت
اعدای مشرکین دعوات خیریه سی مرفوح بارگاه فلندن صکره
سفر اتمک اتمامک و ایچینک شمدی قالد رلق و یا خود صکره
فالق خصوص لرینه و منفذ عات سفره دائر هر کس خاطرینه
کلونی سویله رک و یکدیگرک افوالنی رد و قبول اید رک با بوفز
سفرک شرعاً واجب و یعنی و جواز ترکی موجب اتم اید و کی
صلاطه فرندن و لاوجل اولو علون ایچینک قالد رلسی لا بد تاخیر
شاید فرارینی موجب اولق ملاحظه سیله تعجیلی لوزم اید و کی
سار حضا رجا نبلرندن بیان اولنوب مباحثه و مناقشه
افق رق قرار ویرلدی چونکه خمیس کونی صدراعظم حضرت ^{نک}
رکاب همایون حضرت جهان داری به رخسوده اولسی مصمم
اولشا و لمغله رکابه کمرزدن مقدم ایلی کتور دیلوب قریبی
ترک ایدر میسن و مواد ساره بی قبول ایدر میسن نه دیرسن
سوالی ایراد و جواب رد و یرمک یا خود دلشنه یا ز معنه
تعلیق اتمک صورتلرندن برینی بیان اید جکی بوقته رک
مکالمه لرده مسبق اولون طور منعقدانه سندن ظاهر
اولمغله اصفا اولنوب یدی قله به ارسال اولنق و بعد
منو کلاو علی الله سفر همایون لوزمنی اتمام خصوصنه دامن
در میان ایلکه بالو اتفاق قرار و یریلوب تفصیل مجلس مشاوره
کبری بوندن مقدم گذران ایدن مجلسلرده سبقت ایلیکی
اوزره مفضلاً و فله آلوب داب قدیم اوزره صوب صدر
اعظمیدن حضور همایون پادشاه ربع مسکونه عرض

و تقدیم اضحی اعدای دین ایچینک یدی قله به قالد رلسی
رکاب کونته تخصیص قلمه سنک حکمی فجر دشیخ الا سلام افندیک
باب اصفیدک بولنمه سنک عوام ناس حکمنی تفیش داعیه سنک
اولور لر ایسه تسترا یچون رکاب همایونده عزیمت اولنجه
اعلان اولمنسی استحسان اولمنشیدی مشورت مذکوره ده
گذران ایدن ابخاٹ و اقوال و هر طرفدن نوجهله معارضه
و مناقشه افق رق سوق مقال و دعوی و اسند لول افرضی
فیما بعد مطالعه ایدن لره ایراٹ فائده دن خالی اولیده جعی
ملاحظه خیریه سیله مجلس مذکورک تفصیلی بعبارته
نقل صحیفه آثار اولسی مستحسن کور لمکین بنما مها کشید
مسطر تحریر اولمشدر **صورت مجلس مذکور** یوم مزبورده
شیخ الا سلام افندی و رئیس علما مکی افندی و صدر روم
توقیق افندی و صدرا ناطولی پایه سی اولون عاشرافندی
و صدرا ناطولی پایه سی اولون ولی افندی زاده احمد
امین افندی و آستانبول پایه سی اولنردن کمرلجنه لی
سید محمد افندی و فتوی امینی ابراهیم افندی و حالواستاد
قاضی محمد صالح زاده احمد اسعد افندی و کتخدای
صدر عالی حسن افندی و دفتر دار احمد نظیف افندی
و رئیس الکتاب سلیمان فیضی افندی و موقناً توقیق اولون
السید محمد خیری افندی و حالو توقیق لوله لیلی مصطفی
افندی و دفتر امینی سلیمان راشد افندی و سابقا رئیس
الکتاب عطا الله بک افندی و چاوش باشی السید نعمان
بک و مجلس معقود افرضی حاله خط همایون ایله ه

توارد ایدن میرا خور اول شهر یاری چر کس محمد بک و سابقا
 چاوش باشی روحی سلیمان اغا و نرسانه عامره امینی علی رانی
 افندی و شوق نانی ابوبکر بک افندی و مطبخ عامره امینی الحاج
 سلیمان اغا و موقناً روزنامه اول چلی محمد افندی و درگاه عالی
 قوجی باشی نندن قره حصار ای احمد بک و درگاه عالی بیکر بک
 اغا سی حسن اغا و سبکان باشی اغا و قول کتخدا سی عثمان اغا
 و بیکری کاتبی ابوبکر افندی و سپاهلر اغا سی حسن اغا
 و سلحدار اغا سی والد کتخدا سی زاده احمد بک و جبهه جی
 باشی محمد اغا و طوچی باشی کتخ عثمان اغا و عرب جی باشی محمد
 اغا و بیکری او جا غنک اختیار سفر کوروش سرحد اغا لرنند
 ایکی نفر اغا لر حضور و صدراعظمیدک اجتماع ایلدیلر روسیه
 قینا رجه صلحد نبر و ظهور ایدن حرکات و تکلیفاته و فیما بعد
 کند و لردن امنیت مفقود او یغنه دائر و اوزر لرینه
 شرعاً و ملکاً سفر اتمک لوزمیدر د کلیدر و لوزم او یعنی
 صورندک شمدی شروع اتمک و یا خود بهاره قلیق اولموق
 شقلرندن فقینسی مناسب رسواللرینه و بونلره دائر
 اسؤله سائر همتدائر فله آلتان کاغد بین الخضار قرأت
 اوضی کاغد مذکورک قرأتی خنامندک شیخ الاسلام افندی
 کلامه ابتدا و روسیه لودن فیما بعد امنیت جائز اولدیفینه
 و اوزر لرینه سفر اتمک شرعاً واجیب او یغنه دائر بر مقصد
 تربیی ایله حضاره بیان و اشعار و زره ایکن بیاض اوزرینه
 شرفیافه صدور اولون خط هما یون شوکمقر و ن میرا خور
 حضرت شهر یاری موخالیله چر کس محمد بک ایله شرفسان

40
 44
 و رود اولمغین کتخدا بک و دفتر دار افندی و رئیس الکتاب
 افندی و سایر خدمه باب قاعد دیرینه دولک علیه اوزره
 حصیرا و ه سنک و صدراعظم حضرتلری دخی عرضا و طه سی
 دهلینندن استقبال و خط هما یونی اخذ و نقیل و قرأت
 ایچون رئیس افندی به اعطا اتملری به مجموع حضار قائم
 او قلمی حاله قرأت و مضمون منینعی مستمعینده بیان و شاعت
 اوضه جمله حضار یکزبان او رق زمزمه دعوات خیریه لی
 درگاه اجابته ایصال ایلدیلر **صورت خط هما یون**
 سنکه صدراعظم و وکیل مطن صدقات شیم سن التمشیرک
 روسیه عسکری شرطلر اجراسی دیو جز اللریله حد و لره
 مأمور او قلمی ایلیسی رسماً اخبار و بو وجهله سور
 قصد لرینی اظهار ایلدکلرند در حال سرحد لره عساکر
 منصورم ایله متانت و بجر ادخی د و نمای هما یونم تعیینید
 ظهوره کله جک تکلیف لرینه سد باب ممانعت اوضه یغنه
 اشباه یوقدر جناب حق سندن خشنود و راضی
 و او جا قلع عسکری قوللریمک اطاعتلری و صدق درون
 ایله غیر عسکری معلوم همانم اولمغله دعاء خیر می آلمشدر
 جمله سنک یوزلری آق اولسون لکن بویله خواهش ایله
 کمتلر ایکن شمدی سفر یوغیمش دیوعو د طایدر لر ایسه
 معاذ الله مسقولودخی بوش بولدفه نصل اولور اول
 بونک علاوه با قلیق لوزمدر و روسیه لوزک حین
 صلحد نبر و ملک من و بر دیکلی خلل لر و قریبی عهد مغایر
 بغله اسباب سنک فیما بعد قال و قیلر دفع و کب امنیت

حصولی دیو و یریان سنده مصدح ایکن نفلیس خانی و رعایا
 و فراری بغداد و یوده سی ماده لری و سائر مواد بالجملة آندن
 صکره واقع اویغنی و دخی نیجه نیجه محل نظام شیلرک و قوعی کچن
 مشورند جمله کزک معلوملریکن اولشدر هر سنه بویله اناون
 خزینه و اعجاب عسکر اتمکدن ایسه متوکلاو علی الله اوز زینه سفر
 نیت خالصه شاهانم در کاردر آنجی عهد حضرت رسول
 ثقلیند نبر و جنک و صلح شریعت غزای احمدی ایله بوله کلکله
 ایمدی بحول الله تعالی اسلاف عظام مثلود و لئکم ایراد و ظهور
 و کرک سائر مالک اویغنی هر نه ایسه بویله فدادر قالد که
 ذات خلو فضا می دخی اشبوا نفا کزه داخل بیله سز اولو
 شرعیسنی افندی داعمز بیان و بعد ملکینسنی دخی اطرافینه
 مشاوره خلاصه افندیلر داعیز مزه و رجال دولت و واجا قلو
 قولریمه مقتضای دیانت و صدق اقلری و زره صوابی بیان
 و قرارینی و یروج اشبو خط هما یونم ایله مرسل میرا خورا و لمر
 محمد بک دخی استماع و ختام مشورتی صدر اعظم تلخیصی ایله
 افاده ایلیه جناب خیرالنا صریح دین دولت علیه و جمله
 امت محمد خیرلوسنی احسان ایلیه آمین الف آمین بجا ه ه
 سید المرسلین بعد هر کسی بریر زینه قعود اتملریله صدر
 اعظم حضرتلری کلومه مبادرت و اشته شوکلوا افندزک
 مبارک خط هما یونلرند شرعاً سفر ایجاب ایلد که اسلافند
 فلون و زمان سلطنتک جمع اولنا ن اموال دین مبین
 اوغزینه صرف ایله رم بنده حصاً و مجلس اولون علما و رجال
 و واجا فلوا ایله بیله بر بویله جد بیلوب بو کون سوزی قطع

اید سز بیور مشر جمله مزد و لیت علیه نک بنک لری زهر کور
 خاطر لرینه کلونی سویله سونلر دید کلرندک شیخ الاسلام افندی
 کلوم اوللرینی اعاده برله اشته علما افندیلر بوندک درلر قدر
 وقتک سفر واجب دکلمیدر و ترکی خطری موجب اولماز می
 افندیلر سویلیک اوله دکلمیدر مکی افندی و سائر لری تصدیق
 ایدوب شیخ الاسلام افندی فتوی امینی افندی به خطاب ایله
 افندی سویله نه درسن دیچک مسئله شرعیته بیور دیغکنز
 کبیدر دیچک شیخ الاسلام افندی یته تعقیب کلوم ایدوب
 اشته بن و علما افندیلر شرعیسنی سویله دک قدر و وقتک
 مؤمنین اوز لرینه جهاد فرض کفایه در و ترکی خطری
 مرجیدر مسقولونک نفض عهد ندن قطع نظر مسلمینه خیانت
 ظاهر و کندودن امنیت منسلب اویغنی باهر اولغله نبذ
 مسئله سی اوزره اوز زینه سفر اتمک واجب اویغنی اوزره
 نفض عهد دخی اثبات اولنور ایسه اولجهت دخی فضله اولمش
 اولور اشته سفرک شرعاً و جوبینی بن سزه بیان ایندم جمله کز
 ارباب سفردن و اکثریکز سفر کورمنش ذواندن اولمکرله
 ملکینسنی واقضنا ایدن ندا بیکر سز مذاکره و بیان ایدک
 دیور رجال و واجا قلوبیه خطاب ایدوب بعد سائر علما افندی
 صورت استسأله عطف ناله ایددیچک آنلر دخی افندی
 مشارایری تصدیق ایدک رک بزله لوزم اولون افاده بودر
 ندا بیکر سز سنی رجال دولت و واجا قلوب مذاکره ایتسونلر
 دیدیلر بعد صدر اعظم حضرتلری رجال دولت و واجا قلو
 خطاب ایدوب اشته جهت شرعی بی استماع ایلدیکنز اندیره

دائر خاطر لیکزه کلونی سولیک بوایش دین و دولتک اشیدر
و جمله مرکویا بر سفینه ایچند یزدید کلند بین الحصار ندا بیره
بعضی بجات و سفره شمعی شروع اولمنی و یا خود موجود اولون
عسکر مز اشغال اولنوب روسیه لوبعض و سائل ایله اغفال
اولمنی خصوص لرینه دائر مذاکره رکذران اید رک صد
شوعسکر بوشی دو تمامک ایچون همان شمعیلر ده شروع اولمنی
وادیلرینه کلچک کنخدا بک جرابه ابتدا برله شمعی شروع
اولمنقدن ایسه سائر اقضا ایدن اسباب و ندر کارگزاری
فیش ایچند کاملا تمام ایچون محاربه مباحثاتی بها ره تعلیق
اولنسه مناسب و ملازمی سوائی صدر اعظم حضرتینه
ایراد ایلا کده صدر اعظم حضرتلری دخی بند بویله دیرم
لکن شوعسکر سفریو غیش دیوگردد و نخلری یرلرند آلتوق
طریقی نه در دیر رک او جا قلوبیه خطاب ایدوب نه دیرسن
شمعی شروع اولنسونخی دید کلند یچری اغاسی بزرا امر
قولیز دیمکله صدر اعظم حضرتلری تکرار کلام ایدوب
شبهه یوق جمله فر پادشا همزک امر قوللری یز لکن خدمت
دولت علیه دنا و کمزله خاطر کلونی و مناسب اولونی
سویلو سنز دید که اغای مومی اید عسکرک توقیفلری
اراده بیرر لدیفی حاله فرمانلر اصدار و ذ خایر و مزاجیلری
تسبیا راولنور ایچلرندن برازی طاغیلور ایسه برازی
طور و قشلا ایچون دخی عسکر ترتیب اولنور دیو بین الحصار
بوکا دائر و افرا بجات کذران ایلد کدن صکره صدر اعظم
حضرتلری حضاره خطاب ایدوب افندیلر مناسب اولونی

سویلیون بغه لم سذرک خاطر لیکزه نه کلور دید کلند رئیس
افندی جرابه ابتدا برله روسیه لو او ز رینه نبذ طریقیله
سفر اتمک و جوبنی شیخ الا سلام افندی بیا نیور دیلر نبذ
مسئله سی مشارا لهدن استماعزه کوره قبل الحکره او ز لیکزه
سفر مز وارد دیو دشمنه اخبار اتملور ایمنش بویله دکلیدر
دیچک شیخ الا سلام افندی و صدر روم توفیق افندی بربری
تعقیب اید رک دشمنک ملکنه اخبار اولمنقد رکه بزکی
علی الغفله با صوب غدر اید یکن دیمیه لر دید کلند رئیس افندی
انام کلومنه مبادرت برله نبذ بویله اوصی یعنی حاله کیفیت
روسیه لوبه اخبار اولمنی لوزم کلور اشنه شمعی اخبار رک
طریقی سویلشاملو دیچک حضارک بعضیسی اخبار ایچینک
قالدر لمسی و یا خود سرحد لر مز دن آنلرک سرحد لرینه اخبار
اولمسی طریقیلر یله اولور بوصولند سفره شمعی شروع
اید جک ایسک ایچی شمعی قالدر یله بیلور اگر شمعی
شروع اتمیوب بهاره قاله جن ایسه ایچی شمعی قالدر لمی
اوله بیلور می اوله مدیفی حاله اشبو مجلسنر ایچی به عکس
اتمامک ممکنیدر که ایچی فرار اتمیه اشته بونلر سویلشایوب
قرار و یرمللور بین الحصار ایچینک قالدر لمسی و قالدر لمی
دائر و افرا بجات کذران ایدوب حضار دن بعضیلری
جونکه ایچی قالدر له جن اوصی یعنی صور رند کتور دیلوب
شونی بونی قبول ایدر میسن نه دیرسن دینلوب قبول
اتمدیکی حاله قالدر یله جن بویله اولمقدن ایسه کتور دیلوب
تکلیفات ایراد اوضفدن صکره قبول اتمیوب و ولنه بازه یم

دیرسه پک کوزل یا ز دینلوب منزلته عودند ز صکره دولتی
 جوابنه انتظا و صور نیله بز بر طرفدن بهار ترتیبانه بفسق
 و بر طرفدن ایچی کوز حبسنه السنه دیو بعضیله یدخی بوضو^{تک}
 ایچی قالد رلقدن فرقی یوفدر کوز حبسی ایله محافظه ممکن
 اولیوب بهر حال فرار ایدر تکلیفات ایراد اوی جن ارضدن
 صکره همان ایچی قالد رمی لازم کلور دیو بوار الفده شیخ
 الواسوم افندی کلامه ابتدا برله اشته عسکر لر مز
 حدود لزه بو کافر لره پنجه یوک مد را اتملو کور ووب
 به کافر قریحی ویر میسن نه دیرسن دیوب رد ایله معامله
 ایندیگی کچی قالد رک شو کافر دی نملو بوندن نه لازم کلور
 دین عالیدر کافر بلد کلر ندن قالمسونلر دیمار یله بوضو^{تک}
 اجر اسی تدار کات تامه یه موقوف اویغنه دائر بعض
 ابخات گذران ایدر رک شمندی ایچی قالد رلد فد سفری
 اعلو نا تمش اولور بزیم عسکر مز ایسه اسماعیل و اوزی
 جانلرند اولوب بندر و خونین و افلاق و بغداد طرفلر
 خالیدر ایچی قالد رلد یعنی کچی کافر لر بوش بولد قاری
 سرحد لره و علی الخصوص افلاق و بغداد نه فیش ایچنده
 یوریمک لازم کلور ایسه حال مشکل اولور اول امرده
 عسکر و ذخیره و لوازم ایله بو محللر و مواضع مفتضیده
 سائره تقویه اولملودر صدد لر ی بعضی حضار د ف
 و خیری افندی دن سنوح ایدی بک شیخ الاسلام افندی
 کلامه ابتدا برله یا بز عسکر لر مز وارد یور ز بو محللره
 یوقمیدر عسکر مز نه محله در و نه مقدار در و بمکله ه

صدر اعظم حضرت لری جوابه مبادرت برله بزیم عسکر
 اور دوسی اسماعیلک در بر از عسکر مز دخی اوزیده در
 و اوزیده اولان عسکر مز فله الحمد والمنه اون ایکی بیک نفره
 بالغ اولور سر عسکر معیتند دخی وافر عسکر موجود و بر طرفدن
 دخی کتمک در دیدک مبطخ امینی حاجی سلیم اغا کلامه
 مبادرت برله سفر اوقده عسکر اسماعیلک طور مان زهر حاکم
 ایله رو کملو بوندن بشقه خان دپه سند برارد و ترتیب
 اولملو و خونین و بندر کرکی کچی تقویه اولملو ز بر اعدا
 بر قولدن یور مز شعاری اوزره طرف طرف کوشن ایدر کچی
 ظاهر دور دیوب قره حصاری احمد بک دخی مورحالی تقییب
 برله اولکی سفرده مسقولونک خونینه کلمسی افلاق و بغداد
 سهولتله کلیه جکندن نشأت اتمشیدی شمندی ایسه
 وجوه شتی ایله سهولت و ارا ز جمله مسقو و پنجه لوله دن
 حصه لری و پنجه نک بغدادن قطعه سندن اراضیسی
 وار و بونلر بر لر یله متفق اولملریله روسیه لوهز زما^ن
 اراده ایتمسه صور ریقه و مولود دن آز و قلد دفعه
 افلاق و بغداد نه کله بیلور و بو طرفلر دن کلد ک سرحد لری
 بریسی خیر اوله مز و بو ملک لری سکافی اهل ذمت رعایا
 اولمغله استیولری چوق عسکر دخی توقف اتمز بو یوله
 بلملودر دیدک حضار بینلرند بونلره دائر
 وافر بخنلر دوران ایلدیکی اثناده توفیق افندی حضاره
 خطا ج ایدر ک کلامه ابتدا برله شیخ الاسلام افندی
 بیور د قاری نبذ مسئله سنک ایکی شرطی وار ایدی

بری اعدایه سفر او یعنی اخبار اتمک بریسی و ولتمزک قدر
 اولی مسئله نبد اجراسی بر ایکی شرطه موقوف ایکن و دمندن
 برودوران بحاشه نظر اشطک بری مفقود کی کورینور
 یعنی دولت علیه نک قوتی اولی صورتی فهمه اف یور اگر
 فی الحقیقه قوت یوغیسه قوت وقتند نبد مشروع او یعنی
 کی ضعف وقتند ترکی دخی مشروع عدرا کرد ولتمزده ضعف
 واریسه ترک اولسون دیدک حضا ربینند بوکا ذر
 اقوال و ابخات بر ازدوران ایند کدن صکره شیخ الاسلام
 افندی قوتی تعریفه باشلیوب صدراعظم حضرتلرینه خطاب
 ایدرکن بزم شمدیکی حاله جنک ایدر جنک یکرکی او توبیک
 عسکر فرما و لمقدار عسکر اخرجنه قدر تمز یوقمیدر دیدکار
 صدراعظم حضرتلری بالوده بیان اوضیعی اوزره یا لکن
 اون ایکی بیک عسکر مز اوزید موجود در عسکر معینند
 دخی وافر عسکر او یغندن بشقه بر طرفدن دخی کتمک در
 دیچک شیخ الاسلام افندی ینه تعقیبه مبادرت برله کفره نک
 جمله سی بر اولسه بو قدر عسکر کافیدر عسکرک چوغی اینه
 یرا ما زایش کوره جنک عسکر بو قدر اولور کم من فیه
 قلیله غلبت فیه کثیره مؤداسی اوزره الله تعالی نصره
 کرم ایندک بو قدر عسکر مجموع کفار غالب اولور بو صور
 بو قدر عسکر اخرجنه اقتدار مز اوقده نبد مسئله سنه
 لوزم اولون قوت موجود اولمش اولور اشنه شرط دیدیمز
 قوت بو قدر دیدی بعد شمدی یوریمک و یا خود بهاره
 تعلیق اولمنی خصوصاً لرنه و عسکرک نه محله یوریمک

ماده سنه بین الحضا رب بعض ابخات دوران ایلدیکی اثناده
 صدراعظم حضرتلری بزم شمدی اسماعیلک و اوزید اولون
 عسکر مز یور تسک اوزی طرفدن قریم و قلیرون اوزرینه
 یوریدک بیلورز قلیرونک محاصره و تسخیر نه اقدام ایدر بیلور
 بو عسکر سائر قوللره و سرحدلره ایرشدیر یله مز دیمکله
 قره حصار یاحمد بک اگر بوسنه ایکی آی مقدم عسکر
 یور تسک قریمی آلن بک اسهل ایدی دیوب عطا بک دخی
 اشنه اغسنوس داخل اوهی اون بشندن صکره اولمظفر
 بروفت بر کمال اولن کرک دیوب موخالیله احمد بک
 ینه تعقیب ایدر ب بروندن قطع نظر وقت مذکور دن
 صکره اولمخالیکه دریا دخی بر حاله کیروب سیر سفاین
 بر در لومکن اوله مز دیمکله خیری افندی دخی کلومه
 مبادرت برله مسقوا و زرینه شرعاً و ملکاً سفر واجب
 اوه یعنی جمله مرکز معلوملر مز اوهی باشمز شریعت غرایه
 با غلور و ایشمز دخی شریعتدن ایرلما ز بو صور ایدر شمدی
 مباحثه افخ جنی ایدر خونین و بندر و افلاقی و بغداد
 طرفلرینک عسکر و لوازم و ذخیره جهنیه تفوییه لری
 و اسبابی مهیا و کافیمیدر کافی اولدی یعنی حاله محاربه
 مباحثه اولمقتدر ایدر سفر محقق ایدر کئی جمله مز بیلور
 اعلو نامکسزک بر طرفدن وار قوتی بازویه کتوروب
 بهاره دک ذخیره لرمزی و لوازمات سفریه مزیمکله
 ندرک و سرحدلر مرکز تفوییه لری اسبابی اکیال و بهار
 تقریب ایدر ب هر شیمز حاضر بولنوب اولوقت اعلون و طرف

طرف جهاد و غزایه صرف تاب و توان اولیسه خوشا و ملازمی
مناسبی افندیلر مزدخی و عناییلور قورلوکزک خا طریقه کلون
بودرینه افندیلر مزاعلمد و دیجک شیخ الا سلام افندی جوابه
ابنلار برله یا شو عسکر سفدیو غیمش دیوکر و دند کلرند
حال فصل اولور اصل مقصود شو عسکرک ثباتلریدر بنم
بلد کم بونک تا خیرند محذور و وارد دیوب رئیس افندی
دخی کلومه ابنلار برله مقابله ایدرک بوندن ما عدا بهار
ترتیباً تمزه البته فرمانلرا صدرا و اخ جی سفرا علون اولندی
حالت ترتیبات بهاریه نامیله چقا رملو کتیر نیجه ممکن
اوله بیلور اشنه سوز طولاشد رفینه بند مسئله سی
اوزره سفد مزی دشمنه اخبار و قشک تحقیقنه توقف
ایلدی اول امرده بو تحقیق اولنوب فروعاتی صکره
سویلشاملور و دیجک ایلی قالد رلسی صحبتی بین الحضاار
دورانده باشلیوب شمعی قالد رلسد دمندن سویلندیکی
و جمله کفارک ابنلار کله جکی افلاقی و بغداد رصد لر
درمیان افلاقی عطا بک کلومه مباد رف برله عسکره لوز
اولون ذخایرک معدنی افلاقی و بغدادن مملکتلری و لغله
اول امرده بو ایکی مملکتک مجموع ذخایری بر طرف نقل
اتلویز که اعدا ذخیره یه دسترس اولید دیجک رئیس
افندی جوابه مباد رف برله اگر چه شویله اولور دیو حکم
جائز دکلد رکن بنم ملاحظه م و سکسان ایکی تا رنجند
او یغنه کوره بزواروب حدوده محاربه یه قیام اتمد کچه
روسیه لوتجا و زانما مک عمل دکلیدر زیر سکسان ایکی

49
45
بویله اولدی ایدی اردومز آستانه دن حرکت اتمزدن
مقدم ایلی قالد ریلوب و قریم کرای خان چابوله تعیین
بعد بر طرفندن دارکانه باقوب خا منده آستانه دن
حرکت و عزیمت افندی تا قریم کرای خان واروب چابولایله
محاربه یه قیام اتمد کچه دشمن محاربه یه مباد شرف اتمدی
قریم کرای خانک محاربه یه قیامندن صکره روسیه لوتجا
محاصره سنه قیام ایندی دیجک قره حصاری احمد بک کلومه
ابنلار برله اولوقت دشمن اوچون ساعت بردن کله جک
ایدی بزم اردومز حدوده وارنجیه دکن آنلر دخی آنجی
کله بلدی لکن شمعی وقت اکافیاس و اخ مزیرا دشمنک
عسکری له ایچند و کرسون و سائر اوکوالدرده برادرم برده
کبیدر دیله دیککی بشا ون کونک ایچند عسکری حدود لر
ایصال ایدک بیلور دیجکله رئیس افندی کلوم اولنی تا بید
ایده رکن شویله اولور دیو حکم کلوم ملاحظه مح
سویلرم دیدی بعد صد داوزه یوب بالافره ینه ایلی
قالد رلسوخی قالد رلسوخی سنوا لرینه کیچک چاوش
باشی نعمان بک صدر اعظم حضرتلرینه خطا باید رکن
ایلی شمعی قالد ریلور ابد سوز دخی ایکی آیه دکن لوزمکری
تکمیل و سنجاع شریفنا یله ادرنه به عزیمت ایدوب آندک قشملور
دیجکله قره حصاری احمد بک دخی تا بید ایدوب صدر اعظم
حضرتلری عدم امکان صورتلرین اشعار ایددیجک حضرتلر
بعضیلری بر طرفندن اقدام و کچه کوندن اهتمام افلاقی
ندارک سفدی اکال اولنوب بهاره عزیمت ایچون مهیتا

طور یلور بعد ایشی کوستر بوندن صکره طبیعت
 مصلحت نه بی ایجاب ایدر سه او یله جه حرکت اولور یعنی
 قشویه یکدملک اقتضا ایدر ایسه کید یلور بهارده چغلمغه
 فالور ایسه چغیلور صورت حرکت مصلحتك اقتضا سنه
 کوره مربوطدر لازم اولون مهتا بولمقدر کلامرین
 بیان ایدوب ندرکن ولوا زمان صبحی اوزه به رفهد
 عسکره لازم اولون ذخایرک هر محلک موجود بولمنسی
 مقتضی ایدر کنه کلوب شویله اولموبویله اولموبصحبترکی
 بعض حضار دن سنوع اتمکله بعض حضار کلوب ایشدار
 برله بزم سا بفرده سفر لر مزده حرکتزدن اول هر طرفدن
 ذخایر من مالومال موجود می ایدی خدا کریمدر مصلحت
 قرار کیر اولوب ایشده شروع اوقافه بر طرفدن ایشده
 باقوب بر طرفدن دخی ذخیره نک حسابا لومکان جمعنه
 سعی اولور چکنکی سفرد ه ذخیره بولامدیغمز اولدیمی
 دیجک قوه حصار ای احمد بک وانعا سفر سا بقله بندروغان
 دپه سنه وارلدغه ذخیره فلندن قاج کون وافر جمت
 چکلدی توفیق افندی برسئوال ایدریم دکن کلوبه
 مبادرت برله معا ذالله تعالی شمعی کفایر فلو عمر دن
 برین آلسه و خبری کلسه نه با پار ز ذخیره ولوا زمزم نام
 دکل دیوسکون می ایدر ز دیجک نیچه سکون اولنور ایشده
 علوجنه با فیلور جوابی بعض حضار دن سنوع ایدر دیجک
 ینه توفیق افندی کلوبه مبادرت برله اولزمان فصل
 اولور ایسه اشنه شمعی ویله اولموبورددیدی بویاید

۴۶
 50
 بین لخصار و افرا بجات گذران ایدوب بعد رئیس افندی
 کلوبه مبادرت برله صوفیه طرفک مذاکره سی در میان
 اولمندی ولدخی سوبلشیلور در محل مذکورده دخی لوجلا^{حنا}
 تقویه ایچون عسکر تعیینی لوزمد ر زیر آنچه لودخی
 روسیه لویله متفقد ر علی قول وندیک دخی بونلرک
 طرفدار لغند در روسیه لویله معیتا تسون اتمسون
 بز اوچنی دخی دشمن بیلور ز ایشمز اکا کوره رابطه
 ویرملویز دیدک توفیق افندی مقابله برله رسیده لو
 اوزرینه سفرا و فده نجه لو برابر می جنک ایدر بوخه
 برعانت می ایدر دیجک بلنه مز لکن بز جنک ایدر
 دیملویز جوابی ویرلدی بعد صد دد ولوشده رف
 ینه ایلیچینک قالد رلمسی و ادرسنه کیچک درویش ملوا^{فندی}
 کلوبه ایشدار برله بنم ملوا حظه مه کوره بهاره توفیق
 اولنسه فیش ایچند مصلحتنری کور ملک خوش اولور
 ظن ایدر م مسطورا و هی یعنی اوزره شو عسکر بوشد و نمک
 لوزم کلور صحبتلری اعادة اتمکله ینه ایلی شمعی قالد من
 ویا خود تا خیرا و لئمن صحبتلری بین الحضا را عاده و در میان
 اولنوب شمعی قالد رلسه نه صورتله قالد رملو
 سئوالی بعض حضار دن سنوع ایدر دیجک بیاغی کتور دیلور
 تکلیفات دولت علیه ایراد و قبولی تکلیف اولنور نرد
 ایدر یکی کی قالد ریلوب جوابی ویریله جنک لوله ایلی^{مصلحتی}
 افندی مقابله ایدوب ایلی تکلیفات مذکورده بی دونه
 یا زایم دیر ایسه جوابی کلنجیه دکن تا خیرا و لئما می


۲
 ینه سزا علمستر دیجک شیخ الوشم افندی
 باوده

هم اولوقته دن ایکی اوج آی کچرایدی کلوملری ایرادایله
ایلیچیک قالد رلمسی تاخیری مرادایدیچک ایلیچ دولشنه
یازد فدن صکره جواب کلنجیه دکینه سفرندار کاتمری
کورمکه باشلیه جغزندار کاف کز لواله مزاول الغده
ایلیچ فرده بی طویوب فراراید رجوابی بعضیلردن سنوح
اتمکله نقیب افندی و خیریا فندی و حضار دن بعضیلر
فراراید رنه لوزم کلور وارسون فرار اتسون کلوملری
ایرادایدیچک رئیس افندی و حضار دن بعضیلری
جوابه مبادرف برله ایلیچلر رهن کبیدر روسیه
ممانکنده بو قدر تجار و آدم لرمز و تجار سفینه لر فرورد
ایلیچ لده اولد فده دشمن بونلری ایلیچویوب صالیویرمز
دید کلرند نقیب افندی یا ایلیچ مجبید مرد اولور ایسه
نصل اولور دیچک رئیس افندی جوابه مبادرف برله
ایلیچ قالد رلد فده بالکز کند و قالد یرلمز سوکابی
وسا ر منعین آدم لری واریسه قالد ریلوب بعد تحری
اولنوب بولنان روسیه لودن ایلیچیه منعانی اولنلر
ایلیچینک یاننه وضع و منعانی اولیا نلر طرف اولور لدر
کسان ایکی سنه سنه ایلیچ ایله معایتمش فدر آدم جیسر
اولمشیدی جوابی ویرمکله نقیب افندی تسلیم ایلدی
ایلیچ قالد رلمسنگ صبحتی وزه یوب محاربه نر بهاره
قالد فده اولوقته سکز آی واریلیچ بی شمدید قالد رمنی
نصل اولور عجباً کسان ایکی سنه سنه نصل اولمشید
صبحت لری بعض حضار دن سنوح ایددیچک دفتر امینی

سیمان رشید افندی جوابه ابتدا برله آند دخی سکز آی
مقدم قالد رلمشیدی دیچک رئیس افندی کلامه ابتدا برله
ایلیچ بود فده کتوردیلوب قریبک ردی و سار تکلیفات کندوبه
ایراد اولنوب روسیه دولتی بویله جه قبول ایدر ایسه
تجد بد صلح ایدر ز طرفینه آسایش و امنیت حاصل اولور اولور
امنیت جا بنین مفقودا و لغله بین الدولتین محاربه درکاردر
دینلک و ایلیچ بوضورتی دولتمه یازیم دیه جکی طبیعت
مصلحت دن نمودار اولمغله پک کوزل یاز لکن قرق الی کونه
جواب استر ز جواب کلدیکی حاله سفر مز محققدر دینلک
وبعد ایلیچینک محافظه سی صورتنه تفتید اولمنی صورتی
مناسب ایسه بوضورتله سفر مز اول یعنی روسیه لویه اخبار
اولمنش اولوب نبد مسئله سی شرطی یرینی بولمنش اولور دیوب
بوکار دار وافر کلوملردخی بیان و بوضورتند عسکر فرقت
اتمک ایچون اشده روسیه لوشرفدر مهلت یرلدی وقت
مذکوره دک جوابی کلدیکی حاله ویا خود جواب رد کلدیکی
حاله اوز ریمزه سفر مز محققدر یرلریک زده ثبات ابد سز
دیبه رک فرمانلر و بها رتربیا اشده دخی بومضمونده سفر مز
وارد دیه رک او امر شریفه یا زلمن ممکن اید و کنی نغزیم
وعیان اتمکله شیخ الا سلام افندی ایلیچ قالد رلمد فده سفر مز
خلن اعتماد اتمز بن ایشک ایچنده یم بکا بله اعتماد کلز ایلیچ
قالد رلمسی بهاره قالمن مناسب دکلد ر محذوری وارد
شمدی تاخیر اید لم دیسک اولوقته دک ارالغه کافر لردن
برمفسد قاریشوب و عارضه کیر رهمان رأی حسن

بوندك بقیة ایلی قالد ولد قه هر کس اعتما داید ردیمکله
صدراعظم حضرتلری بکچری اغاسنه خطا بایله اغانه دیر
ایلی قالد عسکره خواهش کلور می یعنی قالدتمسنگ فاندی
اولور می وشو عسکرک طاغلامسینی و جمع اوله جنی عسکرک
کرویہ قالمه ملرینی موجب اولور می دید کلرند اغای مومی
ایله البتہ بوفاند لرد کاردر شمدیکی عسکرک عودت
اید جکلری تمز وکله جکلری بهر حال شوفله کلور وهر کسه
و مجموع مأمورینه اعتما دکلی حاصل اولور دیوب حضاردن
بعضیلری دخی تأیید ایلد یلر برار افند آستانبول ذخیرسی
مخافظه سی کیفیاتنگ مذاکره سی دمندن قرأت اولنان
کاغده مسطور ایدی آنکدخی علاجه بافلماو کلومی مکی
افندی وسائر بعضیلردن سنوح ایدیجک صدراعظم حضرتلری
جوابه مبادرت برله ذخیره خصوصی عنایت باری ایله
روم ایلی طرفلرندن تنظیم اولور دیور رئیس افندی دخی
خدا کریمدر دیک توفیق افندی نعقیب کلوم اید و با جلفند
کیم وفات اتمشآنک علاجه بولنور الله تعالی رزاق و کریمدر
دید ایلی قالد رمن و بعد ندر کار کات سفریه بر طرفدن
ادا اولندرق بهاره سفر اولمنق رأیلری بین الحضا رندا
اید رک قرار کیرا ویلی نوقت قالد رلسه سئوالی
ایراد و برمدت تأخیرا و لنسه ایلی طویوب فرار اید جکی
کلوملری عاده اولنوب بوکادار و افرا بجات و طول و دران
صحتلر کذاران اند کدن صکره بالوغه پنجشنبه کونی رکاب
همایونه رخسوده اولمنق ایچون شیخ الاسلام افندی قبری

۴۸
52
کلور بشقه او طه ده قعود و ایلی دعوت اولنوب ار کجه
عرض او طه سنه کور دیلوب صدراعظم حضرتلری بعض
مناسب مقدمات ایله روسیه لوندک مصالحه دنبر و تکرر
ایدن اطوار و حرکاتی جهیله دولین بدیلرند امنیت منسلب
اور یعنی وامینتک حصولی قریبی دولت علیه یہ ردی و بوندن
بشقه طرف دولت علیه دن ایراد اولنان ماده لرن رو سیدلو
طرفندن قوتی صور تریله حصوله کله جکی بیان ایدرک
قریمی رد و مواد سارده بی قبول ایدر میدسنه دیر سن
سئوالی ایراد اتمک و ایلی مسفور شرده ایلدیکی کبی معلومک
اولسون اوزر یکره سفر من محققدر و سن بدی قله ده
مسافر من سن دیمک و بو وجهله ایلی قالد ولد دن صکره
رکاب همایونه رخسوده اولمنق اوزره بین الحضا ر
بالو اتفاق قرار ویرلدی قرار مذکور ی نعقیباً صدراعظم
حضرتلری کلومه ابتدا برله بوصور رند قره دکزده
اولون د ونمای همایون سفینه لرینی بر طرفدن او جه
بشر بو طرفه جلبک طرفینه باقلویز دید کلرند ترسانه
امینت افندی جوابه ابتدا برله اوزی به مرتب
دو نما نک قالمسی مناسبتد دیو خبر ویره یور لرد دیک
صدراعظم حضرتلری نیجه اوله بیلور دیکک ترسانه
امینت افندی بیوک سفینه لرد کل اینجه ونما سفینه لر
قالمو ایمنش دیمکله حضار دن بعضیلری اوزید الی بدی
قارشی بو ز طرتا رد ونما نیجه طوره بیلور و طور سه
نه فاندی سی ولور اینجه ونما قالسده هیچ طبانه مز بهر جان

قره به چکملو بوسورند عبث و خطر لو اولمغله جمله سنک
جلبی مباسیدر دینلدی رئیس افندی قرار مذکور ی تعقیب
ایدن پنچشنبه کوننه اوج کون وارا اول کونه دکن یعنی
ایلی قالدربنجیه دکن بوجلس خارجی تجاوزا تملوزیر ایلی
استخبا وایدرایسه فرارایدن  کلوملری صدراعظم
حضرتلرینه اخطارایدکن صدراعظم حضرتلری بمین
ویره دکن جملیه بنیه اتمکله حضار دن جمله سی بکربان اوله
برفرده افشا اتمامکله تعهدایدوب جناب دولت علیه به فرز
ونصرف احسانایلیه وعباد مسلمین حفرندن خیرلراید
دعاری و دعوات خیریه حضرت ظل اللهی علی الوفاق
ایفا اولنوب مجلسه ختام ویرلدی حضرت رب ذوالجلول
شوکلو کرامتلولی نعمت عالم حضرتلری اولو وایجاد لرلیه
سیر سلطنتلرندن دائم و برقراره وظل ظلیل عنایت وشفقتن
کافه عباد اوز لرندن قائم و درکاره واعدای مشد کینی
مقهوراً و منهنزماً و اصل دارالبوار ایلیه آمین بحرمت
رسول الثقلین **وقوع مشورت** واخذ وحبس ایلی مسقو
شهر ذی القعدة نک اوچجی خمیس کونی باب آصفیه عقد انجمن
استشاره مراد اولنوب شوسورند که حاضر مجلس شوری
اوله جنی ذوات کرام اتباع قلیله ایله سرای آصفینک
آرد قیوسندن دخول وایچرویه نزول و مقام مشورند
مشول ایلیله لر اراده اوفیغی اوزره ساعتان ایکیه ^{کن}
دعوت اولنان علما افندیلردن شیخ الاسلام افندی ایله
صد رین معز وللری و پایه لولری ورجال هولندن کتخابک

و دفر دار افندی و رئیس افندی و معز وللری و اوجا فلر
اغاری پاشا قیوسند کائن فواری قصره و رود و هر کس
یر لرینه قعود ایلدیلر برکون مقدم بعض خصوص مذاکره
سیچون وقت مذکورده باب آصفیه موجود اولنسون
دیور و سید ایلیچینی دخی بیوک دره دن رسماً باب
آصفیه احضاره و ایلیچیرک موقفاری اولون مسافر
اوطه سند قرار ایندر لیش اولمغله ایلی مسفور ه
ویریله جک جواب و عرضا و حق تکلیف مقدمه کرا را
و مراراً اهل مجلس حضراتی بینلرند مذاکره و مشاوره
اولمشا و ریغندن همان ایلی مرسوم دخی رسماً مسافر
اوطه سندن انجمن شورایه ادخال و اسکله سند
اقعاده اولنوب در عقب صدراعظم حضرتلری شریف
و دیوان شرفانی و ساطه سیله اجرای مراسم آشنای
ایله ایلیچیده اولون وحشت و دهشتی رفع و خاطرین
نایف ایلدیلر چونکه ایلیچینک بش اوزن ماهد نبر و رئیس
الکتاب افندیلرک سابق و لو حقار یله کذرا نایدن
مباحثه و مناقشه سی و خصوصاً سلیمان فیضی افندی
مکالمه لرند سبقتا یدن مناقشه سی یکایکان صدر
اعظم حضرتلرینک و حضار مجلسک معلومی و فایده
مساعده دهر ایله قینا رجه مصالحه سی و بعد آینه لی
فراق مکالمه سند و خصوصاً خلاف شروط معاهده فریم
اولکاسنی بعداً استیلا و ترتیب اولنان بالجمله مصالحه
و تصدیق نامه لرده درج اولنان انواع شروط سخیفه دن

صکره ندادن ایله کلری بر قاج ماده مکر و هدی دولتمک
مطلوبیدر دیو تمسینه اصراره و دولت علیه طرفدن کند و
تکلیف اولنان مواد جزو ^{تک} جوا بنه گاه اولماز دیوانکاره
و گاه دولتمه یازیم دیو ترفیف ایله وقت امراره ایدوب
کند و لری بر طرفدن سفینه لرین تکثیر و روز بروز اسباب
عذر لرین توفیر ایله کلری و کلری دولتک و کافه امت
محمدک مجزومای اولوب فرضاً ذکر اوفریغی اوزره مطلوب
اولان ماده لره رخصت ویرلدیکی تقدیرده یینه ناک
طور میوب شوکت اسلامک ضعفی مستلزم اولور مواد
سائره یه نصدی اید جکی اطوارندن آشکار اولغله همان
صدراعظم حضرت لریله شیخ الاسلام افندی ایلی یه خطاب
ایلیوب شمده دکن مکالمات بیهوده ایله چوق وقت
امراره وری و مراد لر معلوم اوهی خلاف معاهد
اسنیوا ایله یکر قزیمی دولت علیه یه رد ایدر میسن
یوخسه نه دیرسن دید که ایلی بعض محله قونسلوس
افامده سی امید لریله برسنه دن زیاده معارضه
ایله کدن صکره هنوز فیصل ویرلمدیکدن عجا بوکه
و بونک امثالی ایشلریمه نوجهله رابطه ویررم خیال لرنک
ایکن دفعه قریم ردی تکلیفی ایشدیکان عقلی باشندن
چچرا بوب والله و متخیرا یعنی حاله دولتی طرفدن بومرئیه
رخصتی اولدیغنی بیان ونیه اوغراد یغنی بیله میوب
دولتمه یازیم دیه رک متعلقاً بعض کونه عذرین
اعلان ایله دی چونکه مسقولونک یکر می سنه دنبر و اطوار

54
و کفتار خاطر خراشیده دولت علیه یه و عامه مسلمینه
ویردیکی تلاشی خارج از تحمل بر معنی و من کل الوجوه مغایر
فتوی و تقوی و لغین یدی سکر ما هد نبر و سراً و علناً تقوی
سرحات و سوق لشکر و اعلا دمهمات ایله صدراعظم
حضرت لرینک اجای اوقات ایله یکی ایلی مسفورک خوشونی
ظاهر اولور ایسه جسسه قالد رلی مصلحتنه مبنی اولغله همان
شیخ الاسلام ^{فنی} نیت خالصه ایله برد عای مستننا انشاء و کافه
مستمعین اوازه تأمینی رفع ملود اعلی ایله دیر بس ختام
دعا عیبند ایلی بر الحاقون باشی ترجمانی پزانی و خواصر
اتباعندن برایکی نفاذ ادم ایله محضراً فایه تسلیم و اثنا بح
راهد حرف انداز لری ایدر اولور ایسه منع و دفع ایچون
بر مقدار ادم ایله صوب باشی وورالرندن نبدیلو درگاه عالی
یکچر لری اغاسی دخی تقدیم بیوریلوب محافظه سنه اهتمام اوق
یدی فله محبسنه تسیره و رؤسای دولت بل کافه اقویا وضعفا
امت بمناوی فوز و نصر طله منوجه درگاه رب قدیر اولوب هر کس
تسویه مهمات جهاد و غزایه ساق و ساعدین تشمیر ایله دیر
ایچینک و اثبا عنک حج و سائر طاقم لرندن برشی ضایع اولیه رف
بقیه اتباع وید کلریله محضراً غا طرفندن جمع و تمیم و طرفندن
قبضنه تعیین ایله یکی کسنه یه تسلیم اولوب آلی ماهه د
مسقولون دیا راسلومک کسنه قالمده سی اوامر علیه نشریله
اطراف و اکافک ضابطان و حکامنه توصیه و تلقین و استا
سعادتنک مسقولونک روشن ایشلر تسویه و کذلک آلی
آیه دکن ولو پلرینه تسیره بالفعل دفتار امینی اولون دفتار است

سلیمان را شد افندی بیاضی او ز رینه فرما نایله تعیین ارضی
نشر او امر با اطراف و سرحدات منصوره بودند بدی سکر
ماه مقدم دولت علیه طرفدن مسقوی بچیسبله مکالمه به شروع
اوضیعی اثناده بر طرفدن دخی لوجیل الا احتیاط کلی عساکر ترتیب
و دولت علیه نک دخواهی و لیوب نقص عهد صور ندری رونما
اولدینی تقدیرده مدافعه یا خود محاربه اولمنی ضروریات
وقت و حالدن او یغنه بنا را اولوجه تنظیم و لنان لشکر
بر طرفدن سرحدات منصوره به سوتی و تسریب اولنور
ایدی ذکر اوضیعی او زره ایلی مسفور ایله مکالمه متمد اولوب
بشانی ماه مرور ایلا کک اسماعیل اردو سنده و اوزی
و غیر سرحدات ندری بویله جمع ایله دن غرض نه دیر دیو
عسکری طائفه سی رؤسایندن استفساره آفانده و حدای
دین ایله جنگ و پیکاره خواهش لرین ابراز ایدر لر ایدی
بر صورنده عسکرا سلامک جمعین لرین حمایت ضمنده صورین
حالی کند ولره انها مقنضیات وقت و حالدن او یغنه
ما عدا ایلی قالد رلدینی کون کافه اهلای سرحدات و سایر
اقتضا ایدن لره کیفیت حالک اعلام و نه کونه حرکت اید جگله
افاده و افهام اولمنسی اقدم امور دن اولغله اسماعیل
و خونین و بندر و اوزی و سایر محللرده جمع اولون عساکر
اسلامک نژاید جمعین لری خصوصنه اهتام و سرحدات
منصوره نک حراست و محافظه سنه سعی مالو کلام ایملرین
حاوی و کیفیت مقنضیات فسخ صلحی محنوی و ائل ذی القعدة
دیوان همایون فلند و مفصل و مشروح متعدد داوا مر علیه

تحریر و علی جناح الا سنجال سرحدات و سایر اطراف
بعث و تسیر ارضی صورت فرمان بعد اولوقاب معلوم
اولو که مسفر کفره سی قینا رجه معاهد سنه عهد نامه لره
درج ایدر دیکلی انواع شرایط مکروهه ضمنده اکتساب
ایلدیکی منتمعات و منافعه قناعت تمیوب مجرد ضمیرند
مرکز فساداتی اجرا ایچون قریبی تحریک ایدر کن نتیجتاً مه
نایله آیینه لی قواق ده ترتیب ایدر دیکلی معاهدیه دخی
در علیه به و مسلمینه انواع مضراتی مرجب نیجه مکروهه
شرطلر درج ایدر و ب برندن فضلته تجارث معاهد سی
نایله سکسان بر ماده او ز رینه مبنی کذک در لودر لو
شرایط مکروهه دینی محنوی بر معاهد دخی تکلیف و آنی دخی
تحصیل اتمشیکن سوزنده طور میسوب اصل مقصودی فریم
خطه سی او یغنه دن ذکر اولنا قینا رجه و آیینه لی قواق
معاهد لرینه بالکلیه مغایر اولر رفی دفعه فریم جزیره سی
اسیلا و حد و دلره عساکر مخوسه سنی تعیین و دولت
علیه بی ندر کسز بولوب قریم روسیه لونک اولمنی او زره
سند و یرر سکر و یرک و آو عسکر مز حد و دلرده حاضر
اولغله جنگ و حربیه مهتیا یز دیر رک خواه و نا خواه سند
مذکور دخی سند یکی کی تحصیل ایدوب خطه فریم کون
بوفد و مسلمین و نسوان و صبیان و ارا مل ایثام موحدینی
اسیر مثلوا یفلر آلتنه آلوب رعیتی حکمنده نذیل ایله حمیت
اسلامیه نک بر وجهله قبول تمیه جکی حقار ندری اخوان
مؤمنین حقلرند اجرا ایلدیکی و مصالحه د نبر و مجدد

مسلمينه ضعف و فتور و بيمك و دولت عليه نك محاربه
قرئنی سلب ايلك داعيه فاسد سيله پيد رپی در لودر لو
تكليف و حد و دله عسکر تعيينيله كوستر شرايدرك و ك
عليه بي ايكن برده ارد و لور و سكر نرتيبي و عساكر
تسييري و درونمای همايون اخراجيله على الاتصال انواع
مصارفه كرفتا را تمكدن خالی و ملديغی و خلاف عهد
دولت عليه مك توابعات قديمه سندن اولون نفليس
خاننی تصحبايد و بوسيله ايله كورجستان و آذربايجان
طرفارينه القای فتن قبدند او قلمی جمله به معلوم اولديغند
بشقه بوندن مقدم دخی فلد مارشال پوتكين نام جياث
ايینی آلمش بيك عسكرايله حدوده تعيين ايلد كريني ايلچيسي
رسمادولت عليه بي محاربه به دعوت ايمش او قلمی عهدنا
مقتضای اوزره دولت عليه نك حق اولون ماده لردن
از جمله فرار ايدن بغداد و بوده سنك ردی و نفليس
خاندن ان چكمه لری و شروط مقتضای اوزره اوزی
اهالیسنك قلمرون كوللردن طوز المرينه ممانعت ناملك
تكليف اوضدك بونلك جمله سنی رد ايله جواب و يروپ
بوجهله معامله لری دولت عليه به سوء قصد و خيانت رینی
شامجه اشعار ايدوب مقتضای غرور لری اوزره و فله
رفته دولت عليه به ضعف و بیره رك معاذ الله تعالى
ملك اسلاميه بي رعيتلری حكمنه قومق اراده فاسد سندن
او قلمی متباین اولوب بونلردن امنیت بالكله منسلب
اولمقدن ناشی علماء و علوم و رجال دولت ابد قیام و اوجا قلم

56 52
رجالی ايله بر قاج دفعه عقد مجلس شوری و معاملات مذكوره
در میان و مذاكره اوضدك مسقولونك اهل اسلامه خيانتی
ظاهر و فيما بعد امنیت بروجهله جائز اولديغی باهر اولمغله ه
اوزرينه سفر و لمنی واجب و تركی غير جائز و موجب اثم عظيم
دير جانب شيخ انوسلومدن فتوی شريفه و يريلوب سار علماء
اعلام دخی تا ايد ايلد كلردن رجال و اوجا قلم دخی بالوثفاق
روسيله لور اوزرينه سفر و لمنغه قرار و يرمليله و يريلون
فتوی شريفه و اتفاق ارايله مسقولور اوزرينه سفر و لنوب
و جاهد و انی سبيل الله آيت كريمه سی اوزره اقامه فریضه
جهاد و غزا و اعلاي كلمه العلیا به اقدام خصوصه اراده
قاطع شاهانه تعالی ايلد يكدن آستانه عليه ده مقیم
روسيله ايلچيسي يدی قله به حبس و لمنغه بر طرفدن لوا سعادت
التوای حضرت مفران بيا عليه ازکی التایا حاله صدر اعظم
ستوده شیم و وکیل مطلق قوی الهم دستور مكرم مشير مفخم
نظام العالم ناظم مناظم الوم يوسف پاشا ادام الله تعالى
اجدوله و ضاعف بالثأب اقداره و اقباله و بالجمله اوجا قلم
رجال و نفقات و سائر اجناس طوائف عسكریه قوللم ايلد
سفره اخراج اولمق تدارك اشد اقدام اولمقده در وقت
حر كلمی دخی بمنه تعالی بوندن صكره او امر شريفه مله
اعلان و فحقدر الحاله هذه سزكه محافظ و مولانا و سائر
مومی الهم سزكيتنی سرحد لور قوللمه و ضابطان عسكریه به
اعلان و اشاعت برله قلعه مرقومه نك كافه اسباب محافظه
و نظريه سنی استحصال و وارنه قلعه سنه مأمور نفراتك نفرق

اتمام لرینه و محافظه به قیام ایملرینه اقدام برله جمله کز بالوتفاق
محافظه قلعه وانخایه اقدام ولیل و نهارمیتقظانه و مشصرانه
حرکت وجوانب اطرافه اجاله انظار بصیرت و چگونگی حال
و حرکت کلردن دانما استخباره و بوندن صکره صدوراید جک
امر عالیشانم موجب عمل و حرکت و لازم اولونها اولون احوال
و اناری پیدرپی در علیه مه تحریر و اشارت ایملکز فرمانم
اولشدر **وزارت جره زاده میر میران احمد پاشا و ماموریت**
وزیر مقصد پاشا روسیه ایلیچینک حبسه قالدیرلدی
اشناده مقدما سرحدات منصوره اسلامیه ایچون اعداد
اولتان عساکر مرتبه دن اتفاقاً اولایامدا جوارا سکدارده
واقع جیدر پاشا صحرا سنه تواردایدن وزیر مقصد احمد
پاشا و میر میران جره زاده احمد پاشا دن هر هرینک معینلرینه
اولون میری عساکر ایله قبوری خلقی ایکیشربیک بشریوز
سوارى عسکره قریب اولمغله مومی ایله جره زاده به برطوخ
دخی احسان و رتبه و آوی وزارتله اسماعیل سردسکری
صدر سابق علی پاشا اردوسنه اقامته مامور و مشارالیه
مقداد پاشا دخی خورین بالوسندک واقع چرنوره بوغازلرینه
محافظه به تعیین اولنوب لکن معینندک اولون عسکری ضبط
و ربط خصوملرندک مسیبا و هیغنی توانرا اخبار اولمغین
بغدان رعاسنه مرحمه ماموریتی بندره تحویل و بندر
باشبوعی اولون دارندکی وزیر ابراهیم پاشا حدود مذکورده
محافظه به قیام ایلیچون فرمان عالی شرفصد و اولمشدر
قرايت خط شريف در باب عالی سفرها یون تحقیق عقبنده

صدر اعظم حضرتلرینک استقاولی حاوی و او جا قلدرو کافه
خدمه هرلک منقا د امر و نیی اولوب قراعد و قوانین قدیمه لرینه
رعایت ایدرک اتحاد قلوب ایله هر کس لوازم سفریه سنی رویت
و وقت حاجتک متفقاً حرکت ایملکه کسب مکت برله جمله نک
اتفاق و اتحاد و کفایت مهام غزا و جهادی اکمال و تمیمه سع
واجتهاد ایلمسی ایله وصایای سائر ملوکانه بی محوی برقطعه
خط هما یون مها بتمقر و نک قراٹ اولمنسی باعث نراید شوق
انامره و مرجب تهنیج اعصاب غیرت عسکرا سلام اولمغله اولنا
مفضل و مشروح برقطعه خط شریف حکمت ردیف املو
و شهردی الفطک نک سکرخی کونی باب اصغی به تقدیم و سرا
بیورلدی یوم مذکور دن برکون مقدم استماع خط شریف
مهیا اولتی ایچون رجال اولتدن نا طولی محاسبه جیسندک
و او جا قلدرا غالی کا ثلریله سرای اصغی به دعوت اولنوب
عموماً حاضر اولدلی حال صدر اعظم حضرتلری دیران
یرینه نزول و مقام لرینه قعود ایلیوب بزمین و یسارندک اولون
رجال و او جا قلدرا اغالرین کشیدک سلك شهود ایلدیکی
اشناده قهوجی باشی شهر یاری ایله خط شریف مهابت
ایف دخی ظهور و انواع دهشتی القای قلوب نزدیک
و دود ایلدی پس صدر اعظم حضرتلری لوازم توقیری
اکاله استعمال و سرزد باندا ناسقبال و تعظیم و جلول
ایله خط شریفی اخذ و قلشیم و رئیس الکتاب سلیمان فیضی
افندی تسلیم ایلیوب جانب مطرم مناقب شهر یاریدن
تقدیم بیوریلون مجوهر شمشیر بهرام تأثیری میانه اخلاصه

بند و دعا و تأیید پادشاه سعادت مند اید و ک مقامند و جوع
و حضاره اسماع ایچون صوت بلند ایله رئیس کتاب اقدی
خط شریف مهابت ردیفی قرآنه شروع ایلدی یکر می
سند دنبر و امت محمدک مسقولردن محاربه و متارکه و مکالمه
لرند کورد کلری اوضاع بارده و چکد کلری معامله فاسد
و اشتد کلری اجوبه کاسد لرندن خاطر لری دلگیر و ملو ^{عند}
خاسریندن هر کسک درونند بر کونه داغ جایگیر اولغله
استماع عبارت رقیقه لطیفه خط هما یوندن صدر اعظم
حضرت لری و سایر رجال و عموماً مستمعین طرف طرف
کریه و دعایه آغاز و شهر یا رانام و عموماً صا کراسلا ^{مک}
منصور و مظفر و عدوی دینک زیر شمشیر امت محمدیه
مقهور و مدمر اولملری متناسی مطلبلرین درگاه اجابینا
حقندن رجا و نیاز ایلدی لر خط هما یون قرآنی خانی عقبند
مرتباً صدر اعظم حضرت لری دامنی تقبیل اولوب دعا
و ثنا و رخ هر کس محلته عودت و مضمون خط هما یون
بیاضا و زره بشقه بشقه بیورلدی فرمان لری اولوب
او جا قلدک هر هرند قرأت ایلدرلدی **صورت خط شریف**
سنکه وزیر اعظم و بالو استقاول و یکل مطلق و معتمد سن
جمله معلومدرکه اجداد عظام نور باله مرافده حضرت لری
بومملکلری کفر و ضالو لند تطهیر و تسخیری وزرا و رجال
و ارجا قلو و صنوف عسکریه نک ظلم و اسرافدن تماشی
و کوکل بر لکیله اتفاق و پادشاه لرینه و ضابط لرینه اطاعت
و از جوق دیمیرب قناعت و جهاد فی سبیل الله دیو دشمن

فانرسند

قاوشوسند نیات ایلارندن اقتضا ایتمشد الحمد لله الملك
المغال اعلاوی کلمه الله و دفع تسلط اعدا ایچون بر موجب قوی
شریفه امت محمد فرض اولون جهاد و غزاقولری فتح و کثا د
و جنود موحدین طرف طرف جنک و صواش ایللری ایچون و امر
علیه م نشریله جمله یه اعلونا و لنعنله ایلدی سندن مجزوم
اولون صداقت و درایت لوزمه سنجه اشبومها تم سفریه م
و کرک ممالک محروسه و عسکریه یه دار و سائر قانورلرک
نظام لری ارباب ایله بالو استشاره عهد استقاولکده نفویض
بر له سنی تشریف و استقاولکی اعاون و تأیید ضمنند خدمت
ایچون اولون قوللرمدن سرفهوی قولم ایله اشبوح خط هما یون
و بر قطعده مجهر سیف دشمن تلف ارسال اولنعنله مینا نه
استقاولکده بند و همان حرکت سفره مباشرت شویله که
اقتضایه کوره حرکت اوج حق اولغله جمله کید جنک و جال
و اوجا قلم تدار کلرینی کوروب چقمی اوزره مهیا اوله سر
و کچن سفر کچی الوبش و سفاهت ایله ارد و قلبه لغی اولیوب
هر کس حد نه کوره سفر رجالی او هیغنی قیافندن مشاهده
اولند حق صورتله عزیمت لرینه تنبیه و علی الخضر صا و جاقلو
و عسکر لری قوللریمک یول و ارکان و قانورلرینه رعایت
اتملرینه تأکید جمله حاضر اوللره و صکره دنا یسید نله معلوم
اولسونکه اشده مسقولردن نیت و قصدی قریحی سنیوسند
و قره دکره کثرت اوزره کیسار کز مه سندن نه او هیغنی ظاهر
چقدی بوندن صکره عاریت اولون بر حیاة ایچون اهل
اسلامک حقارت لرینه قلدند زره قد رایمان لری اولندر

نجه تحمل اید و لر جمله ما ملکم بویولد اظہار غیرت و ثبات
 ایدن قولریمد بخشدن الله و رسول و جیبی رضا سپون
 اتحا و قلوب ایلہ جمله کز متانت و عسکری قولریمد دخی
 ضا بطری نصیحتاریله بوندن صکره ہرنہ اولولوا ایسہ اولتون
 غیری بوندن اشاغیسی یوقد رجملہ کزہ بالذات وبالواسطہ
 نبیہ شاہانہ ام و رکہ اطیعوا لله و اطیعوا الرسول آیت
 شریفہ کریمہ سی اوزرہ ابتدا ظلمدن و اسرافدن
 و اولوالامرہ و الحالہ ہذہ سردار اگر مکر اولون صدق
 اعظمتکم امرینی طوتمہ مقصدن اجتناب و رضا اللہی
 تحصیلہ سعی ایدن سز و سزدن کوچکلہ سز دخی ایدردہ
 بنم وزیر صداقت سعیدم اولوسنی لله ذوالجلال حضرتلرینک
 برکنہ و نانیہ جملہ رجال و اوجاقلو و عسکری قولریمی
 دخی صون صمدانیہ اعمتہ دایلہ سکا امانت ایلدم امر
 اولوالامرہ مطیع اولیا نلر و خلوفکنہ اولنلرک تا دیب
 و جزالرینی و سکا اطاعت و خدمتدن صداقت و دشمن
 قارشوسند ثبات و برادر لقلری اولنلرک لویقلری و زر
 تالیف و قایلرینی کذالک سکا حوالہ ایلدم کورہیم سنی
 شرع و قانونہ رعایت و عدل و انصافدن ایرلید رق
 حرکت وان شالله تعالی علومت فرزند و نصرت اولور اطور
 مرغوبانہ اظہار نہ غیرت ایلید سز رب العالمین بوقوجہ
 و عزیمت لریکزدہ سز لری و بن ^{ماہر} محتاج قولونی مایوس تیموب
 بودین و غزایولند دشمندن اخذ انتقام ایلہ جملہ ترک
 مسرور ایلید و اغور یکزی آبق و سلامتد احسانا ایلید آمین

نشر بیان نامہ باطراف دول برای اعلون سفر ہما یون
 چونکہ دولت علیتہ نک مسقولوا ایلہ سکسان یدی تاریخند
 واقع اولون قینا رجد مصالحدہ سی اثناسند بر مقتضای وقت
 و حال صلحنامہ لره ادخال اولنان عہود و شروط دولدر
 قاعدہ سی اوزرہ بعد ختام المصالحدہ تنقیح و نور ملاحظہ سندہ
 مبنی و طرفین جنک اوزرہ اولغین امر محار بہ نک بران اقدام
 منقطع اولوق امید نہ مبتنی اولوب خصوصاً اولوقک
 مرخصدینک تأمل و تأخیر و قتلری اولمد یغندن ناشی
 مواد مصالحدہ بر مقدار مساعد لو اولدیغندن بشقہ عبارت
 صلحنامہ دخی چندان مربوط و مضبوط اولما مغلہ نیچہ سنین
 نزاع منقطع اولیب بلکہ تاریخ مزبور دن صکرہ اموال
 فراوان صرف اولنہ رق دولت علیتہ طرفندن بر قاج دفعہ
 کلی عساکر سوق و تشریب و اسما عیل حوالیسنہ اردو
 نصب و ترتیب اولمنشیدی بنا و علی ذلک بر قاج سندہ
 مرورندن صکرہ آستانہ علیتہ دہ واقع ایدیندی قراق
 نامہ محلہ تنقیح مواد مصالحدہ بہ مباشرت و بر قاج ماہ طرفینک
 مرخصدینک محل مکالمہ بہ مداومت اولیب ذکر او فریغی
 اوزرہ فی الاصل جنک افق و صلح اوضیفندن تحریر اولنان
 مادہ لر عمومی شامل عبارتی حاوی اولغین جنک اثناسند
 اولون صلحک بعد ختام المحار بہ وقت اسایشدہ برخوشجہ
 تنقیحی قاعدہ دولدن ایکن کمال حیلہ و خیانتلرندن ناشی
 اولقاعده بہ دخی رعایت ایلد کلرندن مکالمہ مذکورہ دہ
 دخی دلخواہ دولت اوزرہ برخوشجہ تنقیح ممکن اولیبوب

مشوا از جمله تجارت ماده سی عموم اوزره اوه یغند بنا
محت رابطه به ادرج مراد اوه قد مجالس عدیدک دن صکره
کلو مشعبه لند رکن طقساندن تجا و ز شروطه بالغ اولوب
بونک امثالی هر بر ماده ده ابخات کثیره جریانی عقبند
عهد مصالحه قریب اوه یغند ن صلحه خل کله سون ملاحظه
قی چوق تکالیف مزخر فرسی قبول اولوب تصدیق نامه لر
اخذ واعطا و نزاع منقطع اولمش دیوامضا اولمشیکن
کمان حیله لرندن ناشی خانلغی شاهینکرایه مخصوص اولوت
دعوالین التزام صورتلرند کویا اهالی قریبی کند و سنه
بعیت ایند رمک مصطفی فاسده سی ایچون دفعه خطه
قریمه کلی عساکر اذخال و رفته رفته خیانتن اولکاک
قریمی ضبط ایلیک مرتبه لرینه ایصال ایلدی بوندن
صکرینه کند و حالند دور میوب بر طرفدن بحر سیاهد
کزه جک تکه لرین توفیر و بر طرفدن درلودر لومواد
مکر و هده نک قبول اولمشی خصوصند ساق حیله و خده
تشمیر برله هر مجلس مکالمه ده ضعف اسلامی موجب
نیچه دعاری باطله نک تمشیتن التزام و دائمی کند لرینک
باعث قوتی اولور تکالیفک قول اولمشند جد و اهمام
ایدرک معاذ الله تعالی دفعه دولت علیه به برجیانت
ایلیک مقدمه مانتن ترتیبه ساعی و قاری حرکات باطله
وسکانات عاطله لرندن تمامجه آشکاره و مرکوز طبیعت
فاسده لری اولون صنایع کاسده لری هر وجهه معلوم صفا
و کبار اولغین بالوغره و اما تخافن من قریم خیانه فانی

الهم

۵۶
۶۰
ایهم علی سوا ایه کریمه سی اوزره مسئله بند رعایت
افرق ویریاون فتوای شریفه مرجحه ایلیاری حبسه
قالدیر یلوب اعدای دین اولون مسقولر اوزرینه سفر
هما یونک ایجاب و تحقیق ایلدیکی بر قاعد رئیس الکتاب
سلیمان فیضی افندی تسویدی و جابجا شیخ الاسلام افندی
تصحیحیه بیان نامه لر تحریر برله بش اون کون مرورندن
صکره دول سائره توکشلرینه علوم و اعوان و علی وجه
التفضیل جمله به توضیح و عیان قلندی صورت بیان نامه
دولت علیه ایله روسیه دولتی بیند سکان یدی تارخند
واقع مصالحه دی رعایای جانبینک رفاه و آسایشی ملاحظه
ترجیح ایلمشیکن روسیه دولتی طرفدن درلودر لوصفوته
منافی تکلیفراعمال و حتی قینارجه صلحه اساسن تخاذ
اولنان قریبی عهد و شرطه مناقض بفته استیاد و فيما بعد
میانده قان و قیللرفع و امنیت تامه حصولی ویریاون
سندده مشروط و طرفین عهد نامه سند بربر لرینک
سرا و علانیه علیهنه بغض عمللری اولماقی دخی مصرح ایکن
دولت علیه به تبعیتنی مشعریدند منشوری اولون نفلیس
خاننی تحریک و درون تفلیسه روسیه عسکری وضع
و خان مومی ابهی تصحیح ایله کورجستان و حوالیسند
واقع سرحد لر می اخلاول و دستکش فراغ اولسی فاده
اوفرقد رد ایله جواب و اوزیلونک قریمدن معین اولون طوز
کولرندن طوز اخراج اتملری علی الوطوق مشروط ایکن
اهالی سرحدده درلودر لواذا و جفا لر ایله ممانعت و

ایفای تکلیف ارض قد اندن دخی امتناع و پرنج رتبه سند
اولان بغداد و یوده سنی قونسلرلری اضلال و دولتلری
ایله فرزند شرجه ردی طلب ارض قد دولتمز رد اتمزدیو
ایلیسی قطعیجه جواب ایله شرطلری الغا و نقض و بوجه
مماثل نیجه شرطلره دیلد کلری معناری ویره رک سوء
قصد لرینی اظهار و افوق و بغداد و اطه لره و اهل
اسلامه مضرا اولان لزومسز محله قونسلرلر وضع ایله
بالجمله رعایای دولت علیه بی اضلال و بعضیلرینی مملکتلرینه
نقل و بعضیلرینی ملاحق و سائر خد متلرده استخدام
و علی الخصوص ضابطان و عمال و امنای و یوده لر حتی
چلد روالینک و افوق و بغداد و یوده لرینک عزل
و تأدیبلرینی ابرام ایله نظام ملکه مداخله و روسیه تجارت
بروجه سربستیت ممالک محروسه ده امنای و سالماً ایفای
امر تجارت و دیلد کلری محله کشت و گذار لرینه خصص
ایله دولت علیه اظهار مرورت ایلدیکی بتون عالمه
معلوم و مقابله بالمثل قاعد سی اوزره دولت علیه
تجارینه دخی اولمجهله معامله اولمقن مشروط ایکن
کند لره امر تجارتی حصراتمک ایچون دولت علیه تجارت
الدقلری رسر کرک دول سائر تجارتلر بر قاج قات
زیاده ارضی و بلاد روسیه ده ویره سی اجه لرینی
تحصیل مراد ایلدنلری مملکتلرند کزد رمیوب بو وجهله
آوجقلرینی تحصیل مانع و اکثرینی خائب و خاسر کرویه
اعاده و بعضیلرینی اعدام و دولت علیه نک تجارت سفینه

دولت

روسیه اسکله لرینه بر فرزند تقریبی و یا خود صوالحت
کچی بر ضرورت و اقتضا حسبیله یناشتی مراد ایلدکده قرشون
آتوب و یناشد رمیوب منع ایلد کلری و اراضی صوغون
کلون کیدن کیماره طوب اتدقلری و علی الخصوص تقلیس
خانی ماده سنی سائر بیاغی شرطلره ادخال و طوپدن
برسند و یررایسه کزنه اعلا و آلا بوش شرطلرک اجراسی
ایچون پوتمکین نام جزا لمر الممش تمیش بیک عسکر ایله
حد و دله تعیین و روسیه ایچرا طور نیجه سی دخی کلر
دیور روسیه ایلیسی رسماً هرت علیه یه ایراد و ابرام
ایله محاربه یه دعوت و پوتمکین جزا لک بو قدر عسکر ایله
حد و دله مأمور قند یعنی ایرادی تمام قریحی استیولرنده
ایلد کلری وضع و طور لرینک مثلی و لمقدن ناشی
اولکی افعال و اعمال مخالفه لرینه علوی ایله امنیتی کلیاً
سلب و سوء قصدی متحقق و انساب امنیته سبب قوی
قریمک روسیه لوستیولر سند قائمه سی اولمغله قریحی
قدیمی اوزره ترک و مصالحه جدید و بطیله دستلغک
استحکامنه دولت علیه رغبت اتمشکن روسیه ایلیسی
بوماده لی دولتمه یازمه مم و یا رسر دخی بر فاده بی مفید
اولمز و معا عذاره و اغا ایلدیکی شرطلره علوه ایله ولتم
بو قریمدن کچمز دیور بوماده یه دخی قطعی جواب و یرمکله
اشبوعلتلره مبنی و دخی تقداری قابل اولیان خفی و جلی
نیجه علتلره سببلره مبتنی اهل اسلام اوزرینه جهاد فرض
اولمغله دولت روسیه اوزرینه هرت علیه نک سفری

متحقق اوصی یعنی حشمتلو رعبتلو اولود و ستمز اولون
فرا بجه دولتك باصره انصاف و حقانیت ایله مطالعه
وملا حفظه لرینه حواله ایله اعلون و اعلام ایچون اشبو
بیان نامه ویرلشد **ذکر ترتیب عساکر باردوی**
همایون و تسیر لشکر برای محافظه فروع سرحدات پادشاه
ربع مسکون برندن اقد مجد بیان اوضی یعنی وجهله اعدای دین
ایلیسی قالدیر یلوب سفر همایونک و قرعی هر کسه اعلون
وتیسه اسباب محاربه به قیام اولمنسی ستانه علیه ده
تنیسه لازم کلنره خط همایون و بیورلد یلرایله افهام
و بیان اوضی یعنی عقبند وقت و زمانیه هر کس بر لویرندن
حرکت و نوروز فیروزده ادرنه صحرا سنک معسکر همایون
وصوله شتاب و مسارعت ایلك شرطیله اطراف و اکنافدن
عسکر ترتیبه شروع اولنوب افلوق و بغداد و سرحدات
منصوره دن خوتین و بندر و اوزی قلعه لری محافظه لرینه
دخی بهاره دن محافظه ایچون بشقه بشقه شتا عسکر لری
ترتیب و مواکدا و امر علیه ایله قری الوقتدار مبادر لر
کوند رلسی تصویب برله لازم کلون محارک ذخایر و مهمت
وصا کر ایله تشحین اولمنسته جانب صدر اعظمیدن وقت
تام و سعی مالو کلوم اوضی اردوی همایون ایچون ترتیب
اولنان وزرا و میر میران و میرالویان الویه و صنوف
عسکریه دن از جمله در تیوز نفر قیو خلقیله ایچ ایل متصرفی
وزیر یوسف پاشا و ایکیوز الی نفر قیو خلقیله نیکه متصرفی
وزیر نصوح پاشا و یوزالی نفر قیو خلقیله قره سی سنجاعی

متصرفی وزیر درویش پاشا و ایکیوز نفر قیو خلقیله عاقبت
سنجاعی متصرفی بیجان زاده علی پاشا و ایکیوز نفر قیو خلقیله
اقرای متصرفی عبدالله پاشا و ایکیوز نفر قیو خلقیله
اقشهر سنجاعی متصرفی سلیمان پاشا و یوزالی نفر قیو خلقی
کنخدا سیله کوند رملکه خداوند کار سنجاعی متصرفی عثمان بک
وبیک یوز نفر قیو خلقی و ایکی بیک نفر عساکر میری ایله کنقری
و بوزوق سنجاق لری متصرفی سلیمان بک و ایکیوز نفر
قیو خلقیله قره حصار صاحب سنجاعی مستامی و در تیوز
نفر کزید عسکرایصالند صهار و خان سنجاعی مستامی
قره عثمان زاده الحاج محمد اغا و بشیوز نفر ایله اصحاب
اقدار دن کنشی و علی ورقه و قرمان و حلب یا ایلرینک
عموما و ارباب تیماری و اناطولی و روم ایلینک یحیی
ویسار و اورتی قوللرند واقع قصبات و قراده مقیم عموماً
سپاه و سلحدار و جاقلری نفراتی و کافه یکچر و قرل
اوغلری ایله جبهه حی و طوب عن بره چی نفراتی و روم ایلینک
اچر قوللرند واقع متصرفه و چاوش کد کلر لر یله دیوان
همایون و دفتر خانه کاتبی و کذالک اناطولی و روم
ایلینک اچر قوللرند ساکن مهتران خیمه خاصه نفراتنک
واصناف سائره نک ذکر اوضی یعنی اوزره بر نفری کید و
قالیده رق هر زمره سر کرده لری بیداعی الله مجتمع اوضی یعنی
حاله نوروز فیروزده ادرنه صحرا سنک اردوی همایون
اثبات وجود ایلملری ایچون طفرای غرایله معنون اوامر
علیه ایله عجاله هر کسه تنبیه و تأکید و هر صنفک اقضاسنه

گروه مباشری ترتیب و تسییر ارض رق وقت مذکور
معسکرها یونہ ملحق اولاری تشدید و تأکید ارضی
مقدم کرده اشارت ارضی و جمله اعدای دین ایلیسیله
مکالمه ارضی اثناده وخواه دولت ابد پیوند اوزره
در میان اولنان مراد پذیرای حصول اولدیغی صورت
ابواب محاربه نك کشاردی لو بدایدیکی ماو حظه لرینه
مبنی لأجل الاحتیاط اسماعیل قصبه سی حوالیسند صدر
سابق علی پاشا سرعسکر لیکله بر مکمل اردو تنظیم و محل
مذکور سد حدان منصوره نك هر طرفه سمت اولنی ملا بسته
حین حاجت اول طرفدن هر جانبه امداد اولنور فکر یله
اکثر لوازم و ما یحتاجی اکیان و تمیز اولمشیدی پس
اعدای دین ایلیسی قالدیر یلوب سفرهما یونک تحقیق اشکا
و هر طرفک استحکام و تقویه ننه امکان مساعد ارضی
رتبه لوده سعی بیشمار اولمغین اردوی هما یونک
اول طرفله ورودندن مقدم وقت اقتضاده اطراف
سد حدانه اعطای تقویه مدا را اولنی مصلحتی ضمنند
اردوی مذکورک عساکر و مهمات ایله تکثیر و توفیری
دخی امور مستعجله مهمه دن اولمغله اناطولی و سیواس
و مرعش و آدنه و اوزی ایالتلرینک زعمای و ارباب تیمار
و ایکیوز نفر ایله دوقه کین متصرفی و بیک نفر کند و طرفدن
و ایکی بیک نفر میری جانبندن اولنی اوزره قور و احمد پاشا
زاده محمد پاشانک تجهیز و تسییر ایلسی و قدرتی خلیل اغا
طرفندن یدییوز اولی نفرک ترتیب و تسبیلی و دپه دنلی

علی پاشا

۵۹
۶۳
علی پاشانک کلینتو قپوسی خلقندن ما عبد ایکی بیک نفر میری
پیاده کوند رمسی و روم ایلینک اوج قولیلله اناطولینک
صاغ قولنک یکچری دلو و لرلی اردوی مذکورده قتلوتی
ایچون مرکدا و امر شدیدک تحریر و کار گزار مباشر لر ایله
هر برینه بشقه بشقه تسبیل و تسییر ارضی کذا لک افلاق
و بغدادن مملکتلری دولت علیه نك کیلوری مثابه سنده
اوه یغندن بشقه اکثر اها ایسی نصاری مقوله سندن
اوه یغندن ایچلرند نا اعدای دین طرفه میل و رکوف
ایدری اوه یغنی اتمالدن بعید و لما مغله بر رباشبوغ
نصبیلله معیتلرینه کلی عساکر ترتیب ارضی رق مملکتین
مزبوریه قینک و رعایا سنک اخلاوندن حمایت و قایتی
و خصوصاً اعدای دینک بغدادن طرفه مرور و عبور
ایدجکی معبر لریک حفظ و عراستی اقدام مور دن
اولمغین بیک نفر میری پیاده و ایکیوز نفر قپوسی
خلقیله اوغری متصرفی اسماعیل پاشا و اوچبوز نفر
قپوسی خلقی و بیک نفر میری پیاده ایله ایلبصان منصرفی
عبدالله پاشا و هر بیر اغی یوزیکرمی نفر اولنی اوزره
اردوی اسماعیلدن التمش بیراق مقداری سردنچدی
عساکرینک ترتیب و ارسالی کذا لک اردوی مذکور دن
اولنی اوزره ضابطان و نفرات و طرف عرب سیله
مکمل بر عدد طرف عربی اوزره سنک تنظیم و ارسالی
فرمان اوه یغندن بشقه آستانه علیه دن دخی بیکر نفر
اولنی اوزره مکمل اون عدد یکچری اوزره سیله

بیک نفر دن اوج عد دجده جی وایکی عد دطربجی اورطه لری
 جانب میریدن اقتضا ایدن کفایت لری کاما رویت و تمیم
 ارض رق ترتیب و بیوک میرا خورلنی پایه سیله درگاه عالی
 قیومی باشیلرندن باشبا قیولی سابق چایر زاده برهم غا
 مباشد تیله روز قاسمدن بر ماه مقدر بغداد زجا بنده
 سوق و تسیر اولنوب عساکر مذکوره بی اعمال و ادار
 ایچون بغداد باشبو غلغی دخی وزیر مقدا د پاشایا حاله
 و تفویض ارضی بغداد زجا بنده مماثل افلاق طرفی محافظه
 و محارسه سیچون دخی سماعیل ارد و سنده موجود اصناف
 عسکر دن اوج بیک نفر ک ارسال و تسیر یله بر عدد
 مکمل طوبی عمر به جی و رطه سنک تنظیم و ایصالی و پیکری
 اورطه لرندن پیکری بش جماعت ایلله او تونز بر بلوک
 اورطه لرینک افزان و تقدیمی و پیکار حصار ی و سایر
 روم ایلینک مناسب محل لرندن یوزیکر میشر نفر ایلله
 الی عدد سردنجدی بیرا قلرینک کشاد و موسم شتاد
 مقدم مملکت مزبور ده اثبات وجود ایلاری او امر
 علیه ایلله بشقه بشقه تبیه و تأکید اولنوب باشبو غلغی
 دخی وزیر ابوبکر پاشایه سپارشی و توصیه بیور لری
 بوزلردن ما عدا افلاق و بغداد بکلرندن هر هرینک
 قیور لری خلقندن بشقه کند و طرف لرندن اولتی اوزر
 اوچر بیک پیاده عسکر ترتیبی ایلله هر بری مملکت
 عساکر سائر مرتبه ایلله حفظ و حراسته بذل ما حصل
 قدرت ایلاری کند و لره بشقه بشقه تبیه و تلقین

60
 64
 اهلی سرحدات منصوره دن خوتین و بندر و اوزی
 قلعه لری هر نه قدر اهالی و یماق و محافظین ایلله مستحکم
 و ذخایر و مهمات و جبه خانه لری قلاع سائر نسبت
 اکل و اتم ایسه دخی اعدای دین ایلله اعلان محاربه ارضی
 عقبند مترتبات جدید ایلله تقویت و استحکام لری مقتضیا
 وقت و حال دن اولغله بیک نفر میری و ایکیوز نفر قیوسی
 خلقیله برزین متصرفی سیفال دین پاشا و ایکیوز نفر
 قیوسی خلقی و بیک نفر میری ایلله کوستندیل متصرفی
 محشی پاشا و ایکی بیک نفر میری پیاده و کیتلو قیوسی
 خلقیله تر حاله سنجاعی متصرفی دپه دنلی علی پاشا
 و اسماعیل ارد و سنده موجود صنوف عساکر دن بشیک
 نفر کزید عسکر ک افزان و محافظه مذکوره تسیر
 و هر بیراخی یوزیکر میشر نفر اولتی اوزر الی عدد
 بیراغک سلوری و حوالیسندن کشاد اولنوب هنگام
 شتادن مقدم محافظه مذکوره ده اثبات وجود
 وقت سرما دن حلول موسم بهار ده دک مکائد اعدان
 حوالی مذکوره بی حفظ و حراسته بذل مجهت اولتی
 او امر ایدک و جانب صدراعظمیدن مکاتب شدید
 تحریر و تقدیم و بونک امثالی بندر و اوزی سرحدات
 مقدار و افسان عساکر و مهمات ترتیبی ایلله اسباب
 استحکام و تقویت لری من کل الوجوه اکمال و تمیم ارضی
 محال مذکوره دن ما عدا آستانه علیه جوارند واقع
 قره دکر بوغازی و حوالیسندن کائن قلاع دخی

تقویت و توفیر عساکر و تکثیر مهمات ایله استحکام
ومتاندرینه بذل مکنت اولنوب قرمان والیسی وزیر
سلاحار مصطفی پاشا صداقت و غیر الله اقرانندن مستثنای
اولغین آلیوز نفر قیوسی خلقیله بوغاز مذکور ایله
اطرافنده کائن و سائر اناطولی ساحلرند و واقع قطع لرک
مخافه ایله مخارج ایدرک هر طرفک امر محافظه سنه قیام
ایلیسی با امر عالی طرفلرینه اعلام و افهام و کندوسی
بیقوز نامر محله آرام ایلاک اوزره قرار کاهنه نظاره
و یریلوب وجه معاشی دخی محاسبه اول فلند مسطور
او یعنی اوزره اولخصوصه توتی ایدن لر معرفت ایله هو
تسویه و اتمام اوضی چونکه فتح مصالحه دن مقدم
سفاین اعدای دینک سواحل بحر سیاهند هر طرفه
آمد شدی میسر و آشنا اولوق تقریبی ایله فرصتیاج
او یعنی صورتک هر جانبند ایصال خسار اندیشه کاسه
سنه اوله جعی امر مقدر اولغین بحر مذکور ساحلرند
اقضنا ایدن محالرک جنود نصرک موعود موحدین ایله
املا و تشحین و سواحل مذکوره ده موجود اولون فروع
و بقاعک هر وجهه استحکام و ترصیفی لوزم کلکین
اناطولی ساحلرند سینوب حوالیسی محافظه سنه
منسوخات و توجه ایلی و صفلا و بیغا و کلیبولی زعمای
و ارباب تیماری آلابکر ایله تعیین و بشیوز نفر ایله
حلب بکر بکیسی و بولی و قسطهون قضا لری و یوده
و متسلرینک عساکر و افره ایله بولی و قسطهون ساحلرند

65 کید دشمندن و قایه ایلاری خصوصنه اعتنا و دقت
ایلاری او امر ایدک ایله فردا کند و لره نبیه و تلفین
اوضی کذا لک بحر سیاهک روم ایلی ساحلند واقع
افیولی و اخند بولی و مدیه و مسوری ساحلرینک
معنا الله تعالی تسلط اعدادن حمایتی اعظم امور دن
اولغین بوندن مقدم وزارتی رفع اولنوب متقا عدای
ولایتک اقامت اوزره اولون روسحقلی چلی اوغلی
سید حسن پاشا نک مسوری حوالیسی حفظ و عراست
و مأمور معیتی اولون عساکری احسن و جهله اعمال
و اداره به بذل مکنت ایلیسی شرطیله وزارتی بقا و ذکر
اوضی یعنی اوزره محل مذکور محافظه سنه بعث و اسرا اولنوب
سواحل مذکوره دن سالف الذکر محالرک دخی قریب
جوار لرند واقع قصبات و بلدانک اعیان و اصحاب
امتیازنه کذا لک مؤکد امر لر تحریر و هر کسی موطن و بلدانک
دلووران بهادر لر ایله کند و محالرینه قریب اولون ساحلرک
وقایه سنه و حین حاجتک ایفای لوزم مردانکی و ابراز
مآثر یکانکی ایدرک مأمور محافظه سی اوضی یعنی محالک
حمایه سنه بذل تاب و توان ایلاری سپارش و توصیه
افریق محال محرره نک زمان یسیرده عساکر و فیره
وفیه ایله تعبیه اولمنسنه اهما م و دقت اوضی بحر سیاه
ساحلرینک صعوجوق و انا په طرفلری برأ اعدای دین
اراضیسیله مسامت و یکجهت بلکه طرفینک زمین تحدید
همان بعضی میا و جسیه نک جریانی آلت اولغین اعدای

دینک اول طرفدن دخی قدر تیا ب او یعنی تقدیر ده ایضا
 خسار ایند چکی آشکار و بوضو رند موسم شتا کزدان
 ایدنجید دکن اولحو اینک دخی بازده خسار اولمدن
 وقایه سی لوبد ایدیکی بدیدار اولغله اولوبهاره دکن
 حفظ و حراست اولمنیچون محافظترینده اولمر علیه ایله
 نبیه و تأکید و بعد هنگام شتا حلول ایدوب انجماد
 میاه ایله روی زمین هموار و هر جانبدن دیوار عدایه
 ترکتنا زایلک حالتدی نمودار او یعنی ائناده فوت فرشته
 جواز ویرلیوب هر جانبدن مرز بوم کفاره هجوم اولمنی
 امرای چراکسه و اباز و دواعستان و سائر اولزمیند
 موجود اولوب جانب سلطنت سینه به منتحی ولون قومک
 کبار و اعیاندرینه سپارشی و توصیه و طربزون یا لئی
 توجهیله سواری اولن اوزره کلیتوقو خلقیله بواثنا ده
 صوغوجن طرفده امرار اولنان دورکی الاصل وزیر کوسج
 مصطفی پاشانک دخی اقوام مذکوره ایله خبر لشد دکن
 حفظ بیضه اسلام و تاخت و تاراج بلود کفار لئام
 ایملک اطوار تک ابراز نه نه کونه اقدام اید چکی بالمکاتبه
 کند و سنه تلقین ایله ارات و تربیه اولمشدر بوندن
 بشقه بهاره دخی وحوالی ایچون قره دکن طربزون
 و جانیک مثلوسا حلا نندن کفایت مقداری پیاده صکر
 تحریر ووقتیله مرور و اعلاوی کلمه الله بدل مقدور
 ایلماری حالوقی اقتضا ایدن ضابطان و حکامه کوند ریاض
 اولمر علیه ده املو و تسطیر اوضی نقل هما یون پادشاه

۶۲ افاق بسا حلسرای آینه لی قراق ترسانه عاوه جوار
 66 واقع آینه لی قراق سرای فی الوصل قرارگاه سلو طین
 پیشین و اقامتگاه ملوک فرخ آیین ایکن اولمقام و لجر
 برمد تدنبر و النفاط سلو طیندن دور و سایه سعادتر
 خواقیندن مجبور اولوب امتداد مرور و اعصار و استمرار
 انفلوج روزگار ایله بنیانند و هن سریان و اکثر
 محلی مانند دل کاتب ویران اولغین اولجا یگاه فرختر
 خلیفه عماردن معطل و نصاب اعتبار ملوکدن مهمل
 قائمه سی جواز داده هم جمشید توأم شهر یارام اولیوب
 اجیاسنه اراده قاطعه ملوکانه لری تعلق اتمکین بند خاص
 الخاص شاهانه یعنی صدراعظم بیعت اخصاص پادشاه
 رشکنساز اسانده سنما رپسند اولون طبع معمار یدر یله
 مجد دایره میرا خور اول شهر یاری و هجوار سرای اولون
 مرحوم و مبرور ابوالفتح و المفازی سلطان محمد غازی
 مسجد نک تکرار ابنا و اعماری مثلوا بنیه جسیمه علاوه
 سرای مذکورک اکثر بیوت و قصور کاشانه لرین محو و
 اثبات و قتی چوق محلدی مجد دای انشا افق رق نمونه غرف
 چنان اولن اوزره مدف نه ماهه دکن خنامه قرین
 و بساط نادره و انواع اقمشه فاخره ایله فرش و تزیین
 قلند قدن صکره شهر ذی الفعد نک یکرچی و چچی جمعیارستی
 کونی پادشاه عالم شهر یا فرخنده دم حضرت لری بالیمن
 والوقبال سرای دلو دای بشکطاشدن کافه حشم ملوکانه لر
 ساحلسرای نوبنیان مذکور همانند آفتاب جهانیا ب

پرتو پاشا اجلاول اولوب بر ایام اول جای دلورانه
ارام و اندر معتاد شاهانه لری وزره مشتای همایونلر
غرام بیوردیلر ساحلسرای مذکورک فی الاصل وضع
اساسی دفعه بروقد اولیوب بلکه وقت وقت هم ملوک
منقذ مین ایله صورت کالی اکتساب و بالآخره مشهور اولون
وجهله طعنه زن بنیان نه قباب اولمشدر حتی محل مذکوره
ابدا وضع بنا ایدن سلطان ابراهیم خان مغفر نشان
وبعد حرم همایون دائره سن فرزند ارجمند لری سلطان
محمد خان رحمت عنوان بنا و احیا بیوردی اعظم
ثقافت روات صحیحہ الکلمات دن عنعنہ ایله استماع اوفیغی
اوزره عهد احمد خان غازی دن اوتوزیدی و علی قول
اوتوز سکن تاریخلرند مساکن و بیوت ایوان سائر
بیرونی دخی بنا و انشا و همت ملوکانه لریله اقامتکاره
سلو طین اولمغه شایان برجایگاه دلور اولوب بوندن
صکره خواقین و سلو طین عدل آیین کاه کاه هنگام خریف
وبهارده او بجایگاه نشاط افزایی قرار کاه اتخا ذ و کشایش
خاطر مقرون آب و هوا سندن اکتساب صنوف النذاز
بیور رایدی بودخی بعض پیران ساخورده دن منقول اولون
روایات صحیحہ دندرکه سلطان احمد خان صب علیه
دیم الغفران حضرت لری محل مذکورده ظهور افکن اقامت
اولد قلی هنگامه سامعه همایونلری استماع حواری
مبشره دن خالی اولمزایدی پادشاه عالم ظل الله علی الوم
حضرت لریک دخی سایه افکن عالم شهوار و مینت بخش

آریکه وجود اولد قلی اول ساحلسرای دلور اولمغی
کوشزد محرق حقیق اولون روایات عمیمة البرکات دندر
آدام الله تعالی دولته الشریفه و اطال علی المسلمین ظلوه
آلور یفده ساحلسرای مذکورک ختامند اعمال اولنان
تاریخلردن بکلجی دیوان همایون محمد راشدا فندینک انشا
ایلدیکی بیلت تاریخ کشید مسطر اثر اولمغه امری کورنمکین
بومجله درج و املا اولمشدر بیت خامم دولبله سربلدی
تاریخ دلکشن آینه لی قواق نه کوزل بولدی صورتی
ذکر نصب خان بجانب قربان اوتنه دندر و عدای دین
اوزرینه سفر همایونک و قوعی علون و هر کسک قهر و
ند میر دشمن دینه قیام ایلمسی فرمان اولنوب هر صنف
یر لورندن حرکت مباحث ایلدیکی اثناده اقوام
تاتار دخی بر طرفدن دیار نحو ستمدار کفار ترکانه زو خانمان
دو زخشان اعدای حواله سیلاب تاریخ اتمکه آغاز
ایلمک قاعد دیرین و رسم پیشان اولمغه مدخ و فوؤد
حمیه ادر نه حوالیسنده پیغوله نشین انزوا اولون دور
خانک برادر صغری شهباز کرای سلطان حضرت لری
بوندن مقدمجه یعنی وائل شهر شواله جانب صداری
دستگاهیدن آستانه علیه دعوت و شاهزاده
جوارنگ کائن سلیم پاشا قونا غنده اقامت ایندلمشید
مشارایهک قوم تاتار به برلیغ ران حکومت اولمسی
تصمیم و حضور فائض النور خسروانی به دخول ایله
مظهر النفاذ پادشاه جمشید دیهیم اوله جفی کند سنده

مقدّمه افاده و تفهیم و لشمش و لشمش شهر ذی القعدة نلت
یکرمی سکزینجی بازار رتسی کونی جانب صدر اعظمیدن
اعداد اولنان مرتین اسبلا ایله شریچا و شان دیوان همایون
تشریفاتی و سائر واجعی رجائی استصحاب برله اون نفر
مستمداد ملریله مشار ایلهی باب آصفی یله ایصال و کبار
وزرایه اجرا اولنان مراسم حقلرند ایفا اون رق حضور
جناب صدر تپناهی یه ادخال ایلدیلر صدر اعظم
حضرتلری قیام و عرض و طه سی میانند استقبال و حذر
بیوروب اجرای مراسمدن صکره بر مقدار خلوت و مخفیاً
منادمه و مصاحبت ایلد کلری اثناده رکاب کامیابه
رومان اولمنی استیذاننی حاوی تقدیم اولنان تلخیصه
مساعده همایون حضرت جہانبانی ارزانی بیورلدیعی
خبریلله ببرد ار لر کئنداسی غا و رود ایلدیکی آن صدر
اعظم حضرتلریله سوار و سلطان مشار ایله جانب
یسارده سوق و هوار ایدرک شیخ الاسلام افندی
ایله ملاقات ایچون یالی کوشکند عنانکش قرار اوایلر
قصر مذکورده مولونای مشار ایله ایله دخی بر مقدار
طرح ایچمن مصاحبت اوضقدن صکره شیخ الاسلام افندی
کند و قایغی ایله عازم رکاب پادشاه کامکار و سلطان
مشار ایله دخی صدر اعظم حضرتلریله صندال سوارا ولوب
معنادا وزره دارالسعادة الشریفه افا سی موقوفند
بعدا اجتماع اولو مولونای مشار ایله حضور همایونه
ادخال و اکسای فروع بیضا ایله اکرام و ایجان اوضقدن

صکره صدر اعظم حضرتلری ایله سلطان مشار ایله
دخی حضور همایونه دخول و ابتدا صدر اعظم حضرتلریله
بعد سلطان مشار ایله سراسر کورک مع اوستلک و ترکش
و قلیاق الباس و اعطاسیله نوازش و التفات پادشاه کرامت
دستگاهدن نایل حظه موفور اولد رق حضور همایوندن
خروج و دارالسعادة الشریفه اغاسی موقوفند قفول ایلدیلر
بوندن صکره سیمه التفات شهر یار تاجور اولقن او زره
سلاحدارا غایدیلر برقبضه مجوهر سیف ایله بش بیک النوف
احسان و قوبان خانلغی عنوانیلله سرافتخارین سوؤده عنان
آسمان بیور دیلر پسو سلوب سابق او زره رجوع اولوب
کرج اسکله سنه چقلد قد طرف همایوندن دیوان طاقیلله
اعطا بیوریلون اسبه سوار و جانب یسار صدر اعظمیدن
همعنان اولد رق سمت باب آصفی یه عنانریز هوار
اوایلر سرای آصفید بر مقدار آرام و استراحت و ناول
طعام و ایفای حق مصاحبت اوضقدن صکره معیت
مشار ایله اولون اتباع معتبره سنه ایکی ثوب سمور
کورک ایله درت عدد فروع قائم و بش ثوب کراکه خلعتلر
الباس و خان مشار ایله حضرتلریله دخی طرف آصفانه دن
بر ثوب ارکان سمور کورک بوغچه ایله اراٹ و قبولق
النماس بیورلدیعی ختامند صدر اعظم حضرتلری عرض
اوطه سی خارجندن اجرای مراسم تشییعه ابتدا برله
جانب وزیرانه لرنندن تهیته و کشید سنک رکاب قلنان
دو نمامش اسبه سوار و بالوده مذکور رسم ایله خانسی

جاننده بخش بخش عنانی سب صبار فقا و اهل برندن
 صکره بش او ن کون مقدار کا ستانه علیه ده اقامت و قربان
 جاننده قافای صورتند بر لیغ ایله سلطان کوندروب
 کندوسی روم ایلی حوالیسی و بوجاق جانلرند موجود
 سلو طین و قوم تاتا را یله قوشان جانلرند دیار اعدایه
 چاپول ایملک اوزره شهر ذی الحجه نک طقوزنجی کونف
 چاوشباشی و یکی روحی سلیمان ناغا و بر مقدار زعماء و سرهنگان
 ایله داود پاشایه دکن تشیع افخ رق آستانه دن رحلت
 و صوبه مأمورینه توجه و عزیمت ایلدی **ذکر آمدن سفرای**
حاکم پنن از مضافات دکن از ممالک هندستان او امر
 جلد اولد کشید سلاک سطور اوهیغی اوزره هند اقلیمدن
 دکن جانبی حاکمی حیدر بهادر علی خان کند و مملکت لرینه
 اولوب افرنج و سائر کفره مجزه یدلرند اولون قلاع و بقاع
 حرباً و سلماً فتح و تسخیر ایدرک توسیع دائره دولت و نامنه
 قرأت خطبه و ضرب سکه برله تحصیل نام و منزلت ایلوب
 اوصافه اخلاقیچون تمهید قواعد حکومت و حاجت تشدید
 ارکان ملک و ملت ایلدکن صکره با مره تعالی تارک
 دار و دیار و حشم و اجابت ارجعی ایله رهیمای اقلیم
 عدم اولغین ارتنا جان نشینی و خلف شها مت کریمی اولون
 اولوی پسر سلطان دخی خصائل مذکوره ده پدر کا ثرینه
 اقتضایه ابتداره و بش الی سنه مقداری تسخیر و تصفیة
 بلود و امصاره ایلدیکی عقبند سایه دولت علیه دانم
 الد و امه دخی البخا برله بین الامثال مباحات و افتخار

69 ایملک و ادیلرند مرجع ملوک و سلو طین اولون عقبه علیای
 ملوکانه یه نامه و هدیه نا چیزانه ترتیب و برایکی سنه مقدم
 سوی سلطنت سنیه یه تشریب ایلمشیدی ایلیارینک بحرأ
 بصره یه وصولری خبری بغداد والیسی وزیر سلیمان پاشا
 طرفدن تحریر و یانلرند اولون آدم لری کثرت اوزره
 اوهیغی تشطیر اولمغله اوچیوز مقداری آدم لریله در سعادت
 کلارینه مساعد و درگاه عالی قیوچی باشیلرند مصطفی
 مهماندار لغله رخسای بارگاه دولت اولمیرچون رخصتی
 حاوی جو بنامه ایله مشارالیهک آدمیسی رجوع و اعاده
 بیوریلوب قاعد دولت ابد مدت اوزره سفرای مذکور
 اقتضایدن تعیینات و لوزم کلون ماکولوت و مرکوبات
 و مصارفات سائر لری قضا اها لیلرینک تکالیف لرینه
 نقصاً تنظیم و اقتضایدن یول امر لری ترقیم اوضایدک
 بر منوال محتر حط و تر حال ایدرک شهر ذی القعد نک یکر
 طقوزنجی اربعاکونی اسکداره وصول و بر قاج کون حیدر
 پاشا حوالیسنده خیمه نشین اولمقلرند صکره سر بوستانیا
 خاقه صندالی و اصطبیل عامر دن نرین اولنان حیوانات
 ایله اسکداردن عبور ایدوب تشریفات و چاوشلر کا بی
 و امینی دولتیله الای مخصوصه لر یله قبا صقال حوالیسنده
 مقدّمه تهینه اولنان کتخدا زاده قوناغنه نزول ایلدیلر
 چند روز مروی عقبند حامل اولمقلری نامه لرین مقام
 صد رت عظمایه بلیغ ایلمرینه اراده سامیه جناب
 جهاندار ی تعالی تمکین کذاک اصطبیل عامر حیواناتیله

69

حضور آصفی به نامرین ایصال و تسلیم و بحق سفا رقیفا
و تسلیم ایله کلری عقبند اقعاد و حقارند مراسم مهمان نوازی
اجراه و روزنامه همه یونده مقید و صیغی اوزره سمر و وقام
و خلع فاخره سائره الباس و اکسا سیله شان سلطنه سنیه به
شایان اولور و جهله لوازم اکراملین اکمال و ادا بیوردیلر
ولایتلرندن مفارقت و شرفیاب و مالی عنیه علیای دولت
اولری میانشه ایکی بچی سال مقداری زمان دوران ایله
ایچیلرندن روایت اولتی اوزره کوشزد حقیر اولمشدر
ایصال ایله کلری نامه لری سائر نواج اعاجم مثلوزبان درک
اوزره مسبوک و مالی بعدالترجمه اصلی ایله معروض حضور
شهریار سکندر سلوک اولمشدر قضااری اما لری مساعده
چند روزه روز کار ایله آورده دست تسخیر ایله کلری مما
و بقاع بحر اراضی مقدسه سلطنه مرسته دن بطعی و بصیر
جانلرینه مسامحت اولتی ملوبسه سیله اذن و رخصت دولت
ابدی القیام ایله بعد ازین شاهراه صفا و صفونک مرود
ورشته و لو و مصافانک معقود اولوب مکه مکرمه و سائر
امام علی و امام اعظم مثلوا ما کن مشهوره دن بعض
یرلده نیل متوبات نیشلرینه مقارن صرفا موال ایدرک
کند و لرینک دخی بعض کونه اثر لرینک جلو کر شهود و سواهل
بصره دن برحلاک لوجل التجاره کذ و لره تخصیصی ایله بعض
آدملرینک طرح انداز کیمپاره قعود اولسی نیاز لرندن
عبارت ایدیکی اصحاب و قوفدن روایت اولمشدر بشاون
کون مقداری زمان گذران ایله کدن صکره عنیه علیای جناب

مذکور

جهانداری به ترتیب ایله کلری هدایای فقیرانه لرین خزینه دار
وسرکابلری و سا طئیله باب آصفی به ارسال و تسلیم و اندن
معتاد اوزره دربار عاطفت مدار حضرت شهریار ی نه
لخیصی صدر اعظمی دلالتیله عرض و تقدیم اولوب خوان
احسان جناب اسمان عنوان ملوکانه دن ایچیلرک توابع
ولواحتی کرکی کبی اشباع و بر وجه معنا و خلع فاخره اکسلیله
انواع النفا نه مقارن اولور قلمی حاله مکانلرینه اعاده
وارجاع اولمشدر و سفرای مذکوره درن نفر سفیر
اولوب ایچلرندن بری مانند مفلوج مشید عدیم الاقدار
اولغین صندالیته صورتنده چار پایه برنذکره درونده
قعود و هند دن آستانه علیله به کلجه به دن خلول راهده
واقع اولون صحاری و براری بی اعناق رجاله قطع ایدرک
دره لنداره ورود ایلمشدر و معروض عنیه علیای
جناب جهاندار ی اولون هدیه لری تخمینا بش بیک غروش
قیمتی فحل اوج قطعه سرغوج و سدیج و پیک ایله اکیون
اوتوز اوج مقداری نواج زرباف و شال و دستار و بیاض
طافه لردن عبارت اولوب استعماله ناسزا درخت مندلده
تراشید و مصنع برایکی قطعه سدر و صاحب سکه اولغین
اثبات معروضند زر و نقره دراهمندن برقاچینون آلونف
و بیاض آنچه جلاوه لر یله تقدیم و تسدیر ایلمشدر ایدی قمشه
اکثرین آستانه سعادت تجارتندن مخفیاً مایهده و ترتیب
ایله کلری دخی کوشزد اولون وقایع غریبه دندر سفرای
مذکوره نک یول تعیینلری بیان اوضیغی اوزره خلول راهده

واقع محللرک تکالیف لرینه تفصیلاً حواله و جهله رویت ارضی عنده
بشقہ حین اقتضاده بعض لوازم نادره مبایعه سیچون
لوجل الوحیاط یکر می بیک غروش دخی عن نقد خزینہ ہمایون
مہماندار لرینہ اعطا و تسلیم اولمشیدی و آستانہ
سعادتہ اقامت ایلدکجه تعیینات بر میتہ لری اوچوز غروب
متجا و زایدکی مہماندار لرندن استماع اولمشدر **ذکر**
بعضی از توجیہات سفر ہمایون شہر ذی الحجہ تک بشنجی کونی
اردوی ہمایون نزل امانی کوجک ابراہیم افندی یه
وقصاج باشیلغی ارپہ امینی چل امینا غایہ و ساربان
باشیلغی دوغرمہ مہجی زادہ مصطفی بکہ و کا و وسد م
عربہجی باشیلغی قیوجی پاشا مکنو مجلسی ابراہیم افندی یه
و مکاری باشیلغی درویش پاشا قیوجیلر کنڈاسی ابراہیم
آغایہ توجیہ و ہر کسک رویت لوازمہ قیام ایلمسی پاشا
و نبیہ ارضی **ذکر کرفار شدن قالیون کبیر اعدا و ربط**
او برتر سائہ عامرہ اعدای دین ایلمسی بدی فله محبسہ
قالدیر لدیفی خبری مسقولو طرفندن قریم و حوالیسہ تعیین
اولنان پر پنج پوتمکین نام جزالہ و اصل ارضہ در عقب
قریم لیمانلرندن اولینہ لیمانندہ و نمای نکبت انماسی و زرنہ
جزال اولون مار قو پوینہ و پنج نام جزالی وقوع انفساج
مہالہ دن آکاہ و اول کراہ دخی علی الفور موجود اولون
سفینہ لرندن فقط اوچ قطعہ سفینہ لی لیمان مذکور
محافظة سیچون بعدا لوفراز صغیر و کبیر اون قطعہ سفینہ
لیمان مذکور دن روی بسیط دریا یه و برہ ایدوج

بشاردن

بش اولون کون مقداری بلقلوب و سائر قریم صولرندہ کشت
و گزار و اول اثنا دہ مراکب تجا را سلامدن بشی اولون
نقطہ ثقفہ ایله ادارہ اولنوب بر قطعہ صغیر تکنہ یه
دوچار و در حال نفرائن سفینہ لرینہ توزیع و مرکب لرینہ
غوطہ خور قعر مجار ایلد کدن صکرہ دخی زیادہ شی
کرفت ایدک رز امید لر یلہ جزیرہ قریم دن آجق صولرندہ
جولون و بلا و خسرا نلرین جو یان اوزرہ ایکن
ناکاہ بنقدیر الله تعالی هواری منقلب و صولرک
متشعب و اولغین غضب رحمانی متعاقب شیطان
اولہ بق تواری شدت هبوب هوا و کثرت تباہ امواج
دریادن جمعیتلری پریشان و ناچار رھرری بر جانبہ
روان و اھیلر مراکب مزبورہ دن یمش پارہ طوب
چکر الی بش ذراع بر قطعہ کبیر و جدید قالیون در نیون
نفر مقداری حربی کافر ایله مدکاری اختلافی ہوا
علی غفلتہ بحر سیاہ بوغازی جانبہ روان و فنادہ
شبیکہ ہوان اولہ حقلری کندولر عیان اولوب
ملا عین خذلون پیمہ اقتضای اختلافی ہوا ایله کرفار
کرداپ بلا اولہ جقلرین احساس و در عقب محبوسا
اولون غرق ایلد ککری سفینہ تک رئیس دلی محمد
اطلاق ونہ صولرندہ اھ قلرین کند و سندن سوال
ایلہ طریقہ نجائتک اراتن نیاز و انماسی ایلدیلر سفینہ
مذکورہ دن اخذ ایلد ککری اسرای اسلامک
مددکاری دعوت سرعہ الأجا بہ لر یلہ اول موجه

شماران دریای ضلوعه برایکی وج کون مقدم امت
محمد ایله دعوی جنک وجدال • ایدرایکن مساعده روزگار
ایله چند روز طرفند افتاده سلسله امواج نکال اولوب
کیرور جوعه روزگار نامساعده • وسمت بخا کندولردن
هزار میل دور ومتبا عد • او یغندن بشقه بحر سیاه
بوغازینک یمن و یسارند واقع ساحلرک فقیسنه
کیدسه شدت هوا • و فرط تلاطم دریادن در حال
سفینه لری شکست • و کندولری افتاده هارویه اضمه اول
اوله یقینا انتقال • ایدوب ناچار رئیس مذکور دولتیله
بوغاز بحر سیاهه دخوله قراره ویردیلم مسفورلرک
راکب اولقلری سفینه لریله قواق حصاری پیشگاهند
نکرانداز استقرار اولقلری صدراعظم حضرتلری
جانبه اخبار اولقد در عقب مجوسلری اولون رئیس
مذکور ایله قبودان سفینه بی باب آصفی یه احضار
وبعد الا سنطاق رخصت همایون جناب جهاندار ایله
ترسانه عامره یه ادخالی بابتد ترسانه عامره رجالی
طرفند فرمان عالی صداره اوهزی سفینه مذکوره نک
صورت مرقومه ده قواق قدامنه وقوعی بین الانام
شیوع بولوب بدایت اعلان سفر همایون اثنا سنده
بومقوله حالتک وقوعی وقایع غریبه مستحسنه دف
اولغله رجال و صبیان هر طرفدن تما سنده شتابان
اولوب بیوف و تصور و ایواندن هر کس ترسانه عامره
طرفند عبور ایلمسنه نکران ایکن فی الاصل شدت هوادن

سفینه مذکوره نک سران و ستونلری شکست اولمش
اولغله عاریت درکن ایله بادبان کشا دندن صکره اولندن
متجا وزیلکن کورکلی اتش قایقلریله سبب افق رق امداد بریح
شمار ایله شهر ذی الحجه نک اون دردیجی چهارشنبه کونلی یمان
ترسانه عامره یه ادخالی اوهزی سفینه مذکوره نک ترسانه
عامره یه ورودی پادشاه عالم پناه حضرتینک اقامتگاه
صیفیلری اولون مقام بشکطاشدن ترسانه عامره جوارند
واقع سرای دلورای خرفیلرینه شرفنجشای قدوم اولمش
اولون میمنت اقتدانه تصادف امکانی قال بالخرمقوله سندن
محسوب برامر مرغوب اولمشدر خدای متعال پادشاه
انام و عسکراساومی منصور و مظفر و اعدای دیرخ
مقهور و مدقر ایلیه آمین بجاه البتی الومین • سفینه
مذکوره نک ترسانه عامره یه کلمسنه سبب عادی اولون
دلی محمد نام کلمسنه یه یکچیز زمره سندن اولون مابسه سیله
اوجاغ عامره دن خصکی تفاق عدلی احسانیله مشاربالبان
و محسود اوقران بیورلدی ذکر توجیهاث برای سفر همایون
مقدم ذکر ارضیعی اوزره سفر همایون تحقق ایلوب اردوی
همایونله عزیمت اید جک خدمه دولک منصبیلری برکون
اول توجیه • و هر کس نهیئه ادوات ولوازم سفریه یه
قیام ایلمسی بنیه • اولمنی لوزمه حالدا اولغله شهر ذی الحجه
یکرمی دردیجی و ایلولک یکرمی بشنجی سبت کونی بین القصارین
توجیهاث شروع اولنوب اولوباب آصفیک معسکر همایون
ایله سفر بر اوله جنی خدمه باب اولمش الباس خلعت بیوریلوب

کندانی و ریاست و چار شبا شیلان منصبی ابقاه و دیوان
هایون بیوک تذکره جیلکی خدمتی چون محرر حقیره و تشریف
خدمتی چون سابق محمد نعیم افندی به و کندای صدر عالی
کامی چون سابق دو غرمه جی زاده عبدالله افندی به خلعت
الباس و کسا بیوریلوب شق اول دفتر دار لغی ایله قلیت
خلیفه سی سماعیل افندی دفعه قدری اعلا و شق اول
دفتر داری احمد نظیف افندی به دفتر امانی اعطاء اولوب
توقیعک خیری افندی به ابقا و روزنامه اول عطار الله
بکه اعطاء اوضی محاسبه اول منصبی ایله علی رانق افندی
مسرور و اناطولی محاسبه جیلکی ایله نظیف افندی برادر
امین افندی مأمور اولوب اعلی مقابله جیلکی مکتوبی سابق
عبدالله افندی به احسان و مایه تذکره جیلکی ایله مصطفی
رشید افندی خندان بیوریلوب سپاه اغالغینه چار شبا شیلان
سابق روحی سلیمان اغالطیف و سلحدار اغالغی ایچون
قره حصاری زاده احمد بکه اکسای تشریف اوض قدر صکره
باشبا فقوللکی صدر اعظم سبوق علی پاشا زاده احمد بکه
اعطاء و جبه جی باشیلان ایله او جاق باش کنداسی سید محمد
کامروا بیورلدی مناصب سائره دفعی اعلا و ادنی بعضا
ترجیه و ابقا و بعضا قلیل الجدوی اولون منصبه احکام
ترجیه اوض رق اصحابک حالدری ترفیه اوضی بعد و کلا
منصبی ترجیهنه مباشرت و کندانی و کالیچون چار شبا شیلان
اسبق حمزه پاشا کنداسی محمد اغا و ریاست و کالیچون محمد
نخعی افندی به و چار شبا شیلان و کالیچون لوله یلی مصطفی افندی

دفتر داری

۶۹ و دفتر دارلق و کالیچون دفتر دار سابق سلیمان رشید
۷۳ افندی به الباس خلعت بیورلد قدر صکره سائر و کلا منصبی
خلعتی دفعی کسا و نیمه و سفر بر اولون اصحاب جا هک
بر آن اقدام اکیال لوازم سفریه یه قیام و مبادرت ایلمری
جمله یه نبیه و نفهیمه اوضی وقوع محاربه جزویه در پیشگاه
قلبرون بوندن مقدّمه مراب حرمنهای همایونک وارنده
صبر نندن فک لنگرافامت و اقتضا سنه کوره اوزی جانلرینه
طوغری اماله سکان عزیمت اتمری کندوره سپارش و نصیه
اولمش ایدی اوزی حوالیسنه بعد الوصول شهر ذی الحجّه
یکرمی طقوزنجی و ایلولک و توزنجی کوفی فی الوصل مراب
سلطانی به وضع اولون یکچری دلو و لرلی قلبرون اطرافند
اولون اعدای دینک جولان ایلد کلرینه نکران اوله رق عروق
حمینلری تبصان ایدوب اعدای دین ایله طرح انداز اساس
محاربه اولمیرینه یکزبان اویلد یوم مزبورده بین القلا
سر کرده لری اولون قول کنداسی خلیل پاشا مرحومک برادر
طوناجی غایله ایکی بیک بشیوز مقداری یکچری بهادرلی
قلبرون صحرا سنه خروج و کند و بینلرند آلمش بیراق
مقداری کند ولرین ترتیب ایلد کندن صکره میانده
جمعیت مشرکینه ولوخ ایلدیلر وقت مذکور دن غروب
شمسه قدر اعدای دین ایله دست و کربان اولوب شعله
شمسیر و برین خنجر و لیش ترفک ایله جمعیت کفاری سوزان
و پریشان و وافر کافری سپرده درکات نیران ایلوب
بالوغه سر کرده لری اولون مومی ایله حاضر مرثیه شهادت

وما قیسی دخی اخشام اولغین متواری پرده ظلت اولوب
 آکرمان طرفدن کلوب اوزی صویندن همعیتلرینه ملینون
 اولون اوچوز نفر دن غیر ی یا وورلی یوغینکن ینه قللرینه
 باقیمتوب لیودخی بازار محاربه بی ترتیب • وهجوم طاقکداز
 ایله زمره خاسرینی تعقیب و تنکیب • ایدوب خلول محاربه
 بر قاج قطع طوب و طقوز عرب به مقداری جبهه خانه کفار
 اغصاب • وادوات مغصوبه دشمنی صرف ایله رک تابصبا
 مقاتله کفار دوزخما • ایله یلر وقعه مذکوره ده
 یدییون مقداری شهید • وایکوز دن متجاوز زخمه اوردین
 عنید • اولوب اوج بیکن متجاوز کفار خاکسارک قلجدن
 کذران • وقلبرون طابیده لزند قرآن اذان • اوضعی
 اولوقعه ده حاضر اولون بعض شجعان غراندن روایت
 اولمشدر وقعه مشرکسوز مرقومه ده امداد غزاة الله
 مقتدا ولد یغندن بالفعل قبودانه همایون اولون خرابی
 حسن قیوان مظهر غضب پادشاه جهان اولوب اوزی محظوظ
 اولون وزیر اسماعیل پاشا دخی جنحه مذکوره ایله مظهر
 عتاب شهر یا بحجاب • واوزی محافظ یغندن عزل ایله
 کوب اقبالی متواری سحاب حجاب • اولمشدر معرکه
 مذکوره دن مجروح علیه ورود ^{الین} وورلرک مجموعی
 انضما هم صدر اعظمی ایله علی مراتبهم اعطای عطا یا •
 و تیمار جرحی • و ترتیب رواتب و جرایا مثل و صنوف عوارف
 ملوکانه ایله تلطیف و تطیب اولمشدر در نتمه وقایع
 این سال سنه مزبوره ذی الحجّه سی سلخند ه

اسکدر

اسکدر قضای حکومتی سلیمانیه مدرسلرندن ابوبکر اغا
 زاده امین افندی به توجیه اولمشدر و شریف مکده
 مکرمه عساکر و افره ایله سنه سابقه ده مصر حجاجنه
 ایصال خسار ایدن اشترار عربانه کرکی کبی کوشمال ویرد
 صکره مدینه منوره بی زیارت • و بر مقدار اقامت
 ایلوب ورود حجاجدن مقدّمه ینه جانب مکّه مکرمه به
 رجعت • اولمشدر حلب و حوالیسند و بای مفراط ظهور
 ایدوب ایام فیلله ده نفس جلدن موتای مسلمان اولون
 اوزره یوزالی بیک و رعایای کفره دن اولوق
 اوزره آلمش بیک نفوسک متواری حجاب خاک اوغنی
 تواتر روایت اولمشدر آرینود اسکندر ریه سند
 ظهور ایدن محمد پاشا او غلوقره محموده مقدّمه ایکی
 طوغ ایله اسکندر ریه سنجاقی توجیه اولمشیدی بوغناک
 قدرین بلیوب اطراف واکافه دستدرانغه بشلیه رق
 عتو و استجاره و جانب هولنه کفران فغناک طور لرین
 اظهار • اتمکله برایکی دفعه قهر و شکنجه اراده قاطعه
 جناب جهان داری تعلق اتمشیکن ازاله و اعدا میچون
 تحشایدن جک عساکرک هنگام معرکه ده رعایا ییه
 زیانکارلق احتمالی باعث عفو اولمشیدی مردود
 مزبور بودقیقه دن غافل • و پایا بینک خلیه سندن
 حاطل اولغله صورت مذکوره ده اولون عفو فکر آفره
 حمل ایدرک ینه رهرو کر یوه ضلول • و باشنه جمع ایلیکی
 حشرانه اشترار ترتیب ساز مقدّمات دعوی محال

۷۰
۷۴

تفصیلی بوندن صکره
 کلند تحریری جقدر

اولمغین فی الاصل باره کافر نعمانه سند صورت انظافه
اولون آتش طاقتسون پادشاهی علو کبر و شررفشان
اولوب اعدام و ازاله سپون روم ایلیه روم ایلی
والیسنگ و بوسنه دلو و لر یله بوسنه والیسنگ و دریا
مراکب پادشاهی ایله چرکس حسن پاشانک اوزرینه و ارمک
فرمان اولوب در عقب هر کسی یرویرندن حرکت و اعدام
و ازاله سنه هر جانبدن دامن در میان غیرت اولمغین
محاربه و مقابله ایدرک اخذ و نیکلنه سعی بهمال غضب
پادشیدن فرار ایدرک بالوغره یمش کسان نفر اشقیان
ایله اسکندریه قلعه سنه ادخال ایلیوب برایکی ماه
مقداری محاصره و تضییقنه اشغال ایلدیلر بوندن
مقدم بغداد اعیانندن شای او غلنگ بغداد والیسنه
عصیان و بصره اطرافند اولون مشایخ عربان ایله
بالوتفاق بصره بی ضبط ایدرک رفع لوای طغیان ایلدیکی
کشیدک سلاک بیان و کیفیت عزبوره مشارالیه طرفندن
عتبه علیایه انها و انبا اوضقه اول طرفک کافه کفایتی
بغداد و ایلدینک عهد اهما مارینه احاله اولنه کلکله
بغافه مذکوره نکه دخی بر مقتضای وقت و حال نه صورت
اولور ایسه اولسون غائله اندفاعی عهد مشا و ایله
احاله و تقویض اولمنسی فرمان اولمشیدی اواخر سال
فر کورده کلینلو عساکر ایله بغداد دن حرکت و ادخی
همت ایله اول رهیمایان بادیه نکی اواره بیابان
خوف و خشیت ایلیوب جمعیترین پریشان واکثر

بودخی محمدن تفصیل
انج بقدر

کرده

71 سر کرده لرینک سرفلو کتد لرین اغشته خان هوان
75 ایدرک زور شمیرند میر یله بلک طیبه بصره بی دستلاند
رها و روسی مقطوعه لرین تسیر یله خدمت مبرور سن
سده علیای جناب جها نداری به عرض و انها ایلدک
سال مذکور اولکل شهر ذی القعد سنه بر قاج سنه نبر
پادشاه جهان شهر یارجم عنوان حضرت لرینک سحدار لق
خدمت جلیله لر یله کامران اولون کیلوری محمد اغا
چتال چشمه حوالیسند اتخا ذ ایلد کلری قونا قلرند
متقا عدا اقامت ایملک اوزره مقتادا اولون سحدار
اغالین تعیینات یله پادشاه عالم حضرت لر ی سحدار لغندن
مغزول و سحدار لق مقام و آوسنه برمدتد نبر و
خرزینه هایون کتخا لغیله اوقات کذار اولون یچی اند
موصول بیوریلوب خرزینه کتخا لغیله دخی اراه
هایون جناب خلوقت دستکاهی اوزره فی الاصل
شهراده سلطان سلیمان ناندی مرحومک لاول لغیله هر
مسبوقا لخدمت اولون خورشید سلیمان اغا بکام
ونا ئل مرام بیورلشدر بوندن مقدم فلنکلونک
سرمه هوری یعنی فلنک قرالی خلاف قاعده جمهوره
مخالفت برله جمهور فلنک سر بستیلری الفاصورنده
نقد و استقوال دعوالرینه منلو اولمغین اهالی
فلنک دخی طرفین اوله رق نرا علری مقابله به مودی
و بالوغره جانبین جنکه تصدی ایدوب بر مقدار نفوس
ثلث اهرقدن صکره فرا پنجه لو جمهور ایله معاهده سنه

بنا جمهوری طرفگیر و کلی عساکر تسیر ایلده جکی ائنده
 سر جمهوری پر و سیا قرالیله مصاهره ننه بنا پر و سیا
 قرالی یکر می بیک مقداری آدم ارسال و بغنة فلنک
 ایچنه ادخال بوله سر جمهوری مخالفان کاذب جمهور
 خواه و خواه فلنک قرالینک اطاعتنه چکوب دلخواهی
 اوزره تصرفه شروع ایلدکده مقدمجه ذکر
 اوضیفی اوزره فرا پنجه لونک طایفه مر سومه ایلله
 معاهده سنه بنا تدارکات قویه تر نیسنه ابتدار
 اوزره اولغین فرا پنجه لونک بو طوری انکلتره لوائله
 اولون عداوت قدیمه لرینه بنا انکلتر لویه خوش
 کلیوب اوضیفی پر و سیا لومثلوسر جمهوری فلنکه تصعب
 صورتن ابراز و تجهیز سفن ایلکه آغاز ایلدک
 بو صورتلردن نائره حربک اشتعالی آور و پانک
 هر طرفدن ظهور ایلسی منظر ایکن فرا پنجه لونک نظام
 ملیکه لرینه نظراً بو خالده محاربه ایلک کند و لره مضر
 اولوق فکر لری ملا بسه سیله بود عوادن کف ید و شمیدیک
 انکلتر لوائله عقد مصالحه ایلد ک لری و رود ایدن
 غزنه و حوادث کا غد لرندن مستفاد اولمشدر

وقایع سنه اثنین و مائین الف

ضیافت صدراعظمی با ایلیان هند در سعید آباد
 شهر محترم الحرامک اونچی و ایلولک اون برنجی اثنین کونی
 صدراعظم حضرت لری سعید آباد قصرنک ترتیب ضیافت

و هند ایلیان کافه ترابع ولوا حقیقه دعوت ایلوب ساید
 شهر یارد دریا نوالن صد و کراملک ملوک اطرافدن بد به
 واحتشامی برتر و ممالک اوقلری مر سبه و نعم ساو طین فاقد
 آزید و اوفر و هین ارات بیوروب الوان اطعمه بسیار
 و صنوف اشربه خوشکوار ایلله کند ولرین دل سیر و ریان
 و هنگام طعام نغمات خوانندکان خوش الحان و آوازه
 سازندکان ناهید عنوان ایلله چشم و گوش لرین و ایل و حیر
 ایلدکن صکره درت نفر ایلیاره کرانها مجهر ساعت
 احسان و فرانکانه طا بور جنکی تربین کوسترن اتباع عسکر
 انعام فراوان بیور دیلر ایچلرک حربی لشکری طا بور
 جنکی کوسترمدن مقدمجه طوبجیان نفراتی بر قاج دفعه
 نشانکاه لرین طوب دانه لر یله زیر و زبر و خمیره جیان
 دلوور لری نشان خیمه سنه اصابت ایلله انواع هنر ایلوب
 نیر اندازان سخت کمان روی هد فی مانند سینه عشاق
 پر شکاف و سر عجیان شهاب اوصاف برا ز صنایع نیزد سید
 نسخ آثار اسلاف ایدر ایکن پادشاه کر مکستر شهر یاربند
 پر و حضرت لری جانب ملوکانه لرندن هنگام سفرده استعمال
 ایچون شتائیده بر ثوب سیاه دلکوفرو خلعت ایلله بر قطعه
 نیزه شهاب صورت و بر کیم درج داودی هیات چوقداز افلاک
 حضرت خاقان قیصر چاکر و ساطه سیله شرف نشاک
 وصول و ایلیار ایلله انجن آرای قعود ایکن جانب حضرت
 صدراعظمی به موصول بیور یلوب تشریف و انعام
 پادشاهانه بی حاوی تقدیم بیور یلون خط هما یون عنایتمرون

کتاب در تاریخ مصلحت

رئیس کتاب افندی به قرأت و مضمون لطافت مشحوفی
 ایلیچیر و سائر حضار و استماع و اشاعت بیوردیلوب
 هر کس دعای دولت ابد قیام پادشاه کرامت دستکاهه
 آفاز و حصول نصرت عساکر اسلامی جناب و اهبالامالد
 رجا و نیاز ایلیچیر **دخول سفاین و نهای همایون**
بترسانه عامره موسم شتا تقرباً بیلکدن ناشی و نهای
 همایون سفاینک بحر سیاهه اقامتی چند از مناسبت
 کورلمدیکدن بوندن مقدم بر قاج دفعه ایابلری
 استیجائن حاوی اوامراکیده اصدار و تسیار بویرشید
 بوکره ماه مزبورک اوان آبنجی و تشرین اولک اوان بدنجی
 کونی آمیناً و سالمأ بحر سیاهه بوغازنه وصول و طریبه
 اوکلرینه حلول ایلتشرایدی محل مذکوره وصول
 بولدقلری خبری صدر اعظم حضرتلری جانبند و اصل
 اوقده امر لیده یوقلنه رق محل مذکور دن حرکت بر لمعاد
 اوزره لیمان ترسانه عامره ده لنگر انداز اقامت
 اولدیله **نقل همایون بسرای میامن مرهون**
 پادشاه عالم سلطان انجم چشم بوندن مقدمه ضبط
 صحایف آثار و اوقعی اوزره بشکطاشدن آینه لی قواف
 سرای دلوراسن تشریف و اول جای فرحزاده امرار
 بعضی موسم خریف بیوردقدن صکره شهر محرم الحرامک
 اوان بدنجی و تشرین اولک اوان سکرنجی اثنین کونی علی التجر
 مانند آقاب جهاناب اول مقام دلکشادن تحریک رکاب
 و سرای جدید دلورالینه بسط سایه شرف نصابت

بیوردیلر

بیوردیلر جناب حق قدوم شرفندوم ملوکانه لرین مینتم
 و مسعود و عمر کرامتی شاهانه لرین اولاد و امجاد پادشاهیلرله
 دلخواه ملوکانه لری اوزره متزاید و ممدود ایلیه آمین
امداد پادشاه غیرت دستکاه برای لوازم و مهمات صنوف
عساکر و سپاه اعدای دین اوزرینه سفرهما یونک و قوعی علون
 و هر طرفدن اعداد و تکمیل مهمات سفریه به بذل تاب تواف
 اولنوب لکن ایراد ای میری امکان لوازم سفرهما یونه کفایندن
 بری ولوب خارجدن فضلله ماله حاجت متس ایلیدیک پادشاه
 عالم شهر یار دیا همم حضرتلرینک معلوم همایون ملوکانه لری
 اولغنین دشمن دین ایلیجیسی یدی قله محبسنه قالدیرلدیغی
 اواندن بووقته دکن یعنی برایکی ماه ظرفند اندرون همایون
 خرید لرند نیش بیک کیسه آنچه مقداری امداد خسر وانه لری
 مصارف سفرهما یونه اعانت و بوجمله دخی اظهار آثار
 صنوف کرامت و همت بیورمشلردر **وفات شکرزاده**
السید فیض الله سرمد افندی افندی موی الید قرق طقوز
 سالی ربیع الآخری غره سنک دارالسعد و القبول یعنی شهر
 ستانبولدن سرآمد خوش نویسان زمان اولون شکرزاده
 السید محمد افندی مرحومک صلب سیادت مابندن قدمهاد
 دائره امکان و سن تمیزه بعدالبوغ فائنی اشباه و قرآن
 اولوب شبانروز تحصیل فنون علومه مشغوف و اوقات
 کرانبهاسی افاده و استفاده به مصروف اولمشیدی
 بر مقتضای استعداد خدا داد و قابلیت مادر زاد عنقریب
 شبانک ثلک و نسخ کتبه وضعنه پدردن مازون

وبعد وفاته برینه حدیقه خاصه بوستانیری مشق خواجه لکی
 التفائنه مقرون • اولوب یوما فیوما مظهر توفیق خدا اوله رق
 اتباع هوا و هوسندنا تقا • و کتاب کالون ظاهره ایله آشیان
 مستثنا • اولغین بالوغره خداوند کار اسبق سلطان عثمان خان
 علیه الرحمه و العفرانک پدر لرندن تعلیم خط بیور مرک
 مابسه سیله حق مستعدانه لرند ایفای لوازم اکرام و تمش
 طقوز سنه سی محر می اثنا سنه خارج مدر سلکله بکام بیور
 آخیز وات • و قطع مراتب ایدرک طقسا ن آتی شوانک یکر می
 برنجی کونی سلونیک قضا سیله مقضی المرام • و بلاد اربعه به
 متهمی ایکن سلسله عمری قرین حسن خام • اولوب قرطب
 ایله اشتغال ایلدیکی خالده ذات الجنب علته مبتلا • و شهر
 محرم الحرامک یکر می برنجی جمعه کجه سی واصل جوار رحمت
 خدا اولدیلر مرحوم مبرور ذکر اولدیغی اوزره حسن خطک
 انواعده ماهر • و مطالعه ایلدیکی مقامک استخراجنه قادر
 مهندس و منجم و شاعر بر ذات جسته ماثرایدی پادشاه
 عالم حضر نلری اسکی و طه اعمار بیور د قلرند انشاد ایلدکری
 قصیدک نک بیت تاریخیدر بیت دیدی سرمد که بر مصرع
 نوله تاریخ • اولدی اسکی و طه لر شمعی یکیدن معمور
 وقوع سلسله و توجیه قضا حلب شهر مذکورک یکر می برنجی
 جمعه کونی مدر سین کرامک مدرسه لری حرکت • و اصحاب
 آمال دن قتی وافر کسنه تحصیل دستمایه قدر و منزلت • ایلیوب
 حتی حلب مولوتی دخی رئیس اسماعیل پاشا زاده عصمت ک
 توجیه • و بو وجهله آنک دخی حال و شانی تنظیم و ترفیه بیورلد

۷۴ **وفات عاطف زاده احمد بک** مومی لیده برایکی دفعه
 78 دولک علیه ده دفتر دارلق منصب رفیعی ایله معبر و مشهر
 اولون عاطف افندی مرحومک صلبند ن تمینا فرق یدک
 تا ریخلر نک جایکیر بزم امکان • و پدری وفاتند ن صکره
 الی بش تار ریخلر نک اندرون هما یونر دخول ایله ملحق خدام
 پادشاه جهان • اولمشیدی حسن معاشرت آجا نبایله قطع
 مراتب ایدرک چوقدار شهر یاری مرتبه لرینه واصل اولدقد
 باش محاسبه جیلک جاہ رفیعله اندرون هما یوندر ن خروج •
 و کسان بش تار ریخلر نک جزیه محاسبه جیسی اولدقد
 صکره دفتر امانی رتبه علیا سنه خروج • ایلیوب بوکره
 بیک ایکیوز بر تار ریخلر نک ضبط ایلیک اوزره ینه منصب مذکور
 ایله تعجیل • و سنه مذکوره و آخر ذی الحجه سنه واقع اولون
 اردوی هما یون توجیها تی خالوند منصب مذکورک اصالی
 و کالنه تحویل • اولنوب شهر محرم الحرامک یکر می در برنجی اثنین
 کونی دار بقایه ارتحال • و نعش جوار حضرت خالده اعدا
 اولنان مزاره ایصال • ایلدیلر خروج مواجب و رومالی
ایلیان هندوستان بعینه پادشاه دارا دربان ماه مزبور
 یکر می بشخی و قاسمک اولکی کونی سرای هما یون میان مرهوند
 معتاد قدیم اوزره ترتیب دیوان معدلث ارکان • و اعداد
 نفوذ فراوان • بیور یلوب بو اثناده داب قدیر سلطن سنیه
 اوزره ایلیان هند دخی قبه هما یونر ادخال و اعداد و حقلر
 ایفای رسم معناد اولدقد ن صکره صنوف لشکر ایچون نهینه
 اولنان ایکی بیک درینوز فرق یدی کیسه رومی مواجب آچدی

کافه طوائف عسکریه به توزیع و تقسیم اولنوب بعد صدر
اعظم حضرت نری پلچیان مومحی ایله عازم عنبه پادشاه
دوران و رومالی خاکپای شهر یار سکندر عنوان اولوب
اکتسای خلعت ایله حضور هما یونان رجعت و هر کس یولو
یرینه عودت ایله یار **وقوع روز و ورود خط هما یونان**
ماه مرتومک بکرمی طقوز بنجی سبت کونی صدر اعظم حضرت نری
اعطای مواجب ایدرک باب اصفید روز اولغین طرف
هما یونان جناب جها ندریدن تشریفات هما یونان ایله چوقدار
شهر یاری اغاورود و تقدیم بیور یونان خلعت مستوجب
البهجتی صدر اعظم حضرت نری اکتسای و خنجر جوهری میاسته
بند ایله تحصیل دستمایه صنوف شرف و سعود ایله کدن
صکره شرفیز صدر و اولون خط هما یونان شوکمنقر و نف
دیوان محلدن رئیس الکتاب فدی به فرات و مضمون مینفی
جمله به اعلان و اشاعت بیور دیلر **صورت خط شریف**
سنکه وزیر اعظم و یکی مطلق و بالو سنقلول سردار اکرم سن
سنی سلوم و نوازش پادشاهانم ایله توقیر ایله کدن صکره
معلومک اولسونکه بودغه بر قسط مواجبک و قنیلده اخراج
و توزیعند و مهاتم سفردیه نک تدارک و احضار ندن ظهوره
کلون سعی و غیرتک مقبول خسروانم اولغله سنی نلطیفاً
بر ثوب سمور جید و بر قبضه خنجر ظفر بدید چوقدار اغاقلم
ایله کوند ریشدر کوره یم سنی و لیکدن زیاده پلوفشور
و قصور ترتیب جنود نصر تمعود و تجهیز دنما و تدارکات
سفردیه و غیریک بذل مجهود ایله سنی عسکری قوللریک غیرت

و مواجد

خواهش درو و میثاری مسوع هما یونان اولد قجه دعا خیر شاهانم
مظهر اولمقد در لر اجداد عظام نور الله مرا قدم حضرت نریک
قانولری اوزره او جا قلم رضا بطان و رجالندن غیرت
و نفرا تلرینی یول وار کانلری اوزره اعمال و ترغیب
و کول بر لکی ایله دین و دلم یولندن چالشماری مطلوب هما یونان
اولغله ان شالله تعالی امکری ضایع اولماز امرغز او جهاده
جان سپار تک ایدنلره قطعاً دریغم اولما مغلله ایددی سکا
ویردیکم استفول موجب لیاقت و اقدار لری اولنلره
اعتبار ویرار لقلری ظاهر اولنلره اکرام ایدوب عسکری
قوللریمک اداره و حاللرینه رعایت ایدوب و بیلد رملری
ضا بطانلرندن مسئول اولدیغی مثللو بعونه تعالی بوقیش
هر نه و جهله اولور ایسه سر عسکرک مقیتند و سر حد لر
و یکدلرده سواری و پیاده مستوفی عسکر قشوتملری
او جا قلمدن غایت مطلوب هما یونانمدر یکجه و کوندن
دست تضرع و نیازی درگاه چاره سازه آچوب انواع رجا
و دعایم بودر که حضرت جیب کرمی حرمتنه کرک بودغه
مخاربه ده ثبات ایدنلرک و کرک بوندن بویله امر اولی الامر
اطاعت ایله دین مبین و اغر هما یونان رضا قرینده چالشان
قوللریمک یوزلری آق و قنجرینی کسکین و دشمن دینی زواله
رهین ایدوب فتح و نصر تلر ایله قلب عاجزانمی و قلوب امین
محمدی مسرور و شادان ایلیه دعا خیر شاهانم سنک
ایله بیله اولغله حق تعالی حضرت نری امور که موقن بالخیر
ایله آمین آتدند و بویکونه عقیب دورده طرف هما یونان

ملوکانه دن و رودایدن خط شریف مکارم ردیف
پادشاهانه نک دیوانخانه ده قراندن صکره عرض و طه سنه
بعدا لعمود برد فعه دخی قرانی داب قدیم و عادی مستقیم
اولغین بوکره رسم دیرین دولت و دیکده نه پیشین سلطنت
اوزره خط شریف عنایت الیف ملوکانه ذکر اولندیغی اوزره
دیوان معلواریکانه بعدالقرات عرض و طه سند دخی فتح
قرات اولندیغی عقبند اغای مشارالیه حضرتلری برقطعه
خط شریف مها برتدیف دخی دست تأیید پیوست صد
اعظمی به تبلیغ و ایفا و صدراعظم حضرتلری دخی کمال
آداب ایله مهرهایونن فک ایله کن صکره لب تجیل ایله نلشیم
ایلیوب قرات و مضمون مها بترهونی استماع دعوت اولنان
کبرای دولتله اسماع و اشاعت ایچون رئیس الکتابا فدی به
اعطایبوردیلر اولدخی حسبالفرمان صوف بلند ایله قرات
ایدن مضمون اطاعت مقرونی جمله به افهام و اعلوان ایله کن
صکره دعوت تأیید پادشاه اسلام و تزیید شکوه سلطنت
شهریارانایله مشغول اوله رق هرکس برلورینه ققول
ایله یلر **صورت خط شریف** سنکه وزیراعظم و ویکل
مطلقتمسن دولت علیه ایله مسقولونک بوآنه کلنجه مصالحه سی
برفاسد صلح اولغله معاذالله تعالی کند بجه تکلیف بارده سی
غیرتخلدن بیرون و بالوتفاق سفراولقی اوزره قرار ویرتد
جمله کرک معلومیدر شمعی کبار و صفار دن بعضیلری
وقک ندبیرلری خانه لرنک تزییف و وظیفه لرندن خارج
دولتی لسانالوب اراجیف کلام نابرجا سویله کلری مسموع

71
80
همایونم اولغله ایمدی سننم وزیرم و ویکل مطلقتمسن هرکمدن
بوکوم جمعنا صدوری معلومک اولدقد رخصت همایونمدر
بیلد ره سن علم الله او مقوله لری هرکیم اولور ایسه دقیقه
فوت ایتم ترتیب جزاید رم و قطعاً امورینه فتور کتور میوب
متوکلوا علی الله المجید مأمورا ولد یفک نیت غزاده بسط قدم
ایلیوب شمعدیدن همان پید رپی اقتضایدن امر جهادک
تکمیلند وان شا الله تعالی شباط در و نندک لوآء شریف
خروجی نور و زفیر وزده ادرنه صحرا سند اثبات وجود
ایلیه سن هرکیمکه سکا معینا ولوب سنکه معاذ بذل وجود
ایدرایسه دنیا ده واخرندک عزیز اولوب و هرکیمکه سکا
مخالف اولور ایسه حق تعالی حضرتلرینک عذابنه گرفتار
وشفاعت فخر کائناندن محروم و اشبوخط شریف موجب
عمل و حرکت ایلیه سن کرک اشبوخط شریف مها برتدیفک
و کرک دور خط شریف مکارم رصیفنک حاوی اولدیغی
مبشرات شاهانه و تبنیهات ملوکانه بی کوش جا نایله استماع
ایدن کبار و صفار حضرت فقرات شریفه مبشره پادشاهانه
و خصوصاً دعوات اجابت آیات شهریارانه بی اشتد بجه
کند ولره عارض اولون نشاط و شادمانیدن بر مرئیه حالتیا
نمرا اولور لرایدیکه لباسلری کند ولره نندک و فرط سرور دن
کویا قرار کاهلرندن پروازه آهنک ایدر لر ایدک
ومعاذالله تعالی فقرات منذره لها قکتدا زخسر و انده
وتبنیهات سامانربای داوران بی کوش ایلد بجه هرکس فرط
دهشتندن مانند غنچه دلنک بلکه کالبدی روح دن تهی

اولغله همان ساده بر صورت بیزنگ اولور لرایدی **نظم**
کل کرشمه بخندد چو جشم باز کنی **بهار عشق بریزد**
چو رخ بپوشانی **چو عرض معجزه تربیت دهی شاید**
که سایه در بغل آفتاب بالون **عزل شیخ الواسع مفتی**
زاده محمد افندی شهر صفر الخیرک غره غراسی بازار کونی صدر اعظم
حضرت لری علوفه دوری رکابی اوج رق حضور همایون حضرت
شهریاری به ترتیب و روب معتادک خلوفی قبله الظهر ساعت دریده
ایکن منفرداً اندرون همایون عزیمت و رومانی خاکپای جناب
جهان داری ایله حائر صنوف عزت ابلدیکی عقبنده مقدّمه
طرف شهر یاریدن اندرون همایون دعوت اولنان روم ایلی
قاضی عسکر لکندن منصف محمد مکی افندی حضرت لری مهتیا اولغین
همان حضور همایون اذخال و اکتسای فرو بیضا ایله مفتی الواسع
اولوب صدر اعظم حضرت لری ایله همعنان اوج رق بابا صافی به
بسط سایه اقبال ایلدیلر مراسم معتاد اجرا سندن صکره دار الفتوی
اولون خانه لرینه عودت و چاوشباشی مباشرتیه سلف لری دخی
بکریکی جوارند و واقع ساحلخانه لرنده اقامت ایندیرلشد
وفات کاتب یکچریان درگاه عالی ابوبکر بلک بوزدن مقدّمه
سفر همایون نصر تمقرون ایچون ترتیب اولنان توجیهانده
یکچری افندی لکیله سفر همایون مأمور اولون نائلی پاشا برادر
بکر بلک افندینک بر ماه مقداری انحراف مزاجی متزاید اوج رق
بالوغره شهر صفر الخیرک آلبنی جمعه کیجه سی طومار عمری مهور
و روح روانی سوی اعلوی علیینه رهیاب عبور ایلشد
رحمه مرحوم مبرور استانبولده داود پاشا ساکنندن و سردنجدی

اغارندن حاجی خلیل اغا نام مرد مضیف و شخص نظیفک صلبند
او تو زیدی تاریخنده قدمنه دار دنیا اولوب برادری صدر
اسبق نائلی عبدا لله پاشانک حجر تربینده نشو و نما بوله رق مشا
الیهک دیوان همایون کیسه دار لغی و بکلجی لکی اوانی اولون الی
بش سنه لری خلونده مومی ایله دخی کتخابک کابلی خلفاسی سلکنه
انسو ک ایله مهتله تحریرینه مأمور اولمشیدی بعده برادر
مرحومک آلمش سنه سندن آلمش الی تاریخنده کلنجه الی بچق
سنه علی آلوالی ریاستی هنگا منده کیسه دار لغی خدمنده
اوج رق باش مقاطعه ایله طریق خواجکانه دخول ایله مسرور
و آلمش سکرده پیاده مقابله سی منصبنه ارتقا ایله نائل صون
صبور اولوب بوزدن صکره سنونیک سنجاغی متصرفی اولون
برادری نائلی عبدا لله پاشا یتیم بر سنه سی خلونده جدّه معموره
و ایلیکیله اولجانبه مأمور اولغله کتخاب لری خدمتیه رفاقت
و یتیم ایکی سنه سی مشا رالیهک و فاتی تقریبیله جدّه قائمقام
و اول خدمتی بعد اوتما یتیم درت سنه سی در دولت عزیمت
و بعد الور و دیتیم بش خلونده طو پخانہ نظارتی منصبیله
اثبات وجود ایدوب یتیم آئیده بیوک تذکره جیلک خدمت
جلیله سنه مأموریت ایله کامکار و ذائنده سریع التحریر
و خوش نویسی اولملریله منصب مذکورده لیاقت و لباقتن اظهار
اتمشر ایدی یتیم سکرده جرم ناکرده اسنادیله لمنی جزیره سنه
اجدوا اولنوب یتیم طقوز سنه سی عفو ایله معامله و آللو مقابله سی
منصبی حسانیله مکافانن بشقه تشریفاً تجلی خدمت جلیله سی
انضمایمیه بحامله بیورلمشیدی سکسانایکی سنه سی مأمور و بعضی

تشریفاً بجهت خدمتند الحاقاً مقابله سوارى منصبیله خندان و
سردار کرم نشانی امین پاشا مقیتیلہ مسقوسفرینہ رخشان اولوب
سکان اوجده باباطاغی مشتاسند سببی نامعلوم جرم ایله منصبند
عزل و تغریب و صفاقوه نفی ایله تکدیر اولمشیدی سکان بشده
عفو و طوق ایله رکاب همایون طرفه جلب اوضقدن صکره با امر علی
اردوی همایونہ عزیمت ایدوب ایکی سنه علی التوالی دفتر امانتی
منصب سامی سنه نیل ایله مسرور الجنان و سکان آئیده چاوشبا^{شیلو}
وکالی الحاقیله محسود الوقران اولدقدن صکره سکان یدک
سنه سنه بالوصاله چاوشباشیلو ایله شادان اولوب سکان
سکرده مسقولو ایله عقد مهاده اولمقدن ناشی لواری سعادت
ایله آستانه علیه عزیمت و اول ائشاده اردوی همایونده
اولون رجال دولک اکثری تبدیل اولمغله بونلردغی اولکرو^{هد}
رفاقت ایله خانه لرندہ اقامت اوزره ایکن طقسان سنه سی
بیوک روزناچده موصول و طقسان درت سنه سنه کلنجده
علی طریق المنایه منصب سامی مرقومه اوچ دفعه تکرر ایله نائل
مأمول اولدقدن صکره طقسان التی سنه سنه ن اکیوز ایکی
سنه سنه کلنجده بررسنه فاصله ایله درت دفعه بکچری کابنی
اولوب سنه مرقومه ده منصب مذکور ایله ینه سفره عزیمت
اوزره ایکن تکمیل انقاس معدوده ایله راحله بند سفر آخرت
اولشدر در مرحوم مغفور یتیمش بشی یاشنده آخرتہ انتقال
ایدوب درویش نزال پاک اعتقاد لطیفه کوی نیک خوی
کشاده روی مکرم و متواضع و انواع محاسنی جامع اکثر اوقا^{لی}
عبادات و طاعت و کتب نافعه کتابتنه مصروف خصوصاً طریقی

۷۸
۸۲
مولوی یہ کمال انتساب اولمغله اکثریالی مبارکه ده کند خانه لرندہ
سکده پوش اولوب اوراد و ازکاره مائل بر ذات حمیده الحفا کرایچ
آثار خیریه سندن سلیمانیه قربند ساکن اولدغی خانه سی تھالند
آمد شد ایدن عطاشی ارواچون بر جسمه دائم الجریان انشاسته
موفق اولشدر رحمة الله تعالی علیه **ورود قیودان پاشا و ذکر**
کیفیت رابطه نظام مصر بوندن مقدم قیودان دریا وزیر عازمی
حسنی پاشانک نظام مصره مأمور و برقاچ بغااة امرای مصریه
ایله عقد محاربه ایدرک حموت ختم افکنر یله سرکشان مصرک پریشانی
و مقهور اولدقلمر کشید سلاک سطور اولمشیدی سال سابق
اواخرندہ دولت علیه ایله مسقولوی لعینک محاربه سی محقق اولغین
مشاد ایله حسنی پاشانک بران اقدم آستانه علیه ید عود و انصرافی
لوزر و بوضورندہ قاهره مصر دن مطر و اولوب ینه درون
مصر دخول داعیه لرندہ اولون امرار مطر و دده ناک حال و کیفیت
احسن صورتہ افراخ ایملک واجب و مستحکم اولمغله اولبابده جانب
سلطنت سنیه دن کوندریلون امر همایون و تعیین اولنان مباشر
غیر تهرهون مشارایهده و اصل او هیجی آن عقد دیوان ایدوب
طرف همایون ملوکانه دن خطوط همایون اطاعتقر و ن ایله کاذ
امور مصریه بی تنظیمه مأمور و مرخصی او هیجی طرف لرند
بالدعوی دیوان مصره حاضر اولون علما و امرا و اهالی یہ اعلوم
و هرکس بربر لریله اتفاق و اتحاد ایدرک شرفصدور ایدن
او امر علیه طاعت و انقیاد و سفید و اجر اسند سی و جهاد
ایلمکی جمله یہ افاده و افهام ایلوب هرکس سمعاً و طاعتاً مرسمی
بعد اودا خصوصاً رؤسای امرای فرار یلردن مراد بک ایله ابراهیم

بلك مصره دخول ایلامری معهود اولغین اگر خلوف عهد محروسه
 مصره توجه و دخول مثلوه عصیان اجتناب ایدر لر اید بالوافق
 درون مصره آیتی بصدر ما معده اهالی مصره جمله سنی دائر لغتده
 اذغال و تعهد لرینی مشرع حجت شرعیته و محضرا خذیله رابطه قویه
 مستحسنه ید ربط و بند و حلوان و سارولک عیته و هرینه متعلق
 بعض مرتب ماده لرح دخی تمسکه قطع ایلیوب ذکر ان فی اوزره غلبه
 عساکر منصوره پادشاهیلله قاهره مصر دن مقهوراً فرایدن
 ابراهیم بک ایله مراد بکک مشارکیه طرفه تحریک ارسالیله نفس
 مصر دن بشی اون مرحله بعید محله اقامت و امر پادشاهی به
 اطاعت و رای دولت اوزره حرکت و خلوفندن مباحث ایلمکی
 تعهد و التزام ایلد کلرین بیان ایله استیمان و مشارکیه دخی
 شروط مذکوره ایله کند ولره اعطای امان و مصره کلمه کل
 جانب مصره بقا ملری نظامنک استحصانه بذل تاب توان برله
 مومی ایله ما معتقدند اولون فرار امر دن بر قاج بکی علی طریق
 الزهن استجاب و خلوف تعهد حرکت ایلامری اسبابنک استحصانه
 بذل تاب ایلد کن صکره علما و امر او کبری مصره دخی خلوف
 تعهد بر حرکت بولنا ملری کند ولره تأکید و بنیسه و فرایدن
 بکرا ایله رهن و یرد کلری امرانک اندرون مصره واقعه خانه
 و عیال و اولود لرینه اطاله دست تعدی ایلامرین بنیسه و تشدید
 و اگر معاذ الله تعالی امرای مطروده دن بری مصره داخل اولون
 داعیه سنده اولور ایدسه در سعادت آنها ایله امرار وقت باقیمون
 در عقب بالوافق جمله اهالی بردن اوزر لرینه واروب مصره
 آیتی بصدر ما مق نیت خالصه سیله دامن در میان غیرت

و یریلون نظامنک بوزلما سنه بذل جهمت ایلمری طرفه
 کرکی کبی کند ولره اعلو مرادا و اولباده قضایای مذکوره یه
 مصدق طرف شرعدن ید نه حجت اعطا اولنوب حتی محضرمذکور
 بلده مبرک علمای عظام و مشایخ و امرای کرام و اوجاقلو و سار
 متکلمین ذوی الو احترامه امضا و تمهیر ایشدیر و با ارسالیله خزینه
 دخی ایکیوز سنه سی و فرار یلرک وقت تصادف ایدن ارسالیله
 خزینه لری الحاصل ایکیوز بر سنه سنه کلنجه مشار الیه معینده
 اولون عساکر سلطانیه مشار الیه معرفتله و یریلون تعیینات
 مصارفته محسوب ایشدیر و ب ایکیوز ایکی سنه سی ارسالیله سنی
 الی ماشا الله تعالی ایکیوز ایکی سنه سنه سنه سنه سنه
 وقت و زمانیلله بروجه معتاد خزینه اخراج و سوی سلطنت سنه
 تسیار ایلمرینه جمله سی متعهد و تعهد لرینی مشرع کذلک بر قطعه
 حجت اخذ و اوجاقلرک عمار و احیا سیچون اسکندریه و توابعی
 کمر کلری فیما بعد یکپری او جانی طرفدن بهر سنه اداره اولون
 شرطیلله ذکر اولنا کمر کلر مقاطعه سیله جلور و مطریا و
 خیاشنبر نامر مقاطعه لرح تحملرندن ناشی مال قدیم لرینه
 او چبوز قرن کیسه رومی بالذراضی ضم و ضمیه مذکوره رسالیله
 خزینه سنه قار شمیوب جیب همایون حضرت جهان داری به تخصیص
 قلوب بهر سنه اسکندریه و ورود ایدن رباله همایون قالیون
 قیودانته اسکندریه کمر کجیسی یدیلله تسلیم ایلمرینه رابطه و یون
 خصوص فر بور ایچون دخی بر موجب تعهد و جوب اهالی مصر دن
 متعهد اولد قلرین مشع رینه بر قطعه حجت اخذ ایلیوب فراریان
 مر قومانک اسیلور لی حسبیلله اوجاقلر مواجی و یریلوب کند ولر

اگر بلع ایلمری سببیله او جاقلره طریان ایدن ضعیفک اندفاعنه
چاره جوی اولوب جمله معرفتله تحریر ایدر یلون مصر خزینده سی حسابند
او جاقلویه مخصوص اولون مواجباتک بر آنچه سنه طوقونلیوب
کسر کتور لما مکله بوندن صکره دخی وقت وزمانیله او جاقلو
مواجباتک ادا و تسلیمند و بوندن بشقه امار و علما و مشایخ
و فقرای مصریه دن غلول و وظایفه متصرف اولنلرک تماماً
اعطاسیله باره شهریارانه مده استجواب دعوات خیریه یه تعهد
اولند یعنی مشعر کذلک بر قطعه حجت شرعیته اخذ و بوندن
بشقه اعظم اموردن اولون حریمین محترمین فقرای و سکنه سنه
بهر سنه جانب میریدن معتا دالور سال اولون معلوم المقدار
جرایا و غلولک فراریلرک عدم اطاعت و اغماضلرندن ناشی
بر مدت دیر و ارسال اولندیغی معلوم آنچه بوندن صکره
بر آنچه و برجته سنه کسر و نقصان کتور میوب بهر سنه اوقات
معلومه سنه بر وجه تکمیل ارسال و توزیع و تسلیم بر له محللرندن
عرض و محضراخذ اولنوب جانب اول علیده ارساله خزینده سیله
معاً ارسال و تسویه تعهد و تعهد لرینی مشعر حجت شرعیته یه
ربط و اخذ ایلدیکندن بشقه بهر سنه جانب مصدر دن کیلور
عامره ایله ترسانه معموره یه ارسال معنی دالون پرنج و شکر
و ذخایر سائر معلومه ایله اوستوی و ابلک و قیل طرف
دولندن مطلوب اوضیغی مقدار دن نقصان و دون کوندن
فیما بعدا و امر عینه نوبله وارد اولور ایسه بلون نقصان مباحه
و تدارک و سریعاً ارسال و تسبیل ایلمرینی و فرار امرانک
نبنیه و کوشمالرینچون کرک کند و خزینده سنه دن و کرک مهرک

اصحاب یسارندن اسنادانه ایلدیکی مبالغتک تحفیل اخی جنی رلردن
تحفیل و طرفندن تعیین ایلدیکی آدمیسی معرفتیه لر لویرینه ادا
و تسلیم اتملرینچون دخی یدلرندن سنه اخذ و میر میراندن بر
مقدار عسکرایله بر کمسنه بی اسکندر یه محافظه سنه تعیین
و کندوسی فرمان اوضیغی اوزره معیتنده اولون مراکی و نهای
همایون ایله ذکر اولنان تعهد لرک عدم تخلفینچون علی طریق الرهن
مصرف اولون اخذ ایلدیکی اوج نفر بکری مصحوباً اعظم رومانی
استان شهریار فلک تمکین ایلدیوب شهر صفر الخیرک یدنجی
سبک کونی باب آصفی یه وصول و صدر اعظم حضرتلری مجلسنده
دخول ایلدیوب بر مقدار مصاحبت و قضای هنگام مفارقت
ایلدکن صکره جانب میریدن سراسر قبول بشقه و جانب
صدر اعظمیدن چوقه فرجده یه روختله بشقه ایکی ثوب اعلی
الوعالی بربری اوزرینه سمور کور کلراکسا و بر ذی قیمت
مجوهر خنجر اعطا ایلدیوب اکرام تام و ایچال مالو کلوم ایله
معزز آترسانه عامره یه اسرایبور دیلر **مأموریت وزیر بکر پاشا**
بمحافظه وارنه و نصب کاتب بکریان درگاه عالی شهر صفر الخیرک
یدنجی کونی بحر سیاه قبودانی اولوب چند روز مقدمه و نهای
همایون ایله آستانه علیده ورود ایدن وزیر بکر پاشا یه وارنه
محافظه سی شرطیله سلونیک سنجایغی توجیه اولنوب بحر بر کون
اقدام محافظه مذکور یه وصولنده منفرع اسبابک استحصان
اهتمام و دقت و بکریک محمولندن بکری کاتبینچون باش محاسبه
علی رانق افندی یه اباسی خلعت بیوریلوب بر قاج کوندن صکره
باش محاسبه جیلک منصبیله دخی قبودان پاشا معیتیه مصدر دن

در عیله و رود ایدن رئیس سابق فیض الله افندی به خلعتا کسا
و برکات النفاث شهر یاری ایله خانزانی ایجا بیورلدی **نصب قاضی**
برای اردوی همایون سفر همایونک تحقیقند نبر واردوی همایون
قاضی فیله بکام اولوق کرامدن قوی و فرگمنده لکن مامور
ایکن بالوغه میانه لرنده فضل و کمال ایله آراسته اولوب بوندن
مقدّمه استانبول پایه سیله شرفیاب النفاث اولون قاتار زاده
عبدالله افندی اردوی همایون قاضیغه انتخاب و شهر مذکورک
یکرمی آتینی کونی حضور صدر اعظمی به دعوت و اناطولی
پایه سیله اردوی همایون قاضیغه اباس خلعت بیورلدی
عزل کتدای صدر اعظمی حسن افندی و نصب کاتب کتدای
عبدالله افندی چند ماه مقدم وزیر کتدای اولون حسن افندی
بین الوفا حدت مزاج ایله مشهور و خصوصاً همعصری اولون
رئیس الکتاب سلیمان افندی ایله عهد امتزاجی معلوم حضرت
صدر القصد و اولوب طوز مذکور ایسه هنگام سفرده مضر
و بوضو تدره برکون اول علوجنک کورلمسی بر امر مرغوب ایدون
هر کس مقر اولغله شهر مذکورک اون طقوز بی خمیس کونی
کتدای تقدن مغرول ویرینه بر قاج دفعه کتدای کاتبی اولوب صدر
اعظم کتدایغه منفرع امور و خصوصه کرکی کبی واقف و احوال
کبار و صفار و اولده هم و جمله عارف اولون کتدای صدر اعظمی
کاتبی عبدالله افندیک اول رتبه سنیده اهل بیت آشکار و وجوه
اول مقامه منعلی امور اداره به صاحب اقتدار اولغین شهر
مذکورک اون طقوز بی خمیس کونی حضور آصفی به دعوت و راه
والوی کتدای به اباس خلعت بیوریلوب یرینه کتدای کاتبی

خلیفه لرندن کاتب سابق حسن افندی زاده افندی کتدای کاتبی
نصب و تعیین اولندی بر قاج کوندن مکره کتدای سابق حسن
افندی اردوی همایون ذخیره سی به بیچون مقدمان تعیین اولنان
ذخیره مباشری او زلرینه نظارت و جمعده مامورده قلر
محلله دارک ایلدکری ذخایرک بر آن اقدرد نعلنه همت ایلمرینه
اهتمام و وقت ایلمسی فرمان بیوریلوب اولوجبله حضور
صدر اعظمی ایکنشای خلعت و صوب مامورینه توجه
و عزیمت ایلدی **ترجید وزارت با امدان و اغای یکجریان**
درگاه عالی فی الوصل موخره اها لیسند ن اولوب صدر
اعظم حضرتلری مورد منهنبدن تشریف فرمای اجاول
اولدقره مورد متسلمی نصب و ایکی سنه قریب مورد
محصلغی ایلدکدن مکره بعضی شکاتی ظهور یله معز و او
در عیله به کلوب سلطان کتدای چلبی افندی قونا غنده اقا
اوزره اولون امدان ذکر ارضیعنی اوزره مورد اها لیسند
اولوب مستملکی تقزیمی ایله اول طرفک احوالده مطلع اولغین
ماه مزبورک دردیجی جمعه کونی باب آصفی به دعوت و اولون
صفه و حرا سنده و رعایانک حمایت و وقایتده منعلی بعض
وصایا کند و سنه سپارش اوضیعنی عقبنده مورد محصلغی
ایله رتبه والوی وزارت اباس خلعت بیوریلوب و شهر
مذکورک آتینی کونی برمدتد نبر و درگاه عالی یکجریان
اغایغندن دلخواه اولک اوزره ایفای خدمت و صداقت
و استقامت جهتلرندن تحصیل نیکنام و شهرت ریای یکجری
اغای حسن اغا دخی بال دعوه حضور حضرت صدایتد کتدای

احضار ورتبه جلیله وزارت اباسی فروع ایله سرافتخاری سوده
 سپهر دوار قلندی **وفات الحاج یکن پاشا** سابقا مصر والیسی
 صدراعظم اسبق یکن سید محمد پاشا مصر دن معزول اولوب
 فرمان اوضیفی و جهله محر و سه ادر نه به بعد الور و داسماعیل
 اردو سند سرعسکر نصب و تعیین و امر اولذیفی اوزره مدف
 یسیره ده لوازم کوروب ادر نه دن صوب مأموره عزیمت
 ایله یکی طرفلر دن دره لسته تحریر و تبیین اولمشیدی مشار
 ایله بر وزیر کاردان اولغین اول طرفه اولون عساکرک اداره
 غائله سی بر طرف اولمش ملاوظه اولنور ایکن شهر صفر الحذرک
 یکرمی بشنجی چهارشنبه کونی خلون راهده واقع کوسنجده نام
 محله وفات و روح روانی عزم و وضاف جنات ایلمشدر
 بو خبر دهشت اثر اول شهر ربیع الاولده سده علیایه انها
 اولنقدده اول طرفک سرعسکرکی یکنه صدر اسبق علی پاشایه
 ابقا و ندبیر عساکر منصوره به قیام ایلسی اخباری و صایای
 سائر ایله جانب سلطنت سنیه دن کذ و سند تحریر و ابنا
 اولندی **ترجمه** مرحوم مشا ولید بفراد سردنجدی غا لردن
 حاجی یوسف نام مرد غازی نیک صلبندن اونوز طقوز یارینجه
 علویده سنجایغی مضافانندن نواحی قضایسی قضبانندن مالله
 قصبه سنده داخل داره وجود والی بشی تاریخلرنده
 آستانه علیده طرفه مطیدران ورود اولوب الی سکر تاریخنده
 پر لری مثللو بفراده عزیمت و اول طرفلرده تک و پو
 ایدرک بعضی وزیر ا مجلسنه لوجه المشوره دخولده تحصیل
 مکنت ایلیوب بعضاً ایراد ایله یکی رأی نزد وزیر ادبسنید

اولدرق چور باهی تقاعدکی ایله یکجری طریقه فرصتیاب
 دخول والی طقوز تاریخنده اصل چور باهی اولوب یتیش بر
 خلونده ازورنی اغا لغن تحصیل ایله نائل مأمول اولمشدر
 برندن صکره سرحد اغا لغی منصبلرنده دوران ایدرک سکنان
 درف تاریخلرنده یرکوکی اغاسی ایکن اوکوالیده مستوف کفره سیده
 عقدا و لنان محاربه لرده یرار نظری بدیدار اولغین داره
 طور ناجیلغیلده بکام و سردار اکرم محسن زاده انقاسنه مقارن
 اولدرق قول کتخاسی ایکن اعدای دین ایله سلسله محاربه سنده
 بشی اون بیک کافرک همئی ایله قجدرن کجروکی خدمتی مقابلی
 یکجری اغا لغی و بعده چوق کجدرن ربه والوی وزار لله
 مقضی المرام اولمشرایری غائله سفر بر طرف اولغی عقبنده
 اردوی همایون آستانه علیده رجعت ایلیوب خلون راهده
 سردار اکرم اولون محسن زاده وفات ایله کده اردوی همایون
 قامقاهی دخی اولغله لوا شریفی آستانه علیده ایصال و
 چند روز یکجری اغا لغی ایله اشغال ایله یکی اثناده ایدین منصبده
 اغا لغدن معزول اولوب طقسان بر سالی خلونده سلسله
 و بعده دین محافظلی و طقسان ایکی تاریخنده اوزی محافظلی
 توجیه و طقسان درف سنده سی انا طولی ایالئیلله حالی ترفیه
 بیوریلوب طقسان بشده خونین محافظه سنده تعیین و طقسا
 آئی سائنده روم ایلی ایالئیلله آواز طبه اشهاری رسانیده
 چرخ هفتمین قلندقدن صکره سنه مزبوره رمضان اولون
 درنده مسند وزارتی تشریف و درف ماه مقداری هر روز
 صکره خلیل پاشا تحریکیده صدرلر دن بعد اعزل کافه امولی احسان

وانعا و اوله رق و دین محافظت لطف بر له نوازش و اکرام
ایله قلوب اهالی و سکنه سن تألیف ایلمشیدی طقسان سکر سنده
اشناسنده آید بختی محافظه سنده مأمور و طقسان طقوز محرمند
قاهر منصبی ایله مسرور اولوب ذکر اولدیغی اوزره
محل مذکورده رابقایه ارتحان و عزم جوار و رحمت رب معنای
ایلمشدر **توجیه رتبه و زارت بر رئیس الکتاب سلیمان فیضی**
افندی و ذکر از توجیهات بر مدد نبر و جاه جلیل ریاسنده
کام روا و حل و عقد امور سلطنت سینه ایله بین الونام
انگش نما اولون سلیمان فیضی افندی نیک مسبق اولون خدمت
بنای اعلاوی قدری مطلوب همایون جناب جهانذاری اولغین
شهر ربیع الاولک اون ایکنی سبت کونی پادشاه عالم پناه ه
حضرت لری معناد قدیم اوزره دبد به نام والوی و فیدر و نشا
ایله سلطان احمد خان جامع شریفند قدوم و نبی محترم
صلی الله تعالی علیه و سلم حضرت لری نیک استماع نعت مولد
مفترت لزوم لری لری الودا افندی موی الیه داب قدیم
اوزره نامه شریف مکده مکرمه بی حضور همایون ایصال
اول خدمت مستوجب البرکتی بعد الوکال حضور همایونده
انکسای خلعت و صدر اعظم حضرت لری ایله باب اصغی به
رجعت ایلیوب صدر اعظم کتخاسی معینی ایله حضور آصفیه
قعود و چراغ اولسی خبری مقدّمه طرف همایوندن ورود
ایتمش اولغله همان بار تبه والوی وزارت صوفیه جانبی
سر عسکر لکی ایله قدری رفیع و اغلو و بر کون اقدوم صوب
مأمور نه عزیمت ایلمسی خصوصنده اهتمام و وقت ایلمسی کند و سنده

افاده وانها اولندی ذکر رئیس الکتاب شدن محمد راشد
افندی و ایراد بعضی از توجیهات مناصب دیوانیه بر آری
همایون آنفا ذکر اولدیغی اوزره سلیمان فیضی افندی رتبه
والوی وزارت اعطا اولمنی تفریحی ایله جاه جلیل ریاست منحل
و مدت و افره دنبر و مکرراً دیوان همایون بکلجی لکیله امکدا
و بوتقریب ایله کافه اسرار دولته تحصیل و قوف ایدوب
هر وجهه الثقات سلطنت سینه به سزاوار اولون محمد راشد
افندی داننده دین و درایشله معروف و صنوف کیاست
و صداقت ایله موصوف اولدیغندن بشقد فهم و ذکاوی
تحریر و تعبیر و لحنی مرتبه لرندن برتر و اهلیت و استعدادی
اقران و اشباهندن افزونتر اولوب هر وجهه شایان نظر
اکسیر اثر حضرت شهر یاری اولغین همان یوم مزبورده
حضور صدر اعظمیله احضار و منصب ریاست ایچون اکسای
خلعت بر له سرافخاری سوره سپهر دوار اولمشدر
بوتقریب ایله بکلجیلک دخی منحل اولغله بالفعل سواری
مقابله جیسی اولون مکتوبی سابق سید عبدالله افندی نیک
منصبی ایرتسی کون بکلجیلک تبدیل و سواری مقابله جیلکی
ایله دخی سوکی نظار شدن مغر و او خانه سنده مقیم اولون
کورجی محمد اغا پاشانک دامادی بودور محمد افندی به تحویل
اولندی ذکر چاوشباشی شدن الحاج صالح اغا و بعضی
از توجیهات ساره بوندن مقدّمه ذکر اولدیغی اوزره
اردوی همایون توجیهاننده بیوک روز ناچله جی اولون
رئیس سبق بکر پاشا زاده عطا الله افندی نیک مبتوا اولدیغی

علقی یوما فیوماً مزداد اولغین سفرهای یوندن استعفا
 ایلکدن ناسی روزنا چجه اول منصبی منحل اولغله بوزدن اول
 باش محاسبه جیلک ایله مظهر النفاث اولون سید فیض الله
 افندیك منصبی شهر ربیع الاولک اون اوچنجی کونی بیوک روزنا
 جیلکده محول و بالفعل چاوشباشی اولون نعمان بکک منصبی
 محاسبه یه مبدل فلنوب بالفعل مطبخ عامره امینی اولون سلطان
 کتخاسی قیصریه لی الحاج صالح اغادخی زاننده ادیب و کامربرد
 فطین و عاقل اولوب النفاث شایان اولغین چاوشباشیلین
 ایله سرافراز و قرانندن مماناز بیوریلوب عهده سند اولون
 مطبخ عامره امانتی و سلطان کتخاسی خدمتی ایله بوندن
 مقدم اردوی همایون نزل امینی نصب اولنان ثروت
 ویسار حال ایله مشهور کوچک ابراهیم افندی مسرور
 و نزل امانتی ایله چپراسلی دامادی سلیمان افندی اردوی
 همایونه عزیزمده مأمور اولمشدر **توجیه ایالت بوسنده**
بکر پاشا بوسنده سرحدی بر سرحد بعید اولمقدن ناشی
 اول جانبلرک حمایت و وقایفی اقداموردن اولغین ماه
 مزبورک بشنجی کونی ایالت مزبوره نیک حراست و کفایتی
 وارنه محافظی اولون ابراهیم پاشا زاده بکر پاشانک بالتوجیه
 عهده لرینده احوال و اقتضای وقت و حاله کوره عمل و حرکت
 اهتمام و دقت اتمیچون هر خصوصی جانب مشیرانه لرینده
 بیوردی **ولودت امنه سلطان عمرها الله تعالی** ماه
 مزبورک یکریمی البیخی بازار کونی صلب کوهر پاش جناب
 ظل الهیدین بر سلطان زهره جبین یعنی بر دختر ماه تکلیف

لعمه پاش زیر و بالوی زمان وزمین اولوب اسم شریف لری
 نبرگا نام اقر حضرت خزر کائنات علیه ازکی التیجات اولون
 امنه تسمیه بیوریلوب اول مزده فرحنا ایله طرف همایون
 جناب جهانداریدن خزینه دار حضرت شهر یاری اغا بابا آصفی
 بشارت رسان و طرف آصفیدن مظهر اکرام و احسان فراوان
 اولمشدر در خدای متعال پادشاه عالم حضرت لری کریمه محترمه
 و سائر شاهزاده کان و سلطاندریله تحت عا لیتخاندنده کامران
 اوج رقی دائم و برقرار و اعدای دینی شوکت اسلومیته لر یله
 پریشان و خاکسار ایلیده آمین **عزل دفتر افندی** ماه
 مزبورک یکریمی سکرنجی کونی شق اول دفتر داری اولون اسماعیل
 افندی ضعیف المزاج اولغین دفتر دار لشدن عزل ویرینه
 دفتر دار اسبئی و رکاب همایون دفتر داری اولون سلیمان
 رشید افندی سفر همایونه عزیزمده ایملک اوزره دفتر دار نصب
 و تعیین و سلفی اسماعیل افندیك دخی رکاب همایون
 دفتر دار یغیچون روشی اهما می خلعت فاخره ایله نزیلین بیورلد
وفات عطا الله بک افندی بوندن مقدم اردوی همایون
 نظرمقرون ایچون ترتیب اولنان توجیهانده بیوک روزنامه
 اولون طوبقی دامادی دیملکه مشهور رئیس افندیك دامادی
 بکر پاشا زاده عطا الله افندی خفقان صبور شدم بر عتله مسلوم
 و کافه الجباه نفور دردنه دو ایلد بلرا ایسه مفید اولوب
 تأثیردن مبرا اولغین بالوغره شهر مزبورک یکریمی طقوزنجی
 صالحی کیچدی عازم دار بقا اولوب جوار ابویوب انصاریدن
 اعداد اولنان قبره دفن و روح روانی عازم جنات عدن

اولشدر مرحوم موسی ایله صلوات الله علیه و آله و سلم
تاریخنامه قدمنها ده دایره وجود اولوب یتیمش آلی سند سی
خلوندی طریق خواجگان بیوک قلعه پایه سیله دخول و یتیمش
سز سند سی توجیهاننده غرباء یتیمین و سگان سند سی کاتب
جید جیانه موصول اولشدر ایدی سگان ایکی سند سنده
واقع مسقوسفری اثناسند سلطان محمد خان غازی جامع
شریف و تربیه منیفلین مجدداً انباء انشایه مأمور یتلری
مابسه سیله آستانه علییه ده کتابت جید جیانه اصالتی
و کالنه تبدیل اولنوب سگان درون سند سی پیاده مقابله ^{سیله}
اردوی همایونه عزیمت و برسنده سی تکمیلنده سحر و کتابتی
ایله مستخدم اولدیغی عقبنده بطریق النقل محسن زاده
محمد پاشا صدر اندک کند و لرینه مکتوبی نهیب و تعیین و سگان
سز ناریچنده اردوی همایون بیوک چکچه نام محله کلدیکی
اثناده عزل ایله تشکیل اولنوب سنه مزبوره شوالنده واقع
توجیهاننده مطبخ عامره امانتی ایله تکریم اولمشیدی
سگان طقوز جهادی الوولی غره سنده انکس ثانیله ایله
بجمل و طقسان اوج اولنده تذکره اول خدمتی ایله اسباب
یا قتی مکمل اولوب سنه مرقومه شعبانده پدر لری مثلومهر
قاهره خریه سی تحصیلنده مأموریت و برسنده مقداری اولطرلر
ضربخانه ایله مشغول اولقدن صکره طقسان بش سنده سی
رمضانده آستانه علییه عودند و موصول و چند روز
مورنده واقع توجیهاننده آره امانتند موصول اولوب
ایکی سند مقداری اول خدمنده امرار وقت ایله طقسان ی

شوالنده

شوالنده عزله و طقسان سز جهادی الوخرنده ترسانه عامره
امینی اولوب خدمات دولت علییه ده اوقاتکذاران رقی
طقسان طقوز توجیهاننده عزل و ایکیون سنده سی جهادی
الوقلیده تکرار ترسانه عامره امانتی ایله اکرام اولنوب
چند ماه مورنده چاوشباشلی خلعیلله تشریف و سنه
مزبوره شعبانک یکر منجی کونی ریاست خدمتیه لطیف
بیوریلوب ایکیون برسنده سی ربیع الوخرینک اون برنجی کونی
بعد العزل ادرنه سرایی تعمیرنه مأمور و سنه مزبوره رمضان
غره سنده تکمیل خدمت ایله جانب آستانه علییه عود و قفول
ایدوب ذکر اولندیغی اوزره بیوک روزنامه دن بائوسنعفا
معزول ایکن دار بقایه ارتحال و عزم جوار رحمت رب منعال
اولشدر ذکر توجیهاننده مناصب رکابیه برمدند نبر و رکاب
همایون حضرت جهانداریده میرا خور اول اولون چر کس محمدک
اختیار و امکدار و ذائقه عییل اولوب سزاوار عاطفت
جناب سکندر وقار اولمغین شهر ربیع الوخرک سزنجی
خمیس کونی خانه سنده اقامت ایله اوزره میرا خور لقدن
معزول ویرینه کندی بوابین حضرت شهر یاری اولون
عزت پاشا زاده سعیدک میرا خور لقی رتبه جلیله سنه
موصول بیوریلوب قوجیلر کندی خدمت سنیه سی دفع
چاوشباشی اسبق عبدالله پاشا زاده سعیدک عنایت و صان
و میرا خور ثانی شهر یاری ساقزی محمد اغا دفعی حساب الوقتها
منهبندن دور و کوجک میرا خور لقی ایله چایر زاده ابراهیم اغا
شاد کام و مسرور فلندک ذکر بعضی از نیدیلوب مناصب

۸۵
۸۹

وزرا و اعطای وزارت بمختاری ملک محمد پاشا شام
والیسی بقال حسین پاشانک سفرهما یون تقریبی ایله قره دکر
ساحلنره لزومی اولمقدن ناشی میر حاجلی منصبندن مغزو
اولغینی شام والیکلی و میر حاجلی خدمت سنیه سی جرده
خدمتنده واندن اول طریق حجه مسبق الحزمت اولون
میر میراندن طرابلسی شام منصرفی جرده سی ابراهیم پاشایه
شهر مذکورک اول البخی کونی ربه والوی وزارته عنایت
واحسان و طربزون ایالتی وزیر بقال پاشایه توجیه برله
عسکر سورمه سی فرمان بیوریلوب میر میراندن اکرمان
مخافلی حسین حامد پاشایه رضی اوزی محافظه سی شریطیله
ربه وزارت انعام و حلب جانندن بشیوز مقدار عسکر
ایله سفرهما یون عزیمت ایچون درعلیه یه ورود ایدن میر میراندن
عثمان پاشایه سلونیک سنجاعی توجیهیله اکران اولندی رعش
منصرفی وزیر الحاج مصطفی پاشا ایله وین محافظی قائمقام
ملک محمد پاشانک وزارتری رفع اولوب بر محلده اقامتلی
فرمان و وین محافظلی برمدند نبر و مشاور ایله ملک
محمد پاشانک کتخداسی اولون حسن انغایه ربه جلیله وزارت
ایله احسان و فائق الوقران بیورلدی **ذکر متابعت خان**
روان بدون سنیه شاخ الوکان برمدند نبر و اولکای روانده
طبلزن استقلون و بسن کشادامور عباد ایله شهر نیاب
اشغال اولون محمد خان بود فعد درگاه خلوقیناه ناجدارنه
جاننده مضمی روانک برادر زاده سی زین العابدین بک سفار
برعریفه تقدیر ایلیوب مفرومنده قدیم الویا مدنبر و کرک

مشار ایله کندوسی و کرک والدی قرب و جوار روانده
واقع فروع و سرحدات پادشاهانده اولون وزرای عظام
و میر میران کرام و حکام ذوی الو احترام ایله بو وقتله
کلنجه حسن انسی و الفقه رعایت و طریقہ انقده اتحاد و تود
دقت ایله کلد کلرندن طرف اولک ابد مدندن اکران تاه
واغزاز و احترام مشاهده ایله کلد کلرینی و اساس عیدم الو
بنیان و داد و ارکان ایوان موالات و اتحاد مستحکم طولوب
نیجه سنین و سال ارسال و سل و رسائل و ابعاث و سفر
و سائل ایله تجارت ایاب و ذهاب بلرنده ابواب سهولت کشاده
و رعایا و برابرا هر حالده فتن و انقلاب و محن و اضطراب
ازاده اولوب کهواره امن و امانده اسوده حال و بستر
راحت و اطمینانده فارغ البال اول قدری حالده و اهر
ایام اولک علیله و قیام هنگام سلطنت سنیه رعواتنه
اشغال اوزره ایکن بو ایام آشوب و اختلاله آذربایجان
مملکتینک احوالی و والی کورجستان ارکلی خان بی ایمانک
ضمیر مملکت تحمیرنک اضمار و پروده خفاده استار ایلدیکی
خباثت و مملکتی مقضضا سنجه بلوراساومیه یه و علی الخصوص
خطه آذربایجان سو قصد اراده فاسق سند و اوه یغنی
علی التفصیل بیان و انها ایدرک سلطنت سنیه ابد
الوستمرارک عبودیتی قبول و وجوه ایله دائره متابعت
و اخلاص و صداقت دخول ایلدیکی تقدیم ایله طرف پادشاهان
کندوب بکلر بیکلیک پایه سیله منشور سعادت قشور و
اعطا اولمنسنی و بندکان دربار خلوقفرا زمره سندن

معدود قلنسی نیاز ورجا ایلمکن ن ناشی شیخه کریمه مکارم
مشیمه کون علیه اوزره خان مشارالیهک نیاز و استدعاسی
قرین اسعاف تاجدارانه اولوب اولباده شرفیافته صدور
اولون خطهما یون موجبجه عواطف علیه شاهانه دن باعث
نزیاد رفت شان اولوق ایچون اناطولی بکریجکی پایه رفیع
توجیه واحسان ملوکانه اوضیفنی مبین نشان عالیشان صادر
واعطا اولندیغندن ماعدل کرک خائن دین وولک وعدوی
ملک وملت اولون مسقوکفره سی وکرک کفره مسفورده یله
ظاهراً وباطناً اتفاق واتحاد بیضه اسدومه سور قصد
وضیائی بدیدار اولون نفیسی خانی ارکلی خان مفسد
نشان طرفلرندن روان ملکته مداخله وتعرض وهجوم
مثلوه حالوت وحرکات احساسی اوضیفنی صورت ممالک
فیخه المسالک شهر یاران دن روان ملکته قرب وهجوم
اولون ایالت چدر وارضروم وقارض ویا زید طرفلرینه
لدی الوخبار خان مشارالیهه اقتضاسنه کوره امداد
واعانت ودرع مهائل اعدا وازاله مضار خصما خصومند
اهتمام ووقت اوضیفنی طرف اولندن خان مشارالیه طرفه
تحریر وچدر وارضروم وقارض ویا زید منصرف ووالی
ومحافظنه دخی مراسم اتفاق یکجهتی یلمباردن ایدرک
خان مشارالیهک ایل ملکته اولمشور سو قصد علومکی
رونمون اوضیفنی صورتده کیفیتی سزله افاده واستعانه
ایلمسی مخصوص امرشریف ایله خان مشارالیهه توجیه
وئبیه اوضیفنی اشعار وبتطیر و برمنوان مشروع عمل

حرکت اولمنسی اعاده و تکریر استان مخلد اورکان حرکت علیه
ودودمان راسخه البنیان سلطنت سنیه نکه زیر جناح رفت
ومایتنه انجا ایدن کافه حاجت مندان حقلرنده ابوابالطاف
واشفاق شاهانه لرینک مفتوح اول کلدیکی مستغنی عنی البیان
اولغله خان مشارالیهک مسؤلوننده بالوده بیان اولندیغنی
وجهله مساعدده همایونک ارزانی قلنسی اوضیفنی و خان
مشارالیهک ملکته وعشیرتی خلفه سور قصد وایصال مضرت
داعیه سنده اولون مسفور ارکلی خان ومتفق اولون مسقول
طرفلرندن او یله بروضع وحرکت وقوعنده اقتضاسنه کوره
خان مشارالیه امداد واعانت ودرع مضار اعدا ومحافظه
حدود وانحایه مبادرت اولمنسی و خان مشارالیه مراسم وفان
وانفاقه رعایت وحسن ولدی الوقتضا لوزم کلون معاونتی
اجر خصوصنه اقتضاسنه کوره صرف کل ومکت وایل ملکته
اولمشورک ضمیر مفسد تخیر لرنده مضمر اولون خیانت
ومفاسدی اجرایه فرصتیاب اول میله جقلری وسائل و حالوتی
استحصاله بذل نفدینه همت ایلمری ذکر اوضیفنی اوزره اول
سرحدرده اولون وزرا ومحافظین والویه منصرفلری وسائر
میرمیرانه اوائل شهر ربیع الوخرده موکد او امر علیه ایله بنیسه
وتکرار و بیان اوضیفنی وجهله فیما بعد مشارالیه کون علیه نکه
بند کانتدن ایدوکی تحریر و اشعار اوضیفنی **صورت فرمان**
بخان روان محمد خان خورشیدالطاف وعنايت سبحان
وانساب مکارم واحسان صمدانی و رای سحاب اداره کردگار
هر کیمک مطارج حاله ضیا انداز فوز ورافت واشعه پاش

فیض و رحمت اولور ایسه روزنه قابلیت واستعدادی
قبول اضواء عنایت مکشوف و کشاده واستفاضه معالی و
عوائف حاضر و اماده ای کلیدی مجربان امور دن اولغله سنکه
خان مومی ایله سن سنکه دخی حالکده لمعان قابلیت و استیهاه
ظاهر و شعاع اهلیت واستعداد نمودار و باهر اولمقدن
ناشی دولت عنایت انبیه ایله ملود و ملجاء حاجتمندان و ملجأ
کافه عالمیان اولون دربار شوک مدار خسروانه و کرباس
کردون مساعل پادشاهانه مه عشیرتک بکلندن زین العابدین
بک زید علوه ایله کوندردیک عرطه داشتکده قیوم الویامدن
بر و کرک سنکه و کرک و اندک قرب و جوارر و انده واقع فروع
وسر حدان پادشاهانه مده اولون و زرای عظام و میر میران
کرام و حکام ذوی الوهتر ایلد بو و قلمره کلنجه حسن انسر
والفنه رعایت و طریقه انیقه اتحاد و مودنه دقتک مسیله
طرف هولک ابد مدندن اکرام نام و اعزاز و احترام مشاهده
ایلد یکندن ماعد اسر حداران شاهانه ایله اساسل عدیم
اولوندر این بنیان و داد حکم و ارکان ایوان موالات و اتحاد
مستحکم طویلوب نیچه سنین و سال ارسال رسل و سائل
و ابغات سفر او و سائل ایله روان تجارتک ایاب و ذهاب
ابواب سهولت کشاده و رعایا و برابرها لده فن و نقل
و سخن واضطر بدن ازاده اولوب کهواره امن و امانده
آسوده حال و بستر راحت و طمینانده فارغ البال اولور قدر
حالده دوام ایام هولک علیه و قیام هنگام سلطنت سنیدم
دعوائنه اشغال اوزره ایکن بو ایام آشوب و اغلولده

ازربایجان

ازربایجان ملکترینک احوالی و والی کرهستان ارکلی خان
بی ایمانک ضمیر ملعنک تمیزنده اضمار و پرده خفاده استار
ایلدیکی خباث و ملغنی مقضیا سنجه بودا سلامتیه و علی
الخصوص خطه ازربایجان سو قصد اراده فاسده سنده
اولدیغی علی التفصیل بیان و انهاره رق سنکه خان مومی
ایله سن هولک عینه دائم القرار و سلطنت سنیده ابدتیا استمرار
فلوده عبودیتی ایله نرین جید افتخار و عقدا للول متابعت
سلطنت سنیدم ایله توشیح صدر مباهات و مسار ایلدیکی
تحریر و طرف پادشاهانه مدن سکا بکر بیکلک پایه سیله منشور
سعادت نشور خسروانم اعطا اولمنسنی نیاز و رجا ایلدیکیم
بناد سلم افتخار شاهانه و رفع بعضکم فوق بعض درجات
نص شریفی مدار جیله و اصل فلك اعنلو و رفعت وانی جابو
للناس اماماً حکم جهان امثال ایله ذات هولک صفات پادشاهانه
مقصدای کافه ملت اولدیغی نعم والوسنک انتظام در ادی
شکری انجق نثر مکارم و رافت و نسر آثار معالی و مجرب
ایلد رونق بخشى ملک نمودار ای جفی باهر اولغین باب
دولت مآب شاهانه و جاه ارباب اماله دائما مفتوح
و دروب اشفاق خسروانم و خساره اصحاب التجاره علی
العموم مکشوف و مشروح اولدیغنه بناء و جهت و حدت
اسلامیه حصول مرامک داعی ایدو کتد ابتناء بکر زخار
مکارم شاهانه موجزن کناره شهود و سحاب احسان موام
رشحه پاشی مزراع نمود اولوب شرفیانه صدور اولون
خطها یونم موجبجه انا طولی بکر بیکلک پایه والوسیله قدر

۸۸
۹۲

اعتبارك ترفیع وجواهر خصوصیت در بار شوکت مدار مله
 نایب مباحاتك توشیح و ترصیع قلمقله عز با روی مفاخرت
 و تمیحه نامیه امنیت اولی ایچون بر قطعه برات سلو مایان
 اصدار و اعطا اولند یغندن ما عدا خائن دین دولت و عدوی
 ملك و ملك اولون مسقو كفره سیله دفع مواد بیکانگی و
 جلب اتحاد و یگانگی آیدن نفیسی خانی ارکلی خان مفسد
 نشان طرفلرندن سکا و روان مملکتند مداخلة و تعرض و هجوم
 مثلوا حاون و حرکات احساس ایلدیك صورته ممالک
 فیسخة المسالك شهر یا رانه ملك مملکت روانه قریب و همجوار
 اولون ایالت چلدور و ارضروم و قارص و بایزید طرفلرینه
 اخبار ایلدیکنده اقتضا سنه کوره امداد و اعانت و دفع
 مسائل اعدا و ازاله مضار خصمیا یا اهتمام و دقت و مراسم
 یکجهتی ید مبادرت و ایل و مملکتکده او مثلوا بر سور قصد عمل
 اندفاعنه غیرت ایلدیچون چلدور و ارضروم و قارص
 محافظلرینه و بایزید متصرفی اسخانی پاشا دامت معالیه و سایر
 لوزم کلندر بشقه بشقه او امر شریفه م اصدار قلمش اولوب
 بالوده مندرج اولدی و جهله مملکت و عشیره نك خلفه سور
 قصد و ایصال مضررت داعیه سنده اولون مسفور ارکلی خان
 و منفق اولون مسقولو طرفلرندن اولیله بروضع و حرکت
 و قوعنده اقتضا سنه کوره امداد و اعانت و دفع مضار
 اعدا و محافظه حدود و انجایه دقت و جفی مقرر اولقدن
 ناشی بروجه مشروح ایل و مملکتکده او مثلوا لرك ضمیر مفسد
 تخمیر لرنده مضمر اولون خیانت و مفاسدی اجرایه فرصتیاب

اوله میده جقدرک وسائل و حاوونی استحصالی و مشار الیه
 ایلله بالونفاق و یکجهتی به رعایت و حسن اشلوف و اتحاد لوانه
 و علی الدوام اخبار و استخبار کیفیاندن خالی اولما مقصد
 ایدرک هر حالده شریطه صدق و سداد و طریقه استقامت
 خدا داددن کریمه و رسمت خلوف اولیوب علی الدوام جوهر
 کرانیهای حسن تامل و رکون خسروانه و فرائد زیبا
 النفاذ جهاندارانه م ایلله ترصیع نیجان احوال و توشیح صدور
 مقاصد خیریت مال ایلکده اعتنا و هر حالده تحصیل رضای
 میامن اقتضای شاهانه مدد سعی و فنی ایلک فرمانم اولغین
 اشبوا مرشرف عالیشانم اصدار و ایلله ارسال اولمشور
 ایدرک دولت عمیده مخلص اورکان ملوکانه و سلطنت سنیه
 رضین ابیان خسروانه ملک داخل حمای حمایت و التجاسی و لنگر
 نایش افتاب طوارق حد ناندن سالم و همواره مظلله ارامش
 و رفاهده قائم اولدیکی و سنک کبی دولت حضرت توفیق
 الهی ایلله واصل دارالومان مطاوعت جهاندارانه اولون
 اصحاب قابلیت و استعدادک مفارق حاللرندن عواصف
 طوارق هبوب و وزایشنه و مجاری حالنه سبل حوادثک
 دخول و گذارشنه بروجهله رضای همایونم اولیده رق
 اولقول لرك دائما محافظه لری اصول شیمه مرام شیمه
 سلطنت سنیه مدن ایدرکنده بنا سنک اولوجهله و قایلک
 باینده سرحداران شاهانه مدد احکام مطاعه بعث لرسال
 قلندیقی معلومک اولقدنه برات سلو مایان جهاندارانه
 و منشور مستلزم السرور ملوکانه م زیور دست ورود

اولد قره شان ابره نشان کینی ستانی و فاموس معالی
مانوس شهنشاهی پلوی اوجنی نغیمان و تغلیمان
ایله استقبالی و وضع فرق ایجان ایلمک سنی و دقت و علی الدوام
سرحداران ملوکانه و ضابطان حدود خسر و انیم ایله
مراسم حسن سلوک و اتحاد و لوازم موافقت و داده رعایت
و دائماً ارسال مکاتبات ایله اخبار و استخباردن عالی الویلد
لوزمه عبودیت اولون حالوتی اجرا و طرفیندن آمدشایدن
تجار و سائر ابناء سبیلک امنیتلری مستعدی شرایطی ایفا
ایدرک لوزم اولنجا اخبار و حالوتی تحریر و لدی الوفضلی
صادر اوجنی او امر منیفم موجب نجه هر کله صرف یاری
یاقن و الکای و سبع الوغای روانه ساکن و قاطن کافله
سادات کرام و علما و صلحا و ریش سفیدان مملکت اوزر لرینه
بسط جناح بر و شفقت و طبقات ناسه رعایت صرف همت
و استجواب دعای خیریت احتوا به مبادرت بر لاله سند خو
بالذات مظهر تزیید حسن توجه همایونم اولغه بدل جل مکت
و خلوفندن احتراز و مجانبت ایلمک باینده **نصب توج پیاپی**
نردبان سفر همایون تحقق ایدند نبر و خیل و وقت گذران
ایلمکدن ناشی توج ظفر فروغ آصفینک نصیبی بله اغراج
اردوی همایونک هنگامی تقرب ایلمد کینی هر کسه افهام لوزمه
حالدن اولغه شهر همادی اولوک ایکنی و کانون ناینک
بکرمی طقوز بنی سب کونی شیخ الواسوم افندک حضرت لدر بله
قبودانم ریا غازی حسن پاشا و اغا پاشا و معناد اوزره
او جافلر اغالری واردوی همایون شیخی و سائر مشایخ

94
90
مستجاب الدعوه باب اصفی به دعوت اولنوب اغا پاشا
وزیر کتخاسی و سائر او جافلر اغالری توج آصفی بی علی
مراتبهم زیور روش ایدرک صحنی نردبان ایندیروب مشایخ
کرام منصوره عساکر اسلام ایچون فرداً فرداً دعا ایلمد کیری
خامنده استمداد عنایت الهی و استدعای فوز و نصرت
نامنهای اوجرق کناره صحنی نردبان نصب و در عقب
قربانلر ذبح اولنوب خلع و اعطای عطایا اوجرف هر کس
بر لوزینه عودن ایلمک **وقوع مشورت عموم در باب**
آصفی و اندرون همایون برای وقوع سفر نجه شهر
جمادی اولوک در دینی کونی شیخ الاسلام و قبودان پاشا
و اغا پاشا و قضاة عساکر و اسلامبول قاضیسی و پایه لو
لرینه دکن علمای اعلام و سائر او جافلر اغالری و رجال
هولتک متخیز لرندن سفر بر اولنرا ایله کتخا و رئیس
و چاوشباشی و دفتر دار و کیلری و سرحدات اختیار لرندن
بعضیلری عموماً حضور رسد را عظمی به دخول و قعود ایلیوب
مجلس استشاره اجانبندن تخلیه اولند قدن صکره سرحدات
محافظلری طرفلرندن کرک نجه لوندک و کرک مسقولوندک
فسخ مصالحدن صکره نه حرکتده اولد لری و نه محله
عسکر صقله دقلین مقصد را و بلد کیری قدر مطلع اولد لری
حوادثی و عساکر و ذخایره منعلنی احوال سرحداتی مخوی
وارد اولون تحریر الیک خلوصه سیله نجه لوندک مدن و فردن
بر و لک علیه ایله محاربه نیشده اولغه اول لوندک قوه دن
فعله چیقوب مقدمات وفاق نفاق و شقاقه فخر اولد لری

ونجه لوروسيه لوايله منفق اولغين كوبا روسيه لوزك جانب
دولته ايلديكي تكليف بارده سي بجمك اولوب مسقولومقدور
اولديني ميان ونجه لوكدوز ونجه دولت عليه به حق روسيه لو
نكر اكر ملسانده مساعده اولميوپ اعاده حرب اولنوريسه
كندوسي روسيه لوايله منفق ونجه اولمسي نقره بي ايله دولت
عليه نك روسيه لوايله محاربه سي نجه دولته دفعي سرايت
انكلكه بزم دفعي اتفاهمه بناء دولت عليه ايله منفقك اتفاهمه
ابتناء بزم دولت عليه ايله محاربه به قيام ايله محاربه كلور
ديوكوبا بولكاتي نجه دولتي برقاچ دفعه دولت عليه به عرض
وانها وافاده ايلدكه دولت عليه طرفدن اعنبا اولميوپ
ينه مسقولويه اعاده حربى موجب ايدن كلكي تكليفدن هوج
ايلديكندن روسيه لوايله اعاده حرب ايلك اشكار اولغين
نجه لوايله دفعي اتفاهد بناء محاربه ايلك اقتضا وياغجه
استانده اولون ايلچيسن قالدروب محاربه به ابتداء بجه
معلن عبارته سي مشوش وديللري باطل معناسى معقد و
السوال ختامى عقبنده طرفه هايون حضرت جهانداريدن
حاضر مجلس شوري اولنرك شرعاً وعقلاً خاطر لرينه كلون
راي وندبيري سويلده ده قصور ايلاملري نبيهيئي حاوي
برقطعه خط هايون مهايمقرون دفعي قران اولنقد
صدراعظم حضرتلري اشله سرحدلرك احوالى سرعسكرلرك
وسرحدات محافظلريك تحيراتى فلوصله لرندن ونجه لوزك
كيفيتى اوقنان بيانامه سندن وخصوصاً درونده استانه
مقيم ولون ايلچيسنك وتجارينك آمننا و سالماً دولته كوزلرسي

مطابق ايلديكندن جمله كزك مسموع ومعلوملى اولرك
بوصورنده بزم هر كمنه كونه اولمليدر مسقولواوزرينده مى
كیده لم يوخسه نجه لواوزرينده مى كیده لم وقت حاله نه كونه
حركت ایده لم هر كس خاطرينه كلونى سويلسون اشوبيان نامه سنه
نظراً ابتدا شرعاً نجه لواوزرينده سفر بوزم كلديكى كلديكى صورتن
شرعيسى سويلنوب بعده ايكى كافر دن فقيسى اوزرينده كيدى
امصواب ايدوكى سويلنسون ديوب حضرت مجلسدن استجاب
ايلدكلرنده بعد الفحاح هر كسك هامت وساكن اولدولرك
صدراعظم حضرتلريك مشهورى اولدقه برايكي دفعه دفعي
ابرام ايلدكلرنده بالوغره نجه لواوزرينده سفر ك جواز وعذر
جوازي مسئله سي درميان اولنوب شرعاً وجوبى امر بديهي
ايكن خيلي قيل وقال وكش مكش بي مالدن صكره مسقولوكي
انكده دفعي اوزرينده سفر اولمق اقتضا ايلديكندن قرار ويريلوب
بعده لوى شريف ايله اردوى همايونك قنيسنك اوزرينده
كتمسى مذاكره اولنوب بعضيلري مسقولواوزرينده كيدلسن
برجج وبعضيلري نجه لواوزرينده كيدلسى مناسب ايدوكى
جرتلين بيان وتوضيح ايلنوب بالوغره ايكى طرفك يعنى سماعيل
وصوفيه جانبى عسكرلريك توجهياتى وغرينه واستقلون امرلرك
اعطاسيله شمديلك نزايد تقويتلري خصوصنه اقدام واهتمام
وبجته تعالى ادرنه صحراسى مضرب خيام اردوى طفرار تمام
اولنقدده طرفينك بعد اوطوع اقتضا سنه كوره اولمكلك
بعد الاستشاره پذيراي نظام اولور ديونه طرفه كيديله بجه
قرار بولمق سزى ختم كلوم اوضى دولت عليه نجه لوايله

فسخ مصالحه ایلد کوره استانه ده مقیم ایچیلرینک شمدیه دکن
مسقولو مثللو ییدی قلده یه قالدریلمسی مسبق اولما مغلده اوج
کونه دکن ایچیلرینک ولوینلرینه کتک اوزره اذن طلبنده اولدیغی
درمیان برله آنده دخی و افرا بجات گذران ایلدیوب بعضیلری
بلودیل کوز حبسنده اقامتی اختیار و بعضیلری کتله سی
مناسب ایدوکن اشعار ایدوب بالوغره کتله سنه قرار ویرلد
بوندن صکره سرحدانک تقویتی مذاکره سنه شروع اولوب
اناطولی و مضافاتی و آیدینی ایالتلری توجیهانک رئیس
و دفتر امینی و کیللی نضبی کذلک روم ایلی ابائیلله مضافاتی
رئیس و دفتر امینی و کیللی نضبی و کلخی خزینه و عسکر کونولسیلله
اعطای تقویلرینه اهتمام و سولره بولدیغی محالردن رایج بهایله
مبايعه و بر ساعت اول اولوشد دخی اوزره قوی اوقندار
ذخیره مباشرلری تعیین و علی جناح الاستیجاره تسیر اولمنسه
قرار ویرلکله مجلس استشاره قرین حسن ختام و هر کس
سوار و خانسی عطف لجام ایلدی بوندن صکره حضور
هما یوند دخی صورت مذکوره اوزره عقد ایچن شوروی
اولوب قرار اولی بعدا تائید ایدوی هما یونک مصارفی
مذاکره و اصحاب مقاطعانک جبه لوایله مصارف سفرهما یون
اعانت ایلله پادشاه عالمپناه حضرتلرینک بر قاج بیک کیسه آخجه
ایله کند و اندرون هما یون خزینه ملوکانه لرندن امداد و تقویت
بیوردقلری علوی مجلس استشاره اولوب هر کسک واجبه
دخی اولون دعای تائید شهر یا رانام و نیاز منصوی عساکر
اسلام مجلس هما یون قرین ختام اولمشدر ذکر ارضی اوزره

نجه لو اوزرینه دخی اتفاق ارا ایله سفرهما یونک تحقیق ظاهر
اولوب اولبارده عادت قدیمه اولت سنیه اوزره بر قطع بیان نامه
ایله دول سائر یه کیفینک اعلونی لوزم کلمکله رئیس الکتاب
محمد را شادانک تسوید ایله مفصل و مشروع بیان نامه قلمه
آلنوب صورتلری اوائل شهر جمادی الاول و واسطه ماه شیب
دول نصاری ایچیلرینه تسلیم و دوللرینه بیان و تفهیم و نمشد
صورت بیان نامه دول علیه نک سفری روسیه لوزک نفی
عهدی حبسیله روسیه لو اوزرینه اولوب الی سنه دبر و
دوست و همجوار اولون نجه دولی حقند و ستر و علناً بر کونه سور
قصد و اراده سی اولدیغی و دائماً همت کامله سی و قایه صفوت
جانبین و نزیاد تحاب موتد طرفینه مصروف ایدوکی عالمده
معلوم اولدیغندن بشقه نجه دولی حقنده خانج از عهد
و میثاق نجه ماده لره مساعدده ایلدیکی و از جمله بغداد
اراضیسندن خلوف عهد و پیمان اراضی و افره مطالبه و
کند و زعمیلله تحدید و علوم متلر وضع و حدود لرینه عساکر
کلینه بهیه برله اراضی مذکوره یی دول علیه نجه لویه
ترک و تسلیم اتمز ایسه محاربه یه مهتایز صورتلرینی ارا اتمکله
دول علیه و فاتی شفاق ترجیح ایله اراضی مذکوره یی مجرد
نزیاد صفوت جانبین ایچون مخصوص محدد تعیینی و سند
اعطای سیله نجه لویه بغیر حق ترک اتمش اویغی و جبار غریب
اوجاقلری سربست و مرابطه اوجاقلر اولوب دوست اوجاقلری
دوللر ایله آنلرک مصالحه لری بینلنده جاری اوجاقلدیکی
و حتی نجه لودخی بر قاج دفعه دخی آنلر ایله بشقه جده معااهده

ایروب کرک صلح و کرک عداوت لری کذلک بینلرند به جاری
ایروکی و ولت علیه ایله نجه بینه اولون مهالحه شرائطند
او جا قلدن کند ولره واقع اولون خسارک تضمینی داخلند
اولدیغی ظاهر ایکن ذکر اولنان او جا قلدن نجه سفاینی و عایا
علی طریق التکفل تأمین خصوصتک سنده ربط اولمنسی
تکلیف ایلد کلرند عهد و شرطدن خارج اوج رق تکلیف
مذکور دی دخی ولت علیه رد اتمیوب قبول وسند اعطا ایلدیگی
وبوندن بشقه سربسلیت کامله اوزره قره ذکر نجارنده
خارج از عهد و شرط اوج رق رخصت اسدعا و هر بر ماده سی
دولت علیه به نجه مضرتی شامل سکر ماده بی محوی سند
مطالبه ایلد کلرند حوصله مساعد و تحمله کنجیده اولور
حالون دن دکل ایکن ولت علیه نک قره دکن و جمیع انهار و بحار
نجه سفینه لرینک سربسلیت کامله اوزره یوقلمق سزین کشت
و گذارنه رخصت کامله ویرلدیکنی حاوی و اونوز تاریخنده
اولون بوزر نجه صلحنی نینه نجه لو کذولری نقصی و لغو ایدو
بعده الی ایکی تاریخنده بلغرا آرده واقع اولون مهالحه
و عهد اولنان شرایط نظر دخی ذکر اولنان بوزر نجه شرطک
نسباً منسیا فراموش اولدیغی محقق ایکن منسی اولون بوزر
تجارت ماده لری دخی مرعی طولمنسی محوی صفوته یا فشار
و جمله مطلوب لری اولون تجارت سببی طبعی اراده لری
اوزره اعطا اوضریغی و بوقدر سنین دنبر و افلوق و بغداد
نجه قونسوسی اقامتی مسبق اولیوب شروط عهد نامه ده
دخی مصرح دکل ایکن مملکتین مزبورده نینه اجنته نصبنی اسدعا

ایلد کلرند

۹۴
۹۷
ایلد کلرند ولت علیه مضرک ملکیه و محضورات عیدیه سنه
باقیموب مجرد دوستلغه حرمة نذایر سلم و صفوقی موجب اولون
اراده سیله ذکر اولنان اجنته نک نصبنه دخی مساعد و اشبو
مواد عظیمه نک هر برینه بشقه بشقه سند اعطا و بو مثللو
عهد دن خارج ماده لر ایله دوستلوق مراعاته سعی اونی اتمش
اوه یعنی و روسیه لونک قینار جه صلحدنبر و حصوله کتوردیگی
ماده لرک اکثری نجه لورون اتمیه رک بالو شترک اقرامندن
نشأت اتمشیکنی دولت علیه باقیموب نینه دوستلوق و همجوارلی
مراسمی اجرا ده دقیقه فون اتمدیگی جمله دول دوستلوق رعنا
معلوم لری طرف ولت علیه دن حقوق دوستی و همجواری به
بومرتبه لره رعایت اولمنقه ایدوکی ظاهر اوه یفندن بشقه
روسیه لویله سفر محقق اولدق دن صکره دولت علیه نک
نجه دولتی حقنده بر دور لونی اویوب دوستلوق و صفوند
نباتی دکار و نجه دولتون دخی صفون مأمولنده ایدوکی
بدیدار در دیونجه ایلیسنه مکرراً بیان و افاده اولشیکنی
نجه دولتی الی سنه لک حقوقی و دولت علیه نک مراعات
مذکوره سنی بالکلید فراموش و بوندن اقدم نجه لونک بالذفا
کرفنار اولدو قلی ایاها اشلولرند اکر ولت علیه جزونی تمایل
و حرکت اتمک دکل ادنی درجه بر کوسترش جک اتمک لوزم کلسه
دیلدیکنی اجرا ایدر جکندن بشقه نجه لونک ایشلری نه صورتی
کسب ایدر جکی کندولری و ملوخطان سیدیه اربابی عند لرند
ظاهر و بو بایده دولت علیه قطعاً سمث مر و نک و عهد و شرطک
خلوفند باقیموب عاجر کشتک اتمامنی اوه یعنی باهر ایکن دولت علیه نک

بومرقتی دهنی میسی قتلہ رق بالودہ مذکور اولد یعنی اوزرہ
نقص عہدی جہیلہ پنجد نو تمام فرصتی غنیمت عدو کم فرسائی ایزد
روسیہ سفرندہ نقص عہدی دولت علیہ یہ اسناد ایله روسیہ لوند
سفرندہ حقہ دار و مشترک اولد یعنی آستانہ سعادتہ مقیم
ایلیسی مملکتہ عودہ ما موراید و کئی مبتین بیان نامه ارسال
بلو موجب قطع رشتہ موالوت و صفوت و وضع صلح و نقص عہد
اتمکله دولت علیہ دخی ایلیسی و آدم لرینی توفیق داعیہ سند
و شمیوب درکار اولون مرؤن جلیلا سی مقتضای اوزرہ
معززاً و مکرمأ پنجد دیارنہ عود و انصرافنہ رخصت و یولردہ
حمایت و استحصال اسباب استراحت و امنیت ایچون امر شریف
اصدار و رعایا سنک حدودی تجا و زاید پنجد دک فرانچہ
ایلیسی معرفیلہ حمایت لرینی التزام ایلتدر و یوبایدہ سلطنت
سنیہ عثمانیہ نک قطعاً سررشتہ و مدخلی اولیوب حال بویله
اولد یعنی اور و پارولی دوستلر مزن معلوم لری اولد قدہ
کیفیت حال نظر انصاف و حقانیت لریندہ حوالہ اولنور **خروج**
موجب و وقوع دور شهر جمادی الاولک اون ایکنی و شباً طک
سکرچی کونی معتاد اوزرہ ترتیب دیوان معوارکان اولوب
طوائف عسکریہ نک اقتضا ایزد مواجبلری زیر قبضہ ہمایوندہ
اعطا و زولون عوارف شہنشاہیدن دلشنکان عنایت اروا
بیوریلوب سفر ہمایون شغلی دغدغہ انداز خواطر اولغین صدر
اعظم حضرت لری سپاہ و سحرار مواجبلرین اعطا دہ اہتمام بیورق
معا ددن برابکی کون مقدم اعطای موجب شغلی تمام و دردیج
جمعہ کونی دور ایله توزیع علوفہ یہ حثام و یروپ طرف ہمایون

98 جناب جهانداریدن داب قدیم اوزرہ کتخزای خزینہ شہر یاری
اغایله دور تشریفاتی تقدیم یعنی فوق العتاد کوز چوقہ یلد
دوختہ بر اعلا و سحرور فروہ ایله بر قطعہ مجوہر چنجر ظفر اثرا صفا
و یو و جہلہ صدر اعظم حضرت تلرینہ اعطای شان بیور دقدن
سکرہ اولبا بدہ تسییر بیور ایله کلون خطہ ہمایون شاہانہ لری
دخی خطوط سائرہ شاہانہ لرنندن برتر و توجیہات شہر یارانہ
و دعوات خیرہ ملوکانہ لری و خصوصاً بنیہات خسروانہ لری
ازمان سالقد دن ازید و او فر اولغین استماعندن ہر کسی
کریہ ناک و دوام دولت پادشاہ آیام و فوز و نصرت عسا کر
اسلوم دعا لری آوازہ سی رسیدہ مققر ذات الوفلوک اولشد
صورتی خطہ ہمایون بنم وزیر وقور و وکیل جمیت پرورم
سنی سلوم سلوم انجام و دعای خیرا جابت ارتسام شاہانہ
تشریف و اکرام خسروانہ مدن صکر معلومک اولسونکہ دشمن
دین و اعدای مشرکین اوزرینہ برآ و مجراً واقع اولون سفر
ہمایونک کافہ مہمان و تربیان و لوازماتی تہیہ سندہ
و قوعہ کلون خدمانک و دین مبین اغرنده درکار اولون
سی و غیر نک معلوم پادشاہانہم اولد یغندن بشقہ بودقم
قبوقولی و سائر صنوف عسکریہ قولد لریک بر قسط مواجبلری
بروجہ تعجیل و انعام و تحمیل و توزیع و تکمیل خصوصاً سنوع
ایدن اقدام و ہمتک پسندیدہ پادشاہانہم اولغین مظهر
دعای خیر داورانم اولشی سندن مجر دسنی اعزاز و تلطیف
ایچون بر ثوب سحرور مستون مستوجب و بر چنجر نصرت مستجاب
خزینہ کتخزای اغاقولم ایله ارسال اولنشد سنی و سنکلا ہ

بالتفاق دين و دولت ابد رهينم خدما نده صادقانه غيرت
واظهار استقامت ايدن لري جناب حق دارينك عزيز اتسون سفر من
مسقوا و زرينه ايكن نجه لونك نقص عهدي ارتكابي جهنيله دشمن
دين ايكي اولدي دين مدينك صاحبى ايكي جهان كوشنى سرور
انبيا عليه وعلى اله ازكى التحايا افندمزا و لغله جناب خير
الناهرين هر حالده معين و ظهير من اولديفنده شبنهه يوقدر
كركى سنى و كرك خيدخواهان هولم اولنلر اقدام و همكاريكزه
قطعاً فنور كنور ميوب كافتة امور سفر يه و ونماي همايونم
زيبانده سعي ايليه سنى كافتة امورده مستعمل بالومر و مستدل
بالرأى وزير و وكيل مطلق من غيرت و خدمتلك نزد پادشاهان
وجوه ايله مقبول و مستحسن در سنى و سار صدافتكار راه دولتى
جناب حقه و ديعه ايلدم سفر براولون رجال و عسكرى
قولدم و سار خدمه دولت عليه مى اولوجناب حقه و ثانيا
سكا اصم لدم صادق اولنلر ك نلطيفلرينه و خائن اولنلر ك
اجراي جزا لرينه اقدام ايليه سنى او جائلر قولدمدن اجداد
عظام زمانلردن افزون صداقت و غيرت مطلوب همايوندم
حضرت رب العالمين عساكر اسلامى منصور و مظفر و اعداى
دينى مقهور و مدقرا ايليه بنم دعام جمله ايله بله در معجزات
نبى عليه السلام بزم ايله در كوريم سنى غيرت كونه ليدر
وقوع ركاب و عزله شيخ الاسلام شهر جمادى الاولك اون آلبنى
سبت كوفى صدر اعظم حضرت لرى معنا داوزه دور تشرى قاتى
تشرى معترضه منفردا يعنى شيخ الاسلام افندى معيتمده
اوليه رقى عزم ركاب مستطاب شهر يار كاياب بيوروب

مقدمه طرف جهانداريدن اندرون همايون دعوت بيوريلون
نقيب الاشراف صدر اناطولى كامل افندى حضرت تليله رومائى
خاكيلى پادشاه ايام ايله مشرف اولد لرى عقبنده اولو صدر
اعظم حضرت تليله سراسره دوخته فروه ستورا كسا و ثانياً
مولوناي مشارا ليه شيخ الوساوملره مخصوص فروه بيضا ايليه
تعيين شغل برين فنوى بيوريلوب بعضى امور مذاكره سى خنامند
حضور مستوجب السرور پادشاهيدن خروج و صدر اعظم
حضرت تليله همعنان اون رقى باب اصفى يه ورود و بر مقدار
تعود ايلد كدن صكره صدر اعظم حضرت لرى طرفلردن دعى
بر ثوب فرآجه ستور كرك بوغچه ايله عرض اولنوب مظهر
اكرام تام اون رقى قونا لرى جانبند عطف لجا م ايلدى
نصب قائم مقام و ركاب همايون و ذكر بعضى از توجهات شهر
جمادى الاولك اون آلبنى سبت كوفى در كاه عالمي بكمچر لرى اغاسى
وزير حسن پاشا باب اصفى يه دعوت و ركاب همايونده قائم مقام
اولون اوزره سراسره دوخته ستور خلعت ابا س بيوريلوب
قونا عنده ارسال و يرينه قول كند اسى اولون كله جى ديمكده مشهور
عثمان اغا بكمچرى اغا ليله اكرام و ايجال اوضى مقدمه ركاب
همايون كند اسى اولون محمد اغا نك دعى بيدلى لوزم كله سفر
همايون كند اوزره بالفعل چاوشباشى اولون الحاج صالح اغا
يوزم مزبوره ده ركاب همايون كند اغيتمه تبديل مقام و
چاوشباشى ايله سفر براولون اوزره سپاه اغاسى اولون
روحى سليمان اغا تحصيل مرام ايروب چاوشباشى و كالتى سابق
ركاب كند اسى و كلى اولون حمزه پاشا كند اسى محمد اغا به نجيل و روحى

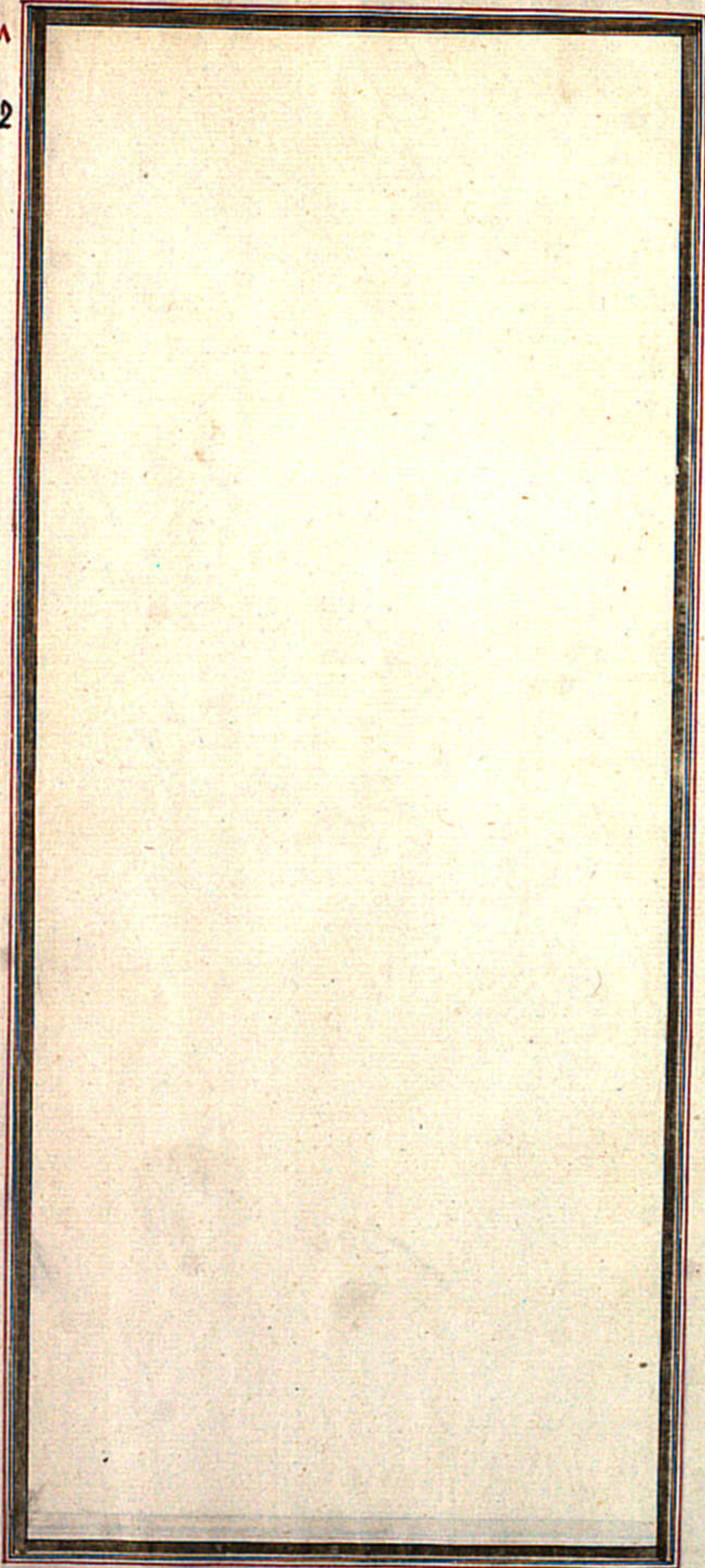
سلیمان اغا دان بقیده قانون سپاه اغالی بودند مقتد مجده طوچی
 باشلیقدن منفصل کنج عثمان اغایه تحویل اوهی **ذکر توجیهان**
 شهر فربورک اون البنی سبت کونی مفتی سابق محمد مکی افندی
 حضرت ندریک قوناغنده اقامتد مامورا ولدینی خبرینی ایصال
 چاوشباشی جدید روحی سلیمان اغا مامور وانا طولی
 قاضی عسکر لیکله رئیس زاده عاشر افندی ونقیباوشرفانی
 ایله درویش ملوا افندی مسرور و مجبور بیوریلوب بالفعل
 روم ایلی قاضی عسکری اولون سیدی محیی توفیق افندی حضرتی
 دخی بر بچنی ماه مدایله اعزاز واکرام اوهی **عودن ایلیچیان**
هند مقدما ورود لری کشیده سلک آثار اولون هند ایلیچیان
 انباغلی و سائر عسکر یلری میانه لرنده بر موتان جان شکار
 ناکه کیر ظهور و بر قاچ ماه ظرفنده ایکیوز تیش مقدری
 آرملی برر ایکی شوهوک اوج رق زیر خاکه متواری و مستور
 اولوب اقامتدن اظهار حجر برله هولری طرفه غیمنده مجبور
 اولمیر ایله واسط شهر مذکورده حضور اصفی و دعوت
 وجانب هولدن تحریر اوج جنی جواب نامه همایون ایله اعداد
 اولند جنی هدایای همایون اعداد و ترسیده اولمش اولمغله
 همان کند و لره اعطا و تسلیم اولنوب بقیده قانون الی التمش
 نفر مقدری آرملیله بحر اولویلری جاننده عزیزت ایلدیلر
ذکر اخراج توغ نصر نوردغ اصفی بصرای داود پاشا
 اردوی همایونک بصرای داود پاشایه خروج ایلیسی هنگامی
 نقر ب اتمکین شهر جمادی اوغرن اوجنی و ماه شباطک یکر می
 طقوز بنی صالح کونی بکچری و سائر او جاظرک طوغلی باب

اصفی به جمع اولندقدن صکره کنخای صدر اعظمی عبداللہ
 افندی به ستمور کورک و سائر او جاظر توغچیلرینه خلعتد اباس
 واکسا و سخن نرد بانده ماردینی شیخ افندی به دعا و ثنا ایلدیلر
 عقبنده توغلر زیور دوشی و مرتب آوی ایله داود پاشا صحرا سنده
 نفل اولنوب نصب نظرگاه عساکر دریا خروج قلمشدر **ذکر خروج**
سردار اکرم بصرای داود پاشا مقدم ذکر اصفی اوزره
 اولومسقولو وثانیاً نجه لواوزر لرینه سفر همایون تحقیق ایلدکن
 صکره صدر اعظم حضرت ندری عساکر واروان و خصوصاً ترتیب
 ذخایر و مرتما کئی اهنام ایدرک آزوقنده اکثر لوازم و مایحتاج
 سفر همایونی اتمام ایدوب لوای شریف ظفر رفیع ایله کندولرینک
 دخی معسکر همایونه خروج ایلمک هنگامی حلول اتمکین شهر جمادی
 اوغرن طقوز بنی و ماه مارنک البنی انین کونی علی السحر علی
 اعلام همان فرجه ستمور کورک و دملی قاوقلر و خواجگان
 و قپوچی باشی اغا لر چنان دستار و سایه قپود و کمر رخت و
 غاشیده لر ایله الوی قدیم تکلف لری غائله لری بر طرف اولد رق
 عموماً سرای همایونه جمع اولنوب مختار اولنان ساعت نهارکی
 بر بچغه کلنجه بعضی مستجاب الدعوه ذوات کرام و دعا و توسلله
 دعای منصور کی عساکر اسلور جناب و هجاب علی الوطوقدن
 نیاز و استرحام اصفی عقبنده لوای شریف ظفر ایفیدر موج
 ملوکانه ایله دست ظفر پیوست حضرت سردار کرمی به تسلیم اولنوب
 یمین و یسار دستار اصفی ایکی قطعه مجوهر سرغوجله نرین
 و میان شمشیر غیرت نشا ندرینه تعلیق شمشیر و ترکش کوهر
 اکین بیورلدقدن صکره بالنهر و التاید الویه سوار و عازم

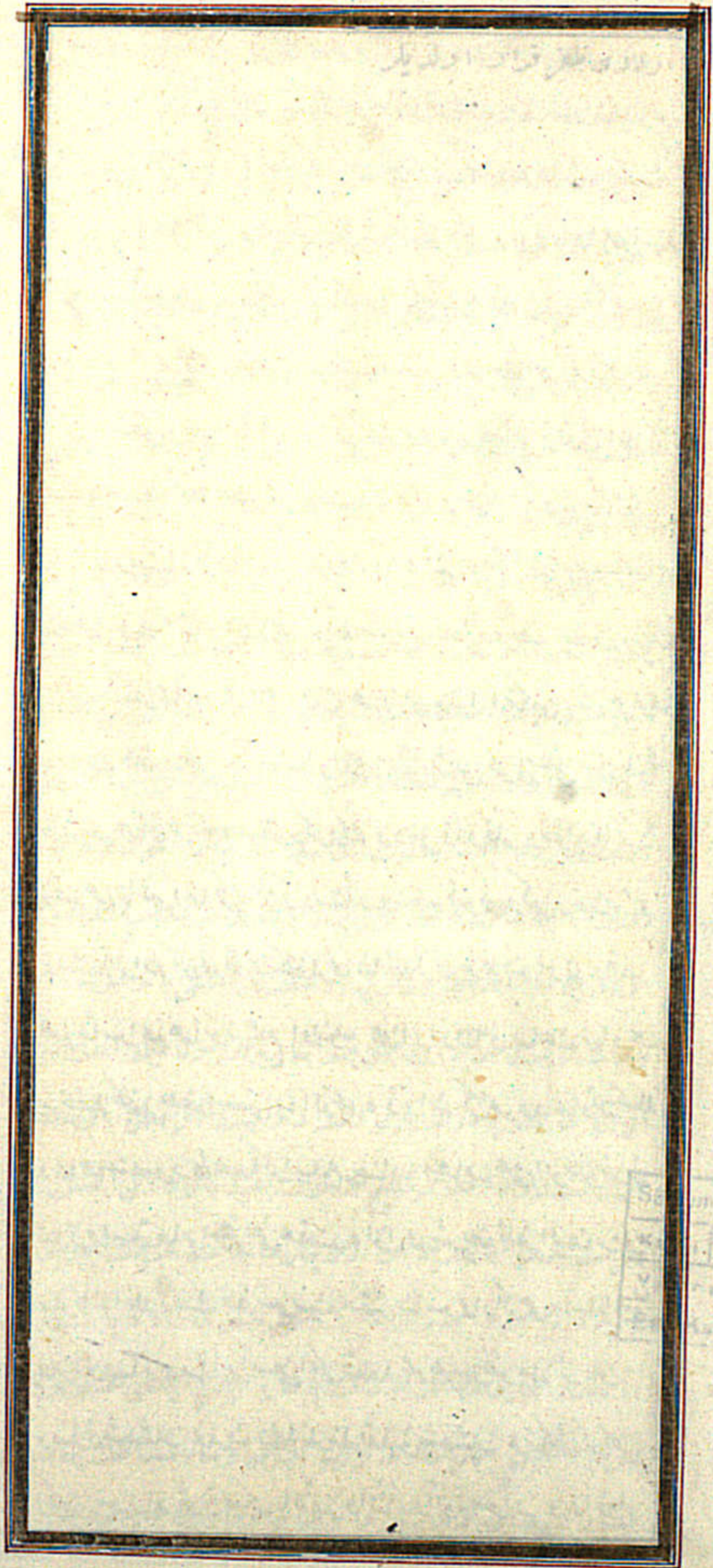
100

91

102



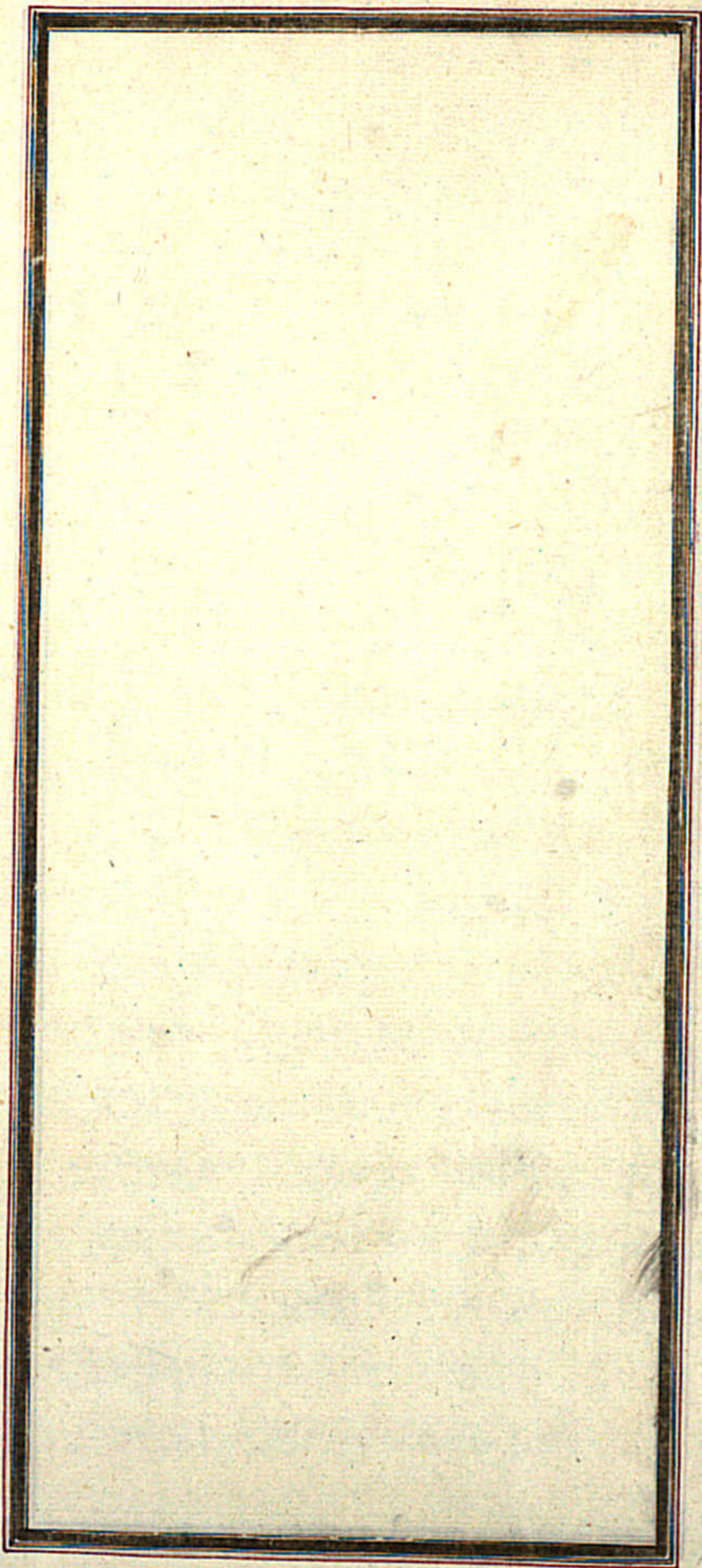
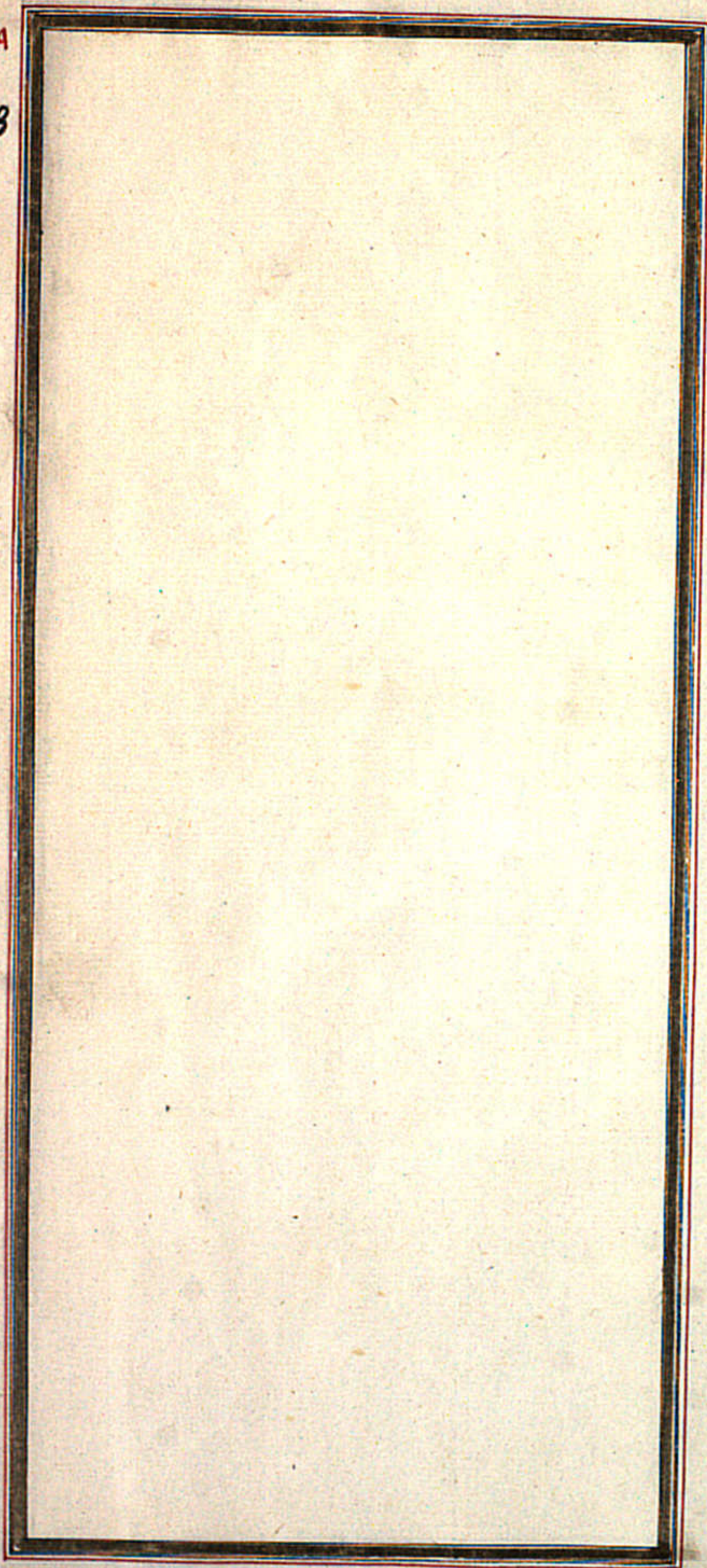
101



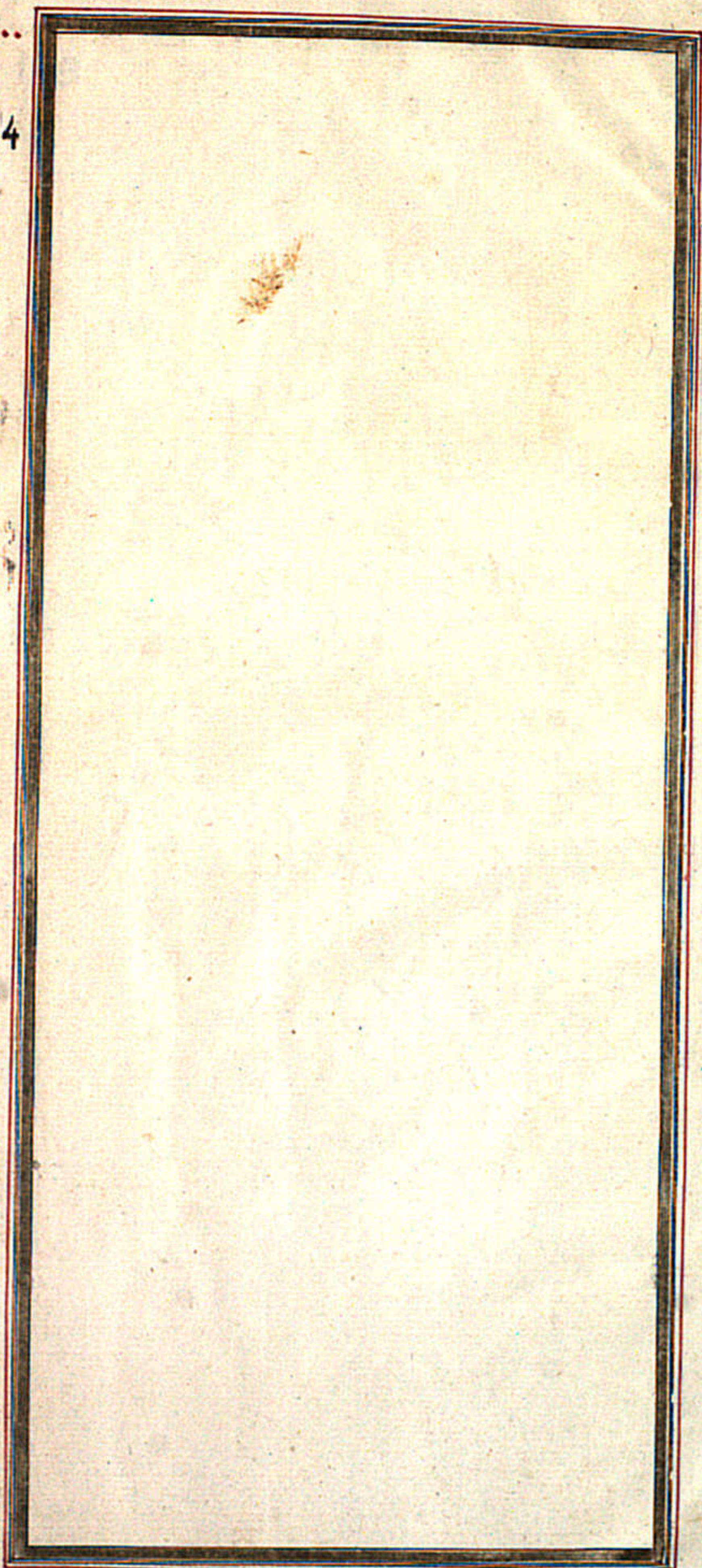
Se	...
...	...
...	...
...	...

44

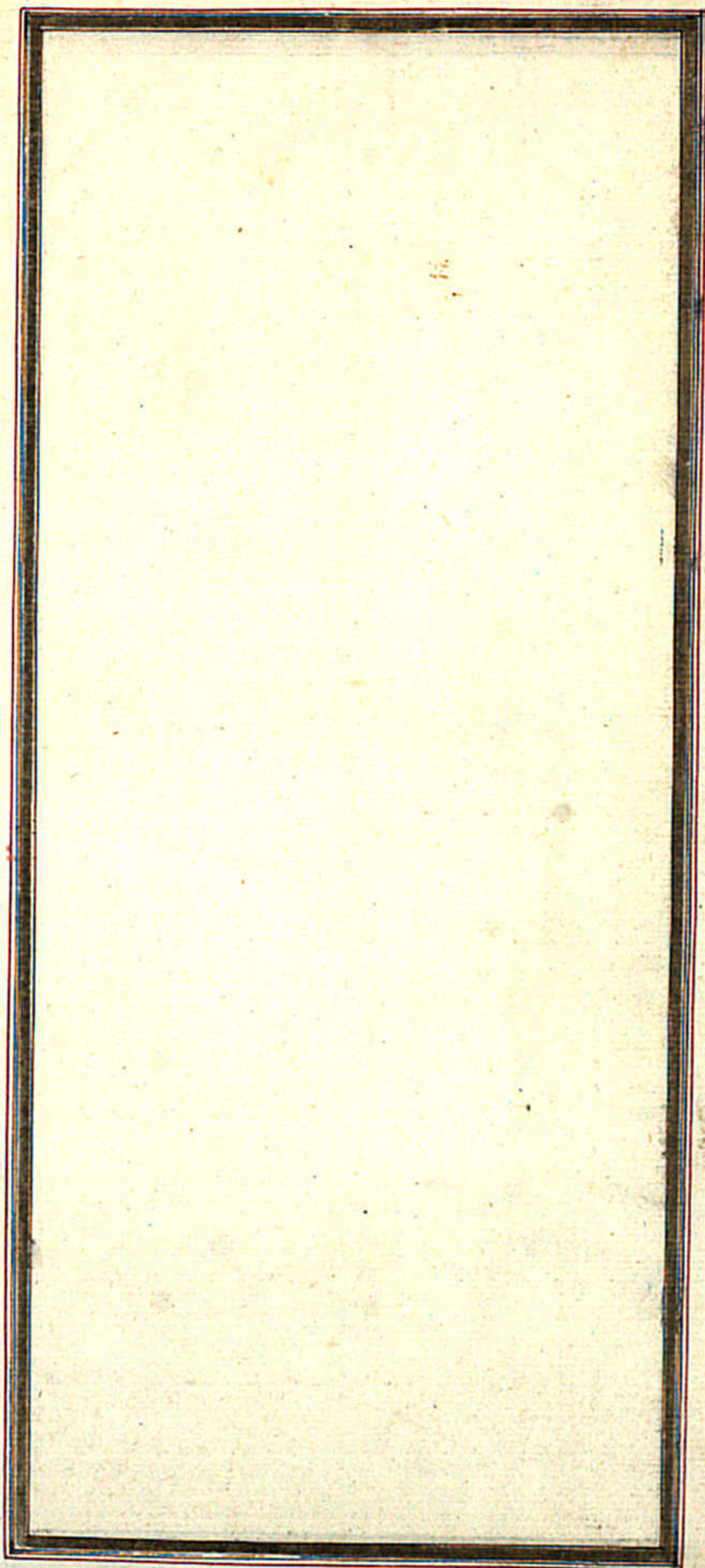
103



104



104



105

A